

قرآن و نماز

تفسیر برگزیده
آیات نماز، تفسیر سوره حمد، ماعون و توحید

برگرفته از تفسیر نور





کتاب همراه سؤالات

قرآن و نماز

تفسیر برگزیده

آیات نماز، سوره حمد، ماعون و توحید،

کتاب همراه سؤالات

براساس تفسیر نور حجت الاسلام والمسلمین

محسن قرائتی

معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش - واحد آموزش و پژوهش

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	تفسیر سوره حمد
۱۲	درسهای تربیتی سورهی حمد
۱۳	آیه ۱
۱۶	سیمای «بِسْمِ اللَّهِ»
۱۸	آیه ۲
۲۰	آیه ۳
۲۱	آیه ۴
۲۳	آیه ۵
۲۵	آیه ۶
۳۱	آیه ۷
۳۲	مغضوبین در قرآن
۳۴	ضالّین در قرآن
۳۶	اولین وظیفه متقین
۳۷	نماز جماعت
۳۸	استمداد از نماز
۴۰	پیمان الهی
۴۱	توشه آخرت
۴۲	مسجد و نمازگزاران
۴۴	سابقه کعبه
۴۵	پناهگاه در مشکلات
۴۷	نمونه نیکی
۴۹	مسئولیت ویژه
۵۱	راه سعادت و آرامش

۵۲.....	محراب عبادت
۵۵.....	وظیفه توانا و ناتوان
۵۶.....	توجه و طهارت
۵۸.....	اولویت نماز
۶۰.....	نماز شکسته
۶۲.....	اهمیت نماز جماعت
۶۵.....	تکلیف فرازمانی
۶۶.....	نماز منافقانه
۶۸.....	اندیشمندان و نماز
۶۹.....	طهارت شرط لازم
۷۳.....	شرط همراهی خدا
۷۴.....	نشانه ولایت
۷۸.....	تمسخر دشمنان
۷۹.....	شیطان مانع نماز
۸۰.....	ماموریت الهی
۸۱.....	محافظت از نماز
۸۲.....	نماز خالصانه
۸۳.....	نشانه اصلاح
۸۵.....	نشان ایمان حقیقی
۸۷.....	نشانه توبه واقعی
۸۸.....	نشانه برادری
۸۹.....	آبادگران مسجد
۹۲.....	نماز مردود
۹۳.....	سفارش اهل ایمان
۹۵.....	نماز و شهرسازی
۹۶.....	اثرگذار اجتماعی

۹۷.....	نابودگر بدی ها
۱۰۰.....	سرمایه قیامت
۱۰۱.....	دعای ابراهیم علیه السلام
۱۰۳.....	جایگاه نماز صبح
۱۰۴.....	نماز شب
۱۰۵.....	اهمیت نماز شب
۱۰۷.....	واجبی مستمر
۱۰۸.....	مسئولیت خانواده
۱۱۰.....	بی نمازان گمراه
۱۱۱.....	اولین دستور خدا
۱۱۳.....	مسئولیت و پشتکار
۱۱۴.....	ماموریت پیشوایان
۱۱۵.....	نشانه بندگان مخلص
۱۱۶.....	اولین وظیفه حاکمان
۱۱۸.....	راه رستگاری
۱۱۹.....	سیمای اسلام
۱۲۱.....	رستگاری حتمی
۱۲۲.....	نشانه وارثان بهشت
۱۲۳.....	تاجران نمونه
۱۲۴.....	نماز همه موجودات
۱۲۶.....	عامل جلب رحمت
۱۲۷.....	نشانه مؤمنان
۱۲۸.....	بازدارنده از زشتی ها
۱۳۱.....	نماز و بازدارندگی از منکرات
۱۳۲.....	نشانه نیکوکاران
۱۳۴.....	سفارشی حکیمانه

۱۳۶		سیمایی از نماز
۱۳۹		تجارتی پایدار
۱۴۰		امتیازات تجارت با خدا
۱۴۱		نماز و مشورت
۱۴۳		اهمیت نماز جمعه
۱۴۴		جایگاه نماز جمعه
۱۴۷		مداومت بر نماز
۱۴۸		مراقبت ویژه
۱۴۹		جایگاه مسجد
۱۵۰		نکاتی چند پیرامون مسجد
۱۵۲		عقاب تارکان نماز
۱۵۳		رستگاری واقعی
۱۵۴		دشمنان نماز
۱۵۶		جاودانگی با نماز
۱۵۷		سپاسگزاری ویژه
۱۶۱		سوره ماعون
۱۶۳		نگاهی به مسئله ریا
۱۶۴		اخلاص
۱۶۷		سوره توحید
۱۶۸		آیه ۱
۱۷۱		آیه ۲
۱۷۲		آیه ۳
۱۷۴		آیه ۴
۱۷۵		نماز مطلوب از نگاه قرآن



مقدمه

خداوند حکیم در قرآن کریم هدف آفرینش ما را مشخص کرده و فرموده است: «وما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۶) من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند. و بدون تردید تنها راه تکامل، نزدیک شدن به خداوند و خدایی شدن است و برجسته‌ترین مظهر عبادت، «نماز» است. چنانکه خداوند متعال فرمود: «بی تردید من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید». «وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ» (مائده، ۱۲)

نماز از فروع دین و بهترین راه ارتباط انسان با خداوند متعال است.

نماز ستون دین، بازدارنده از فحشا و زشتی‌ها و معیار سنجش تمام اعمال است. در اسلام تمام عبادت‌ها در شرایط خاص رفع تکلیف می‌شود، اما ترک نماز در هیچ حالتی برای مرد تجویز نشده است و اگر گاهی نماز فوت شد باید قضا شود حتی پس از مرگ.

قرآن درباره نماز از واژه‌های: عبادت، صلات، رکوع، سجده، ذکر، حمد، قرائت، تسبیح، دعا، مسجد، اذان، وقت نماز، قبله، وضو، غسل و تیمم، بیش از ۱۰۰۰ بار استفاده شده است.

آیاتی که درباره نماز آمده است، در محورهای مختلفی بیان شده از قبیل: آثار نماز، آداب نماز، اقامه نماز، حکم نماز و نمازگزاران، اوقات نماز و قبله و طهارت می‌باشد البته آیات نماز فقط درباره نمازهای واجب یومیه نیست و درباره نماز جمعه، نماز عید، نماز خوف، نماز مسافر، نماز شب نیز می‌باشد. اما به صورت کلی برخی آیات اصل وجوب نماز و اهمیت آن را تأکید می‌کند، برخی اوقات نماز را و برخی الگوهای موفق و محبوبی همچون پیامبران و متقین و مومنین اعم از زن و مرد را بیان می‌کند.

در قرآن کریم حدود صد مورد از کلمه «صلاة» و مشتقات آن سخن گفته شده است. (۶۱ بار واژه «الصلوة» و ۹۸ بار همراه مشتقات)

مهمتر اینکه به قول راغب اصفهانی در مفردات: «تمام مواردی که خداوند به نماز امر یا مدح

به آن کرده است و از اقامه نماز آمده است تا به این معنا توجه داده شود که مقصود از نماز، گزاردن نماز واجد شرایط است نه تنها به جای آوردن هیات نماز (بدون روح)». نکته دیگر آنکه اهتمام به نماز و ترویج و فرهنگ سازی نماز، سیره تمام انبیا و پیامبر اکرم و خاندان مطهرش صلوات الله علیهم اجمعین بوده است.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «هیچ عملی به پیشگاه خداوند محبوب تر از نماز نیست. پس چیزی از امور دنیا، شما را از خواندن نماز اول وقت باز ندارد؛ زیرا خداوند متعال مذمت کرده قومی را که نسبت به نماز سهل انگاری کنند و فرموده است: وای بر آن نمازگزارانی که از نمازشان غفلت کنند و در انجام آن در اول وقت مسامحه ورزند و عمد آن را به تأخیر اندازند». امام حسین (علیه السلام) در اوج تشنگی خود و یارانش از دشمن درخواست آب نکرد، ولی برای نماز و مناجات یک شب محملت خواست و خود را عاشق نماز معرفی کرد. در میدان جهاد و هنگام نبرد روز عاشورا، نماز اول وقت و به جماعت را ترک نکرد. لذا در زیارت نامه اش شهادت می‌دهیم که نماز را به پاداشت: «اشهد انک قد اقمت الصلاة»

امام سجاد (علیه السلام) در دعای ابوحمزه ثمالی از سنگینی و بی نشاطی برای نماز شکوه کرده و می‌گوید: خدایا چرا هنگام نماز من نشاط ندارم؟ شاید مرا از درگاه خود رانده‌ای، شاید به خاطر یاوه‌گویی‌ها توفیقم کم شده، شاید مرا صادق نمی‌دانی، شاید رفیق بد در من اثر گذاشته و... اینگونه شادابی و نشاط در نماز را از خداوند درخواست نموده است.

کتاب حاضر برگزیده آیاتی درباره نماز است که از مجموعه آیات نماز از تفسیر نور استاد محترم حجت الاسلام قرائتی انتخاب شده است. البته سعی شده پیام‌های غیرمرتبط با موضوع، حذف یا اصلاح و ادغام شود.

در کنار تفسیر آیات، تفسیر سه سوره دیگر انتخاب شده که سوره حمد با توجه به وجوب قرائتش در نماز و سوره توحید، ابتلای عموم به خواندن آن و سوره ماعون که گلابه خداوند از نماز بی‌فایده و نمازگزاران بی‌توجه است.

امید است که این مختصر گامی در جهت شناخت اهمیت نماز و آنگاه ترویج و توسعه فرهنگ نماز در میان خانواده و جامعه باشد و مورد قبول خوانندگان و دوستداران نماز واقع شده و با ارسال نظرات و پیشنهادات خود به نشانی www.namaz.ir یاری‌گر ما باشند.



تفسیر سوره حمد

✽ سوره‌ی حمد که نام دیگرش «فاتحة الكتاب» است، هفت آیه دارد^۱ و تنها سوره‌ای است که بر هر مسلمانی واجب است روزانه ده بار آن را در نمازهای شبانه روزی بخواند و در صورت ترک عمدی نماز او باطل است. «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»^۲

بنا به روایت جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم ﷺ: این سوره بهترین سوره‌های قرآن است. و به نقل ابن عباس؛ سوره‌ی حمد اساس قرآن است. در حدیث نیز آمده است: اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و زنده شد، تعجب نکنید.^۳

از نامگذاری این سوره به «فاتحة الكتاب» توسط پیامبر اکرم ﷺ،^۴ معلوم می‌شود که تمام آیات قرآن در زمان رسول خدا ﷺ جمع آوری شده و به صورت کتاب در آمده است و به امر ایشان این سوره در آغاز و شروع کتاب (قرآن) قرار گرفته است.

همچنین در حدیث ثقلین می‌خوانیم که پیامبر ﷺ فرمود: «انّی تارک فیکم الثقلین

۱. عدد هفت، عدد آسمان‌ها، ایام هفته، طواف، سعی بین صفا و مروه و پرتاب سنگ به شیطان نیز می‌باشد.

۲. مستدرک، ج ۴، ح ۴۳۶۵.

۳. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۵۷.

۴. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۷.

کتاب الله و عترتی^۱ من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم، کتاب خدا و خاندانم. از این حدیث نیز معلوم می‌شود که آیات الهی در زمان پیامبر ﷺ به صورت «کتاب الله» جمع آوری شده و به همین نام در میان مسلمانان معروف و مشهور بوده است.

آیات سوره‌ی مبارکه فاتحه، اشاراتی در باره‌ی خداوند و صفات او، مسأله معاد، شناخت و درخواست رهروی در راه حق و قبول حاکمیت و ربوبیت خداوند دارد. همچنین به ادامه‌ی راه اولیای خدا، ابراز علاقه واز گمراهان و غضب‌شدگان اعلام بیزاری و انزجار شده است.

سوره‌ی حمد همانند خود قرآن مایه‌ی شفاست، هم شفای دردهای جسمانی و هم شفای بیماری‌های روحی^۲.

درسهای تربیتی سوره‌ی حمد

قبل از تفسیر سوره حمد سیمایی از درسهای این سوره را ترسیم نموده و پس از آن به شرح آن می‌پردازیم؛

۱. انسان در تلاوت سوره‌ی حمد با «بِسْمِ اللَّهِ» از غیر خدا قطع امید می‌کند.
۲. با «رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» احساس می‌کند که مربوب و مملوک است و خودخواهی و غرور را کنار می‌گذارد.
۳. با کلمه «عَالَمِينَ» میان خود و تمام هستی ارتباط برقرار می‌کند.
۴. با «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خود را در سایه لطف او می‌داند.
۵. با «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» غفلتش از آینده زدوده می‌شود.
۶. با گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ریا و شهرت طلبی را زایل می‌کند.

۲. علامه امینی در تفسیر فاتحه الکتاب، روایات زیادی را در این باره نقل نموده است.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۰۰.

۷. با «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» از ابرقدرت‌ها نمی‌هراسد.

۸. از «أَنْعَمْتَ» می‌فهمد که نعمت‌ها به دست اوست.

۹. با «أَهْدِنَا» ره‌سپاری در راه حق و طریق مستقیم را درخواست می‌کند.

۱۰. در «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» همبستگی خود را با پیروان حق اعلام می‌کند.

۱۱. با «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و «لَا الضَّالِّينَ» بیزاری و براءت از باطل و اهل باطل را ابراز می‌دارد.

﴿۱﴾ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

نکته‌ها:

در میان اقوام و ملل مختلف، رسم است که کارهای مهم و با ارزش را به نام بزرگی از بزرگان خویش که مورد احترام و علاقه‌ی آنهاست، شروع می‌کنند تا آن کار میمون و مبارك گردد و به انجام رسد. البته آنان بر اساس اعتقادات صحیح یا فاسد خویش عمل می‌کنند.

گاهی به نام بت‌ها و طاغوت‌ها و گاهی با نام خدا و به دست اولیای خدا، کار را شروع می‌کنند.

چنانکه در جنگ خندق، اولین کلنگ را رسول خدا ﷺ بر زمین زد.^۱ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سر آغاز کتاب الهی است. «بِسْمِ اللَّهِ» نه تنها در ابتدای قرآن، بلکه در آغاز تمام کتاب‌های آسمانی بوده است. در سر لوحه‌ی کار و عمل همه‌ی انبیا «بِسْمِ اللَّهِ» قرار داشت. وقتی کشتی حضرت نوح در

میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح علیه السلام به یاران خود گفت: سوار شوید که «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا»^۱ یعنی حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. حضرت سلیمان علیه السلام نیز وقتی ملکه سبا را به ایمان فراخواند، دعوتنامه خود را با جمله‌ی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۲ آغاز نمود.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ»، مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی است.

همچنین آن حضرت به شخصی که جمله‌ی «بِسْمِ اللَّهِ» را می‌نوشت، فرمود: «جودها» آن را نیکو بنویس.^۳

بر زبان آوردن «بِسْمِ اللَّهِ» در شروع هر کاری سفارش شده است؛ در خوردن و خوابیدن و نوشتن، سوار شدن بر مرکب و مسافرت و بسیاری کارهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون نام خدا ذبح شود، مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است که خوراک انسان‌های هدف‌دار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

در حدیث می‌خوانیم: «بِسْمِ اللَّهِ» را فراموش نکن، حتی در نوشتن یک بیت شعر. و روایاتی در پاداش کسی که اولین بار «بِسْمِ اللَّهِ» را به کودک یاد بدهد، وارد شده است.^۴

سؤال: چرا در شروع هر کاری «بِسْمِ اللَّهِ» سفارش شده است؟

پاسخ: «بِسْمِ اللَّهِ» آرم و نشانه‌ی مسلمانی است و باید همه کارهای او رنگ الهی داشته باشد.

همان‌گونه که محصولات و کالاهای ساخت یک کارخانه، آرم و علامت آن

۳. کنز العمال، ج ۳۹۵۵۸.

۴. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۳.

۱. هود، ۴۱.

۲. نمل، ۳۰.

کارخانه را دارد؛ خواه به صورت جزئی باشد یا کلی. مثلاً یک کارخانه چینی سازی، علامت خود را روی تمام ظروف می‌زند، خواه ظرف‌های بزرگ باشد یا ظرف‌های کوچک. یا اینکه پرچم هر کشوری هم بر فراز ادارات و مدارس و پادگان‌های آن کشور است و هم بر فراز کشتی‌های آن کشور در دریاها، و هم بر روی میز اداری کارمندان.

سؤال: آیا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه‌ای مستقل است؟

پاسخ: به اعتقاد اهل بیت رسول الله علیهم السلام که صد سال سابقه بر سایر رهبران فقهی مذاهب دارند و در راه خدا به شهادت رسیده و در قرآن نیز عصمت و پاکی آنها به صراحت بیان شده است، آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه‌ای مستقل و جزء قرآن است. فخر رازی در تفسیر خویش شانزده دلیل آورده که «بسم الله» جزء سوره است. آلوسی نیز همین اعتقاد را دارد. در مسند احمد نیز «بسم الله» جزء سوره شمرده شده است.^۱ برخی از افراد که بسم الله را جزء سوره ندانسته و یا در نماز آن را ترک کرده‌اند، مورد اعتراض واقع شده‌اند. در مستدرک حاکم آمده است: روزی معاویه در نماز «بسم الله» نگفت، مردم به او اعتراض کردند که «أَسْرَقْتَ أَمْ نَسِيتَ»، آیه را دزدیدی یا فراموش کردی؟!^۲

امامان معصوم علیهم السلام اصرار داشتند که در نماز، «بسم الله» را بلند بگویند. امام باقر (علیه السلام) در مورد کسانی که «بسم الله» را در نماز نمی‌خواندند و یا جزء سوره نمی‌شمرند، می‌فرمود: «سرقوا اکرم آیه»^۳ بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند. در سنن بیهقی در ضمن حدیثی آمده است: چرا بعضی «بسم الله» را جزء سوره قرار نداده‌اند؟!^۴

۳. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۰.

۴. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۵۰.

۱. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷۷ و ج ۴، ص ۸۵.

۲. مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳.

شهید مطهری قدس سره در تفسیر سوره حمد، ابن عباس، عاصم، کسایی، ابن عمر، ابن زبیر، عطاء، ابن طاووس، فخر رازی و سیوطی را از جمله کسانی معرفی می‌کند که «بسم الله» را جزء سوره می‌دانستند.

در تفسیر قرطبی از امام صادق (ع) نقل شده است: «بسم الله» تاج سوره‌هاست. تنها در آغاز سوره براءت (سوره توبه) «بسم الله» نیامده و این به فرموده حضرت علی (ع) به خاطر آن است که «بسم الله» کلمه امان و رحمت است، و اعلام براءت از کفار و مشرکان، با اظهار محبت و رحمت سازگار نیست.^۱

سیمای «بِسْمِ اللَّهِ»

۱. «بِسْمِ اللَّهِ» نشانگر رنگ و صبغهی الهی و بیانگر جهت‌گیری توحیدی ماست. (امام رضا (ع) می‌فرماید: بسم الله یعنی نشان بندگی خدا را بر خود می‌نهم).^۲

۲. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن رمز کفر، و قرین کردن نام خدا بانام دیگران، نشانه‌ی شرک. نه در کنار نام خدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او. (نه فقط ذات او، بلکه نام او نیز از هر شریکی منزّه است؛ «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» حتی شروع کردن کار به نام خدا و پیامبر اکرم نیز ممنوع است).^۳

۳. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز بقا و دوام است. زیرا هرچه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است. «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»^۴

۴. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز عشق به خدا و توکل به اوست. به کسی که رحمان و رحیم است عشق می‌ورزیم و کارمان را با توکل به او آغاز می‌کنیم، که بردن نام او سبب جلب رحمت است.

۳. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۸۲.

۴. قصص، ۸۸.

۱. تفسیر مجمع‌البیان و فخر رازی.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۵. «بِسْمِ اللَّهِ» رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است.

۶. «بِسْمِ اللَّهِ» گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.

۷. «بِسْمِ اللَّهِ» مایه فرار شیطان است. کسی که خدا را همراه داشت، شیطان در او مؤثر نمی‌افتد.

۸. «بِسْمِ اللَّهِ» عامل قداست یافتن کارها و بیمه کردن آنهاست.

۹. «بِسْمِ اللَّهِ» ذکر خداست، یعنی خدایا! من تو را فراموش نکرده‌ام.

۱۰. «بِسْمِ اللَّهِ» بیانگر انگیزه ماست، یعنی خدایا هدفم تو هستی نه مردم، نه طاغوت‌ها و نه جلوه‌ها و نه هوس‌ها.

۱۱. امام رضا علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ» به اسم اعظم الهی، از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک‌تر است.^۱

پیام‌ها:

۱- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز سوره، رمز آن است که مطالب سوره، از مبدأ حق و مظهر رحمت نازل شده است.

۲- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در آغاز کتاب آسمانی، یعنی هدایت تنها با استعانت از او محقق می‌شود. (شاید معنای اینکه می‌گویند: تمام قرآن در سوره حمد، و تمام سوره حمد در بسم‌الله، و تمام بسم‌الله در حرف (باء) خلاصه می‌شود، این باشد که آفرینش هستی و هدایت آن، همه با استمداد از اوست. چنانکه رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز با نام او آغاز گردید. «أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ»)

۳. «بِسْمِ اللَّهِ» کلامی که سخن خداوند با مردم و سخن مردم با خدا، با آن شروع می‌شود.

۴. رحمت الهی همچون ذات او ابدی و همیشگی است. «اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

۵. بیان رحمت الهی در قالب‌های گوناگون، نشانه‌ی اصرار بر رحمت است. (هم قالب «رحمن»، هم قالب «رحیم») «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»
۶. شاید آوردن کلمه رحمان و رحیم در آغاز کتاب، نشانه این باشد که قرآن جلوه‌ای از رحمت الهی است، همان‌گونه که اصل آفرینش و بعثت جلوه لطف و رحمت اوست. «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

﴿ ۲ ﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

نکته‌ها:

«رَبِّ» به کسی گفته می‌شود که هم مالک و صاحب چیزی است و هم در رشد و پرورش آن نقش دارد.

خداوند هم صاحب حقیقی عالم است و هم مدبّر و پروردگار آن. پس همه هستی حرکت تکاملی دارد و در مسیری که خداوند معین کرده، هدایت می‌شود.

علاوه بر سوره حمد، چهار سوره انعام، کهف، سبأ و فاطر نیز با جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ» آغاز گردیده، ولی فقط در سوره حمد بعد از آن «رَبِّ الْعَالَمِينَ» آمده است.

مفهوم حمد، ترکیبی از مفهوم مدح و شکر است. انسان در برابر جمال و کمال و زیبایی، زبان به ستایش و در برابر نعمت و خدمت و احسان دیگران، زبان به تشکر می‌گشاید.

خداوند متعال به خاطر کمال و جلالش، شایسته‌ی ستایش و به خاطر احسان‌ها و نعمت‌هایش، لایق شکرگزاری است.

«الحمد لله»، بهترین نوع تشکر از خداوند است. هر کس در هر جا، با هر

زبانی، هرگونه ستایشی از هر کمال و زیبایی دارد، در حقیقت سرچشمه‌ی آن را ستایش می‌کند. البتّه حمد خداوند منافاتی با سپاسگزاری از مخلوق ندارد، به شرط آنکه به امر خداوند و در خط و مسیر او باشد.

خداوند، پروردگار همه‌ی آفریده‌هاست. «وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»^۱ آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان آنهاست، پروردگارشان اوست. «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا»^۲ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مِنَ الْجَمَادَاتِ وَالْحَيَوَانَاتِ»؛ او پروردگار جاندار و بی‌جان است. «لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» هم آفرینش از اوست و هم اداره‌ی آن، و او مربی و پرورش دهنده‌ی همه است.^۳

مراد از «عالمین» یا فقط انسان‌ها هستند، مانند آیه ۷۰ سوره حجر که قوم لوط به حضرت لوط گفتند: «أَوَلَمْ نُنْهَكْ عَنِ الْعَالَمِينَ» آیا ما تو را از ملاقات با مردم نمی‌نکردیم؟ و یا مراد همه‌ی عوالم هستی است. «عالم» به معنای مخلوقات و «عالمین» به معنای تمام مخلوقات نیز استعمال شده است. از این آیه فهمیده می‌شود که تمام هستی یک پروردگار دارد و آنچه در جاهلیت و در میان بعضی از ملّت‌ها اعتقاد داشتند که برای هر نوع از پدیده‌ها خدایی است و آن را مدبّر و ربّ التّوع آن می‌پنداشتند، باطل است.

پیام‌ها:

- ۱- همه ستایش‌ها برای اوست. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»^۴
- ۲- خداوند در تربیت و رشد هستی اجباری ندارد. زیرا حمد برای کارهای غیر اجباری است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»

۴. الف ولام در «الْحَمْدُ» به معنای تمام حمد و جنس ستایش است.

۱. انعام، ۱۶۴.

۲. شعراء، ۲۴.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۳- همه هستی زیباست و تدبیر همه هستی نیکوست. زیرا حمد برای زیبایی و نیکویی است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»

۴- دلیل ستایش ما، پروردگاری اوست. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۵- رابطه‌ی خداوند با مخلوقات، رابطه‌ی دائمی و تنگاتنگ است. «رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نقاش و بنا هنر خود را عرضه می‌کند و می‌رود، ولی مربّی باید هر لحظه نظارت داشته باشد).

۶- همه‌ی هستی، تحت تربیت خداوند یکتاست. «رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۷- امکان رشد و تربیت، در همه‌ی موجودات وجود دارد. «رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۸- خداوند هم انسان‌ها را با راهنمایی انبیا تربیت می‌کند، (تربیت تشریعی) و هم جمادات و نباتات و حیوانات را رشد و پرورش می‌دهد. (تربیت تکوینی) «رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۹- مؤمنان در آغاز کتاب (قرآن) با نیایش به درگاه خداوند متعال، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می‌گویند و در پایان کار در بهشت نیز، همان شعار را می‌دهند که «آخر دعواهم اُنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱

﴿۳﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

(خدایی که) بخشنده و مهربان است.

نکته‌ها:

خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است، «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»^۲ و رحمت او بر همه چیز سایه گسترده است. «و رحمتی وسعت کلّ شیء»^۳ همچنین پیامبر و کتاب او مایه رحمتند، «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۴ آفرینش و پرورش او

براساس رحمت است و اگر عقوبت نیز می‌دهد از روی لطف است.

بخشیدن گناهان و قبول توبه‌ی بندگان و عیب‌پوشی از آنان و دادن فرصت برای جبران اشتباهات، همه مظاهر رحمت و مهربانی اوست.

پیام‌ها:

- ۱- تدبیر و تربیت الهی، همراه محبت و رحمت است. (در کنار کلمه «رَبِّ»، کلمه «رحمن» آمده است.) «رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»
- ۲- همچنان که تعلیم نیازمند رحم و مهربانی است، «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ»^۱ تربیت و تزکیه نیز باید بر اساس رحم و مهربانی باشد. «رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»
- ۳- رحمانیت خداوند، دلیل بر ستایش اوست. «الْحَمْدُ لِلَّهِ ... الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»

﴿ ۴ ﴾ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

(خدایی که) مالک روز جزاست.

نکته‌ها:

مالکیت خداوند، حقیقی است و شامل احاطه و سلطنت است، ولی مالکیت‌های اعتباری، از سلطه‌ی مالک خارج می‌شود و تحت سلطه‌ی واقعی او نیست. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

با آنکه خداوند مالک حقیقی همه چیز در همه وقت است، ولی مالکیت او در روز قیامت و معاد جلوه‌ی دیگری دارد؛

* در آن روز تمام واسطه‌ها و اسباب نسبت به کفار قطع می‌شوند. «تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ»^۲

* نسبت‌ها و خویشاوندی‌ها نسبت به کفار از بین می‌رود. «فَلَا أُنْسَابَ بَيْنَهُمْ»^۱
 * برای کفار مال و ثروت و فرزندان، سودی ندارند. «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»^۲
 * بستگان و نزدیکان نیز فایده‌ای نمی‌رسانند. «لَنْ تَنْفَعَكُمُ أَرْحَامُكُمْ»^۳
 * نه زبان کفار، اجازه عذر تراشی دارد و نه فکر آنها، فرصت تدبیر. تنها راه چاره لطف خداوند است که صاحب اختیار آن روز است.

لفظ «دین» در معانی گوناگون به کار رفته است:

الف: مجموعه‌ی قوانین آسمانی. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۴

ب: عمل و اطاعت. «لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»^۵

ج: حساب و جزا. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

«یوم الدین» در قرآن به معنای روز قیامت است که روز کیفر و پاداش می‌باشد.
 «يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ»^۶ می‌پرسند روز قیامت چه وقت است؟
 قرآن در مقام معرّفی این روز، می‌فرماید: «ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ. يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»^۷ (ای پیامبر!) نمی‌دانی روز دین چه روزی است؟ روزی که هیچ کس برای کسی کارآیی ندارد و آن روز تنها حکم و فرمان با خداست.

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» نوعی انذار و هشدار است، ولی با قرار گرفتن در کنار آیه‌ی «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» معلوم می‌شود که بشارت و انذار باید در کنار هم باشند. نظیر آیه شریفه دیگر که می‌فرماید: «تَبَيَّنَ عِبَادِي أَيِّيَ أَنَا الْعَفْوَ الرَّحِيمِ. وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ»^۸ به بندگانم خبر ده که من بسیار مهربان و آمرزنده‌ام، ولی عذاب

۱. مؤمنون، ۱۰۱.
 ۲. شعراء، ۸۸.
 ۳. ممتحنه، ۳.
 ۴. آل عمران، ۱۹.
 ۵. زمر، ۳.
 ۶. ذاریات، ۱۲.
 ۷. انفطار، ۱۸-۱۹.
 ۸. حجر، ۴۹-۵۰.

و مجازات من نیز دردناک است.

همچنین در آیه دیگر خود را چنین معرفی می کند: «قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ»^۱ خداوند پذیرنده‌ی توبه مردمان و عقوبت کننده‌ی شدید گناهکاران است. در اولین سوره‌ی قرآن، مالکیت خداوند عنوان شده است، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» و در آخرین سوره، ملکیت او. «مَلِكِ النَّاسِ»

پیام‌ها:

- ۱- خداوند متعال، از جهات مختلف قابل عبادت است و ما باید حمد و سپاس او را به جا آوریم. به خاطر کمال ذات و صفات او که «الله» است، به خاطر احسان و تربیت او که «رَبُّ الْعَالَمِينَ» است و به خاطر امید و انتظار رحم و لطف او که «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» است و به خاطر قدرت و هیبت او که «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است.
- ۲- قیامت، پرتوی از ربوبیت اوست. «رَبُّ الْعَالَمِينَ ... مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»
- ۳- قیامت، جلوه‌ای از رحمت خداوند است. «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

﴿٥﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

(خدایا) تنها ترا می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوئیم.

نکته‌ها:

انسان باید به حکم عقل، بندگی خداوند را بپذیرد. ما انسان‌ها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت، و خداوند نیز جامع تمام کمالات و ربّ همه‌ی هستی است. اگر به مهر و محبت نیازمندیم او رحمان و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم، او صاحب اختیار و مالک آن روز است. پس چرا به سوی دیگران برویم؟! عقل حکم می‌کند که تنها باید او را پرستید و از او کمک خواست. نه

بنده هوی و هوس خود بود و نه بنده زر و زور دیگران.

در نماز، گویا شخص نمازگزار به نمایندگی از تمام خداپرستان می گوید: خدایا! نه فقط من که همه‌ی ما بنده توایم، و نه تنها من که همه‌ی ما محتاج و نیازمند لطف توایم.

خدایا! من کسی جز تو را ندارم «إِيَّاكَ» ولی تو غیر مرا فراوان داری و همه هستی عبد و بنده‌ی تو هستند. «إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا»^۱ در آسمان‌ها و زمین هیچ چیزی نیست مگر این که بنده و فرمان بردار خداوند رحمان هستند.

جمله «نَعْبُدُ» هم اشاره به این دارد که نماز به جماعت خوانده شود و هم بیانگر این است که مسلمانان همگی برادر و در یک خط هستند.

مراحل پرواز معنوی، عبارت است از: ثنا، ارتباط و سپس دعا. بنابراین اول سوره‌ی حمد شناست، آیه‌ی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ارتباط و آیات بعد، دعا می باشد. گفتگو با محبوب واقعی شیرین است، شاید به خاطر همین کلمه «إِيَّاكَ» تکرار شد.

پیام‌ها:

- ۱- ابتدا باید بندگی خدا کرد، آنگاه از او حاجت خواست. «نَعْبُدُ، نَسْتَعِينُ»
- ۲- بندگی، تنها در برابر خداوند رواست نه دیگران. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»
- ۳- گر چه عبادت از ماست، ولی در عبادت کردن نیز نیازمند کمک او هستیم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در جای دیگر می خوانیم: «وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^۲ اگر هدایت الهی نبود ما هدایت نمی یافتیم.
- ۴- «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» یعنی نه جبر است و نه تفویض. چون می گوئیم:

«نَعْبُدُ» پس دارای اختیار هستیم و نه مجبور. و چون می‌گوییم: «نَسْتَعِينُ» پس نیاز به او داریم و امور به ما تفویض نشده است.

۵- شناخت خداوند و صفات او، مقدمه دست‌یابی به توحید و یکتاپرستی است. «رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ»

ع- از آداب دعا و پرستش این است که انسان خود را مطرح نکند و خود را در حضور خداوند احساس کند. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ...»

۷- توجه به معاد، یکی از انگیزه‌های عبادت است. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ»

﴿ ٦ ﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

(خداوند!) ما را به راه راست هدایت فرما.

نکته‌ها:

در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:

الف: هدایت تکوینی، نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه کندو بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرندگان در مهاجرت‌های زمستانی و تابستانی. آنجا که قرآن می‌فرماید: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^۱ بیانگر این نوع از هدایت است.

ب: هدایت تشریعی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.

کلمه «صراط» که بیش از چهل مرتبه در قرآن آمده نام پلی بر روی دوزخ است که در روز قیامت همه‌ی مردم باید از روی آن عبور کنند. انتخاب راه و خط فکری صحیح، نشانه‌ی شخصیت انسان است.

راههای غیر الهی متعدّدی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:

* راه خواسته‌ها و توقعات‌های خود.

* راه انتظارات و هوس‌های مردم.

* راه وسوسه‌های شیطان.

* راه طاغوت‌ها.

* راه نیاکان و پیشینیان.

* راه خدا و اولیای خدا.

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند که بر دیگر راهها امتیازاتی دارد:

الف: راه الهی ثابت است، بر خلاف راه‌های طاغوت‌ها و هوس‌های مردم هوس‌های شخصی که هر روز تغییر می‌کنند.

ب: یک راه بیشتر نیست، در حالی که راه‌های دیگر متعدّد و پراکنده‌اند.

ج: در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.

د: در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.

راه مستقیم، راه خداست. «إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱

* راه مستقیم، راه انبیاست. «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲

* راه مستقیم، راه بندگی خداست. «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳

* راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. «مَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ

مُسْتَقِيمٍ»^۴

* راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست.^۱

* راه مستقیم، کتاب خداوند است.^۲

* راه مستقیم، راه فطرت سالم است.^۳

انسان، هم در انتخاب راه مستقیم و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد. مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می‌گیرد.

در راه مستقیم بودن، تنها خواسته‌ای است که هر مسلمان، در هر نماز از خداوند طلب می‌کند، حتی رسول‌الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام از خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می‌خواهند.

انسان باید همواره، در هر نوع از کارهای خویش، اعم از انتخاب شغل، دوست، رشته‌ی تحصیلی و همسر، راه مستقیم را از خداوند بخواهد. زیرا چه بسا در عقاید، صحیح فکر کند، ولی در عمل دچار لغزش شود و یا بالعکس. پس هر لحظه، خواستن راه مستقیم از خدا، ضروری است.

راه مستقیم مراتب و مراحل دارد. حتی کسانی که در راه حق هستند، مانند اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیاد شدن نور هدایت، دعا کنند. «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»؛ کسی که می‌گوید «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ...» مراحل از هدایت را پشت سر گذارده است، بنابراین درخواست او، هدایت به مرحله بالاتری است.

راه مستقیم، همان راه میانه و وسط است که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اليمين و الشمال مضلة و الطريق الوسطی هی الجادة»^۴ انحراف به چپ و راست

۱. بنا بر اینکه الف و لام در «الصراط» اشاره به همان راه یکتاپرستی در آیه قبل باشد.

۲. روایتی در تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۵۸.

۳. روایتی در تفسیر صافی، ج ۱، ص ۸۶.

۴. محمد، ۱۷.

۵. بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۳.

گمراهی و راه وسط، جاده‌ی هدایت است.

راه مستقیم یعنی میانه‌روی و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل. یکی در عقاید از راه خارج می‌شود و دیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می‌دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعال مایشاء دانسته و دست خدا را بسته می‌داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرّفی می‌کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می‌پندارد. یکی زیارت امامان معصوم و شهدا را بدعت می‌داند و دیگری حتّی به درخت و دیوار، متوسل شده و ریسمان می‌بندد. یکی اقتصاد را زیر بنا می‌داند و دیگری، دنیا و امورات آن را نادیده می‌انگارد.

در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می‌فرستد. یکی بخل می‌ورزد و دیگری بی حساب سخاوت به خرج می‌دهد. یکی از خلق جدا می‌شود و دیگری حقّ را فدای خلق می‌کند.

اینگونه رفتار و کردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا و استوار خود را، راه مستقیم معرّفی می‌کند. «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱ در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم السلام می‌فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم.^۲ یعنی نمونه‌ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره‌ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ...، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.^۳

۳. در این باره می‌توان به کتاب اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات مراجعه نمود.

۱. انعام، ۱۶۱.
۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱ ص ۲۰.

جالب آنکه ابلیس گفته در همین صراطِ مستقیم به کمین می‌نشیند. «لَأَفْعَدَنَّ هُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»^۱

در قرآن و روایات، نمونه‌های زیادی آمده که در آنها به جنبه‌ی اعتدال، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. به موارد ذیل توجه کنید:

* «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا»^۲ بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.

* «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ»^۳ در انفاق، نه دست بر گردن قفل کن دست بسته باش و نه چنان گشاده دستی کن که خود محتاج شوی.

* «الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^۴ مومنان، به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه‌رو هستند.

* «لَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تَخَافَتْ بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»^۵ نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته، بلکه با صدای معتدل بخوان.

* نسبت به والدین احسان کن؛ «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۶ اما اگر تو را از راه خدا بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست. «إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي ... فَلَا تُطِعْهُمَا»^۷

* پیامبر هم رسالت عمومی دارد؛ «وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا»^۸ و هم خانواده خویش را دعوت می‌کند. «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ»^۹

* اسلام هم نماز را سفارش می‌کند که ارتباط با خالق است؛ «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»^{*} و هم زکات را توصیه می‌کند که ارتباط با مردم است. «آتُوا الزَّكَاةَ»^{۱۰}

* نه محبت‌ها شما را از گواهی حق منحرف سازد؛ «شُهَدَاءُ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ»^۱ و نه دشمنی‌ها شما را از عدالت دور کند. «وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ»^۲

* مؤمنان هم دافعه دارند؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و هم جاذبه دارند. «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۳

* هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ «آمَنُوا» و هم عمل صالح. «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۴

* هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا»^۵ و هم صبوری و پایداری در سختی‌ها. «عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ»^۶ شب عاشورا امام حسین (علیه السلام) هم مناجات می‌کرد و هم شمشیر تیز می‌کرد.

* روز عرفه و شب عید قربان، زائر خانه‌ی خدا دعا می‌خواند و روز عید باید در قربانگاه با خون‌آشنا شود.

* اسلام مالکیت را می‌پذیرد، «الناس مسلطون علی اموالهم»^۷ ولی اجازه ضرر زدن به دیگری را نمی‌دهد و آن را محدود می‌سازد. «لَا ضَرَرٌ و لَا ضِرَارٌ»^۸

آری، اسلام دین یک بعدی نیست که تنها به جنبه‌ای توجه کند و جوانب دیگر را فراموش کند، بلکه در هر کاری اعتدال و میانه‌روی و راه مستقیم را سفارش می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی هستی، در مسیری که خداوند اراده کرده در حرکتند. خدایا! ما را نیز در راهی که خود دوست داری قرار بده. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»
- ۲- درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم‌ترین خواسته‌ی یکتاپرستان است.

۱. نساء، ۱۳۵.
 ۲. مائده، ۸.
 ۳. فتح، ۹.
 ۴. بقره، ۲۵.
 ۵. بقره، ۲۵۰.
 ۶. انفال، ۶۵.
 ۷. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۷۲.
 ۸. کافی، ج ۵، ص ۲۸.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ ... اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

۳- برای دست‌یابی به راه مستقیم، باید دعا نمود. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

۴- ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. «الْحَمْدُ لِلَّهِ ... اهْدِنَا»

۵- بهترین نمونه استعانت از خدا، درخواست راه مستقیم است. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

﴿٧﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الضَّالِّينَ

(خداوند! ما را به) راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود

ساختی، (هدایت کن) نه غضب شدگان و نه گمراهان!

نکته‌ها:

این آیه راه مستقیم را، راه کسانی معرفی می‌کند که مورد نعمت الهی واقع شده‌اند که در آیه‌ای دیگران آنان عبارتند از: انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین. «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ»^۱ توجّه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کجروی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد.

بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا دارد که او را در مسیر غضب‌شدگان و گمراهان قرار ندهد. زیرا بنی اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجاجت گرفتار غضب شدند.

قرآن، مردم را به سه دسته تقسیم می‌نماید: کسانی که مورد نعمت هدایت قرار

گرفته وثابت قدم ماندند، غضب شدگان و گمراهان.

مراد از نعمت در «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، نعمت هدایت است. زیرا در آیهی قبل سخن از هدایت بود. علاوه بر آنکه نعمت‌های مادی را کفّار و منحرفین و دیگران نیز دارند.

هدایت شدگان نیز مورد خطرند و باید دائماً از خدا بخواهیم که مسیر ما، به غضب و گمراهی کشیده نشود.

مغضوبین در قرآن

در قرآن، افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امت‌هایی همچون قوم عاد، ثمود و بنی‌اسرائیل، به عنوان غضب‌شدگان معرفی شده‌اند.

در آیات متعددی از قرآن ویژگی‌های گمراهان و غضب‌شدگان و مصادیق آنها بیان شده است که برای نمونه به موارد ذیل اشاره می‌شود:

* منافقان و مشرکان و بدگمانان به خداوند.^۱

* کافران به آیات الهی و قاتلان انبیاء الهی.^۲

* اهل کتاب که در برابر دعوت به حق سرکشی کرده‌اند.^۳

* فراریان از جهاد.^۴

* پذیرندگان و جایگزین‌کنندگان کفر با ایمان.^۵

* پذیرندگان ولایت دشمنان خدا و دوستداران رابطه‌ی با دشمنان خدا.^۶

بنی‌اسرائیل که داستان زندگی و تمدن آنها در قرآن بیان شده است، زمانی بر مردم روزگار خویش برتری داشتند؛ «فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۷ لکن بعد از این

۵. بقره، ۱۰۸ و نحل، ۱۰۶.

۶. ممتحنه، ۱.

۷. بقره، ۴۷.

۱. نساء، ۱۱۶ و فتح، ۶.

۲. بقره، ۶۱.

۳. آل‌عمران، ۱۱۰-۱۱۲.

۴. انفال، ۱۶.

فضیلت و برتری، به خاطر رفتار خودشان، دچار قهر و غضب خداوند شدند. «وَبَاؤُ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ»^۱ این تغییر سرنوشت، به علت تغییر در رفتار و کردار آنان بوده است؛ دانشمندان یهود، دستورات و قوانین آسمانی تورات را تحریف کردند، «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ»^۲ و تجار و ثروتمندان آنان نیز به ربا و حرام‌خواری و رفاه‌طلبی روی آوردند، «أَخَذَهُمُ الرَّبُّ»^۳ و عاصمه مردم نیز در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، از روی تن‌پروری و ترس، از رفتن به جبهه نبرد و ورود به سرزمین مقدس، سر باز زدند. «فَاذْهَبْ أَنتَ وَ رُبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۴ به خاطر این انحرافات، خدا آنان را از اوج عزت و فضیلت، به نهایت ذلت و سرافکندگی مبتلا ساخت. ما در هر نماز، از خداوند می‌خواهیم که مانند غضب‌شدگان نباشیم. یعنی نه اهل تحریف آیات و نه اهل ربا و نه اهل فرار از جهاد در راه حق، و همچنین از گمراهان نباشیم، آنان که حق را رها کرده و به سراغ باطل می‌روند و در دین و باور خود غلّو و افراط کرده و یا از هوی و هوس خود و یا دیگران پیروی می‌کنند. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ»^۵.

انسان در این سوره، عشق و علاقه و تولّای خود را به انبیا و شهدا و صالحان و راه آنان، اظهار و ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاریخ نیز برائت و دوری می‌جوید و این مصداق تولّی و تبرّی است.

ضالّین در قرآن

«ضالّات» که حدود دویست مرتبه این واژه با مشتقاتش در قرآن آمده است. گاهی در مورد تحیر، «وَّ وَجَدَكَ ضَالًّا»^۱ وگاهی به معنای ضایع شدن است، «أَضَلَّ أَعْمَاهُمْ»^۲ ولی اکثراً به معنای گمراهی و همراه با تعبیرات گوناگونی نظیر: «ضَالّ مُبِین»، «ضَالّ بَعِید»، «ضَالّ کَبِیر» به چشم می خورد.

در قرآن افرادی به عنوان گمراه معرفی شده اند، از جمله: کسانی که ایمان خود را به کفر تبدیل کردند،^۳ مشرکان،^۴ کفار،^۵ عصیان گران،^۶ مسلمانانی که کفار را سرپرست و دوست خود گرفتند،^۷ کسانی که مردم را از راه خدا باز می دارند، کسانی که به خدا یا رسول خدا توهین می کنند، آنان که حق را کتمان می کنند و کسانی که از رحمت خدا مأیوسند.

در قرآن نام برخی به عنوان گمراه کننده آمده است، از قبیل: ابلیس، فرعون، سامری، دوست بد، رؤسا و نیاکان منحرف.

گمراهان خود بستر وزمینه ی انحراف را فراهم و گمراه کنندگان از این بسترها و شرایط آماده، استفاده می کنند.

بسترهای انحراف در قرآن عبارتند از: ۱. هوسها،^۸ ۲. بتها،^۹ ۳. گناهان،^{۱۰} ۴. پذیرش ولایت باطل،^{۱۱} ۵. جهل و نادانی.^{۱۲}

۱. ضحی، ۷.

۲. محمد، ۱.

۳. «مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ» بقره، ۱۰۸.

۴. «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ» نساء، ۱۱۶.

۵. «وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ» نساء، ۱۳۶.

۶. «وَمَنْ يَفْصَحْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ» احزاب، ۳۶.

۷. «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ... فَقَدْ

ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» ممتحنه، ۱.

۸. «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» جاثیه، ۲۳.

۹. «جَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَاداً» ابراهیم، ۳۰.

۱۰. «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» بقره، ۲۶.

۱۱. «أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يَضِلُّ» حج، ۴.

۱۲. «وَأِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ» بقره، ۱۹۸.

۱- انسان در تربیت، نیازمند الگو می‌باشد. انبیا، شهدا، صدیقین و صالحان، نمونه‌های زیبای انسانیت‌اند. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»

۲- آنچه از خداوند به انسان می‌رسد، نعمت است. قهر و غضب را خود به وجود می‌آوریم. «أَنْعَمْتَ، الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» درباره نعمت «أَنْعَمْتَ» بکار رفته، ولی در مورد عذاب، نفرمود: «غضبت» تو غضب کردی.

۳- ابراز تنفر از مغضوبان و گمراهان، جامعه اسلامی را در برابر پذیرش حکومت آنان، مقاوم و پایدار می‌کند. «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» قرآن سفارش کرده است: «لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»^۱ هرگز سرپرستی گروه غضب شدگان الهی را نپذیرید.

اولین وظیفه متقین

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾

(متقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. (بقره، ۲)

نکته ها:

قرآن، هستی را به دو بخش تقسیم می کند: عالم غیب^۱ و عالم شهود. متقین به کلّ هستی ایمان دارند، ولی دیگران تنها آنچه را قبول می کنند که برایشان محسوس باشد.

آنها حتّی توقع دارند که خدا را با چشم ببینند و چون نمی بینند، به او ایمان نمی آورند. چنانکه برخی به حضرت موسی گفتند: ﴿لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً﴾^۲ ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم، مگر آنکه خداوند را آشکارا مشاهده کنیم. چنین افرادی راه شناخت را منحصر به محسوسات می دانند و می خواهند همه چیز را از طریق حواسّ درک کنند.

متقین نسبت به جهان غیب ایمان دارند، که برتر از علم و فراتر از آن است. در درونِ ایمان، عشق، علاقه، تعظیم، تقدیس و ارتباط هفته است، ولی در علم، این مسائل نیست.

پیام ها:

۱- ایمان، از عمل جدا نیست. در کنار ایمان به غیب، وظایف و تکالیف عملی مؤمن به خصوص نماز بازگو شده است. «یؤمنون ... یقیمون ... ینفقون»

۲. بقره، ۵۵.

۱. غیب به خدا، فرشتگان، معاد و حضرت مهدی علیه السلام اطلاق شده است.

۲- پس از اصل ایمان، اقامه‌ی نماز و انفاق از مهم‌ترین اعمال است. «يُؤْمِنُونَ ... يَقِيمُونَ ... يُنْفِقُونَ» (در جامعه‌ی الهی که حرکت و سیر الی الله دارد، اضطراب‌ها و ناهنجاری‌های روحی و روانی و کمبودهای معنوی، با نماز تقویت و درمان می‌یابد و خلأهای اقتصادی و نابسامانی‌های ناشی از آن، با انفاق مرتفع می‌گردد).

۳- برگزاری نماز، باید مستمر باشد نه موسمی و مقطعی. «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (فعل مضارع بر استمرار و دوام دلالت دارد).

نماز جماعت

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾

و نماز را بپادارید و زکات را بپردازید و همراه با رکوع کنندگان، رکوع نمایید. (بقره، ۴۳)

پیام‌ها:

۱- بعد از دعوت به ایمان، دعوت به عمل صالح به خصوص نماز است. «آمِنُوا ... أَقِيمُوا»

۲- نماز و زکات، در آئین یهود نیز بوده است. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۳- رابطه با خدا، از طریق نماز و کمک به خلق خدا، از طریق زکات و همراهی با دیگران، یک مثلث مقدس است. «أَقِيمُوا، آتُوا، ارْكَعُوا»

۴- شاید بتوان گفت اصل فرمان نماز، با جماعت است. اساس دین بر حضور در اجتماع و دوری از انزوا و گوشه‌نشینی است. «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»

استمداد از نماز

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾

واز صبر و نماز یاری جوئید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است. (بقره، ۴۵)

نکته‌ها:

مخاطب آیه همه‌ی مردم هستند. در روایات می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام هرگاه مسئله‌ی مهمی برایشان رخ می‌داد به نماز می‌ایستادند و این آیه را تلاوت می‌کردند. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، که صبر بر سه نوع است: ۱. صبر در برابر مصیبت. ۲. صبر در برابر معصیت. ۳. صبر در برابر عبادت. ^۱ بنابراین آنچه در روایات آمده که مراد از صبر در این آیه روزه است، اشاره به یکی از مصادیق صبر دارد.

نماز برای رسول الله صلی الله علیه و آله و امثال او نور چشم است ^۲ و لکن برای بعضی‌ها که خشوع ندارند، همچون باری سنگین است.

خشوع، مربوط به قلب و روح و خضوع، مربوط به اعضای بدن است. نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی‌نهایت خدا می‌اندازد و غیر او را هر چه باشد کوچک جلوه می‌دهد. مهر او را در دل زیاد می‌کند، روحیه‌ی توکل را تقویت می‌کند و انسان را از وابستگی‌های مادی می‌رهاند. همه‌ی این آثار، انسان را در برابر مشکلات مقاوم می‌سازد.

صبر و مقاومت، کلید تمام عبادات است. فرشتگان به اهل بهشت سلام

می‌کنند، اما نه به خاطر عبادت و نماز و حج و زکات آنان، بلکه به خاطر مقاومت و پایداری آنها؛ «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ»^۱ چون اگر مقاومت نباشد، نماز و جهاد و حج و زکات نیز وجود نخواهد داشت. حتی شرط رسیدن به مقام هدایت و رهبری الهی، صبر است؛ «جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا»^۲ گرچه آیه درباره نماز است، ولی در موارد مشابه می‌توان از آیات قرآن استمداد کرد.

پیام‌ها:

- ۱- صبر و نماز، دو اهرم نیرومند در برابر مشکلات است. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»
- ۲- هر چه در آستان خدا اظهار عجز و بندگی بیشتر کنیم، امدادهای او را بیشتر دریافت کرده و بر مشکلات پیروز خواهیم شد. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»
- ۳- استعانت از خداوند در آیهی «إِذَاكَ نَسْتَعِينُ» منافاتی با استعانت از آنچه به دستور اوست، ندارد. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»
- ۴- سنگین بودن نماز، گاهی نشانه‌ی تکبر در برابر خداست. «لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»

پیمان الهی

﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾

و (بیاد آرید) زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم، جز خدای یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان، احسان کنید و با مردم، به زبان خوش سخن بگویید و نماز را برپای دارید و زکات بدهید. اما شما (با اینکه پیمان بسته بودید)، جز عده‌ی کمی، سرپیچی کردید و روی گردان شدید. (بقره، ۸۳)

نکته‌ها:

اصول همه ادیان یکی است. چون همه‌ی این میثاق‌ها، در اسلام نیز هست. ادای حقوق، دارای مراتب و مراحل است. اول حق خداوند، سپس والدین، سپس خویشاوندان، سپس یتیمان که کمبود محبت دارند و آنگاه مساکین که کمبود مادیات دارند.

پیام‌ها:

۱- خداوند از طریق عقل، فطرت و وحی، از مردم پیمان می‌گیرد. «أَخَذْنَا مِيثَاقَ»
 ۲- توحید، سرلوحه‌ی مکتب انبیاست. و بعد از آن کارهای نیک قرار گرفته است. «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

۳- نماز و رابطه با خداوند، از زکات و رابطه با فقرا جدا نیست. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ»

- ۴- نماز و زکات در ادیان دیگر نیز بوده است. «أَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ»
 ۵- اعتقاد به توحید، احسان به والدین و ایتم و مساکین، همراه با دستور پرداخت زکات و برخورد نیکو با مردم، و بپاداشتن نماز، نشانه‌ی جامعیت اسلام است.
 ۶- تمام احکام اعتقادی، اخلاقی و فقهی، میثاق و عهد خدا با انسان است. بعد از «میثاق» سخن از عقیده توحیدی، احسان به والدین، نماز و زکات آمده است.

توشه آخرت

﴿وَأَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ
 تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

و نماز را برپا دارید و زکات را پرداخت نمایید و هر خیری که برای خود از پیش می‌فرستید، آنرا نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما بیناست. (بقره، ۱۱۰)

نکته‌ها:

به دنبال آیات قبل (آیه ۱۰۴) خطاب به مؤمنان، این آیه حامل دستور به اقامه نماز و پرداخت زکات است. در زمانی که مسلمانان در تیررس انواع کینه و حسادت‌ها بودند و مأمور به عفو و اغماض شده‌اند، لازم است رابطه‌ی خودشان را با خداوند از طریق اقامه نماز، و پیوند با محرومان جامعه را از طریق زکات، تقویت کنند.

پیام‌ها:

- ۱- یاد خدا باید همراه با توجه به خلق خدا باشد. معمولاً دستور به نماز همراه با زکات در قرآن آمده است. «أَقِمْوْا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ»
- ۲- ایمان به نظارت الهی و پاداش در قیامت، قوی‌ترین انگیزه عمل صالح (نماز و

انفاق) می‌باشد. «ما تَقْدَمُوا ... تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

مسجد و نماز گزاران

﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾

و (به یادآور) هنگامی که خانه (کعبه) را محل رجوع و اجتماع و مرکز امن برای مردم قرار دادیم (وگفتیم:) از مقام ابراهیم، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان، پاک و پاکیزه کنید. (بقره، ۱۲۵)

نکته‌ها:

کلمه «مثابة» از ریشه «ثوب» به معنای بازگشت به حالت اول است. کعبه محلّ بازگشت و میعادگاه همه مردم است، میعادگاهی امن و مقدّس. مقام ابراهیم جایگاهی است با فاصله تقریبی ۱۳ متر از کعبه، که بر حاجیان لازم است بعد از طواف خانه خدا، پشت آن دو رکعت نماز بگزارند و در آنجا سنگی قرار دارد که حضرت ابراهیم برای بالا بردن دیوارهای کعبه، بر روی آن ایستاده است و آن سنگ فعلاً در محفظه‌ای نگهداری می‌شود.

مراد از «عهد» در این آیه دستور الهی است. «عهدنا» یعنی دستور دادیم. خداوند جسم نیست تا نیازمند خانه باشد. کلمه‌ی «بیتی» در این آیه همانند «شهر الله» درباره ماه رمضان است که به منظور کرامت بخشیدن به مکان یا زمانی

خاص، خداوند آنرا به خود منسوب می‌کند. و در عظمت کعبه همین بس که گاهی می‌فرماید: «بَيْتِي» خانه من. گاهی می‌فرماید: «رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ» خدای این خانه.

پیام‌ها:

- ۱- کعبه قبله گاه مسلمانان، میعادگاه همه مردم است. «جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ»
- ۳- کسی که در راه خداوند حاضر شود و همسر و فرزندش را تسلیم نماید، باید تمام سرها در جای پای او برای خداوند به خاک برسد. «مُصَلِّي»
- ۴- چون خانه از خداست؛ «بَيْتِي» خادم آن نیز باید از اولیای او باشد. «طَهَّرَا بَيْتِي»
- ۵- زائران بیت‌الله را همین کرامت بس که ابراهیم و اسماعیل، مسئول طهارت و پاکی آن بیت برای آنها بوده‌اند. «طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ...»
- عر عبادت با طهارت، پیوند دارد. «طَهَّرَا ... وَ الرُّكْعَ السُّجُودِ»
- ۷- عبادت و نماز به قدری مهم است که حتی ابراهیم و اسماعیل برای انجام مراسم آن مأمور پاکسازی می‌شوند. «طَهَّرَا بَيْتِي ... الرُّكْعَ السُّجُودِ»
- ۸- مسجد مسلمانان باید پاکیزه و رغبت‌انگیز باشد. «طَهَّرَا ... الرُّكْعَ السُّجُودِ»

سابقه کعبه

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

و (بیاد آور) هنگامی که ابراهیم، پایه‌های خانه (کعبه) را با اسماعیل بالا می‌برد (و می‌گفتند: پروردگارا از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی. (بقره، ۱۲۷)

نکته‌ها:

از آیات و روایات متعدّد استفاده می‌شود که خانه کعبه، از زمان حضرت آدم بوده و حضرت ابراهیم علیه السلام آن را تجدید بنا نموده است. چنان که آن حضرت در موقع اسکان همسر و فرزندش در سرزمین مکه می‌گوید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ»^۱ خداوندا بعضی از خاندانم را در این سرزمین خشک و بدون زراعت، در کنار خانه تو سکونت دادم.

بنابراین در زمان شیر خوارگی حضرت اسماعیل علیه السلام نیز اثری از کعبه وجود داشته است. و در جای دیگر^۲ نیز از کعبه به عنوان اولین خانه مردم یاد شده است. در آیه مورد بحث نیز سخن از بالا بردن پایه‌های خانه به دست ابراهیم علیه السلام است و این تعبیر می‌رساند که اساس کعبه، قبلاً وجود داشته و ابراهیم و اسماعیل علیه السلام آن را بالا برده‌اند. حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «خداوند تمام مردم را از زمان حضرت آدم تا ابد، با همین کعبه و سنگ‌های آن آزمایش می‌نماید».^۳

۳. نهج البلاغه، خطبه (قاصعه) ۱۹۲.

۱. ابراهیم، ۳۷.

۲. آل عمران، ۹۶.

در حدیث می‌خوانیم: ابراهیم بنّایی می‌کرد و اسماعیل سنگ به دست پدر می‌داد. و شاید به سبب همین تفاوت، میان نام آن دو بزرگوار فاصله گذاشته است. «يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ»

پیام‌ها:

- ۱- بنیان کارهای نیک را فراموش نکنیم. «إِذْ يَرْفَعُ» «إِذْ» یعنی گذشته را یاد کن.
- ۲- در مسیر اهداف الهی، کار بنّایی و کارگری نیز عبادت است. لذا از خداوند قبولی آن را می‌خواهند. «يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ» («رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا»
- ۳- کار مهم نیست، قبول شدن آن اهمیت دارد. حتی اگر کعبه بسازیم، ولی مورد قبول خدا قرار نگیرد، ارزش ندارد. «رَبَّنَا تَقَبَّلْ»

بناگاه در مشکلات

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر حوادث سخت زندگی) از صبر و نماز کمک بگیرید، همانا خدا با صابران است. (بقره، ۱۵۳)

نکته‌ها:

مشابه این کلام الهی را در همین سوره^۱ خواندیم که خداوند به بنی‌اسرائیل می‌فرمود: در برابر ناملایمات و سختی‌ها، از صبر و نماز کمک بگیرید. در این آیه نیز به مسلمانان دستور داده می‌شود تا در برابر حوادث سخت زندگی، از صبر و نماز یاری بجویند. آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.

اصولاً انسان محدود، در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، متلاشی و منکوب می‌شود. و انسان مرتبط با

خداوند، در حوادث و سختی‌ها، خود را نمی‌بازد و برای او حوادث، بزرگ نمی‌نماید. کسی که نماز را با حضور قلب و با توجه می‌خواند، به معراج می‌رود. هرچه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن و حتی خوشی‌های آن کوچکتر می‌شود.

انسان، یا در نعمت بسر می‌برد که باید به آیه قبل عمل کند؛ «فَادْكُرُونِي، اشْكُرُوا لِي» و یا در سختی که باید به این آیه عمل کند؛ «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ» خداوند می‌فرماید: خدا با صابران است و نمی‌فرماید: با نمازگزاران است. زیرا نماز نیز نیاز به صبر و پایداری دارد.^۱

در روایات می‌خوانیم: هرگاه کار سختی برای حضرت علی علیه السلام پیش می‌آمد حضرت دو رکعت نماز می‌خواند.^۲ این سیره را نیز بسیاری از بزرگان و دانشمندان و شهدا و صالحان مانند بوعلی سینا و طهرانی مقدم نیز عمل می‌کردند.

صبر و پایداری، مادر همه‌ی کمالات است؛^۳

* صبر در جنگ، مایه شجاعت است.

* صبر در برابر گناه، وسیله تقواست.

* صبر از دنیا، نشانه زهد است.

* صبر در شهوت، سبب عقّت است.

* صبر در عبادت و نماز، موجب طاعت و بندگی، و صبر و خودداری از ورود

به کارهای شبه‌دار، مایه‌ی ورع است.

پیام‌ها:

۱- ایمان اگر همراه با عمل و توکل و صبر و عبادت باشد، کاربرد بیشتری خواهد

۳. تفسیر اطیب البیان.

۱. تفسیر روح المعانی.

۲. تفسیر صافی.

داشت. ^۱ «الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ...»

۲- نماز اهرم است، بار نیست. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»

۳- با صبر و اقامه نماز به هنگام گرفتاری و مشکلات، حمایت‌های الهی را جلب کنیم. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

۴- اگرچه خداوند با هر کس و در هر جایی حضور دارد؛ «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۲ و لكن همراهی خدا با صابران، معنای خاصی دارد و آن لطف، محبت و یاری رسانی خداوند به صابران اهل نماز است. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

نمونه نیکی

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤَفُّونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾

نیکی (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب بگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و در راه‌ماندگان و سائلان و در (راه آزادی) بردگان بدهد، و نماز را برای دارد و زکات را بپردازد، و آنان که چون

پیمان بندند، به عهد خود وفا کنند و آنان که در (برابر) سختی‌ها، محرومیت‌ها، بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند، اینها کسانی هستند که راست گفتند (و گفتار و رفتار و اعتقادشان هماهنگ است) و اینان همان پرهیزکارانند. (بقره، ۱۷۷)

نکته‌ها:

کلمه «بِرَّ» به معنای نیکی است، ولی به هرکس که خیلی نیکوکار باشد، می‌گویند او «بِرَّ» است، یعنی وجودش یکپارچه نیکی است.

«بَأْسَاء» از «بُؤْس» به معنای فقر و سختی است که از بیرون به انسان تحمیل می‌شود. «ضَرَاء»، درد و بیماری است که از درون به انسان فشار می‌آورد. و «جِئَ الْبَأْسُ» زمان جنگ و جهاد است.

این آیه جامع‌ترین آیه قرآن است. زیرا اصول مهم اعتقادی، عملی و اخلاقی (پانزده صفت) در آن مطرح گردیده است.

در تفسیر المیزان از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمودند: هر کس به این آیه عمل کند، ایمانش کامل است.

بعد از ماجرای تغییر قبله (آیه ۱۴۴ سوره بقره)، سختی روز، پیرامون قبله و تغییر آن بود که این آیه می‌فرماید: چرا به جای محتوای دین که ایمان به خدا و قیامت و انجام کارهای نیک مانند انفاق و نماز است، به سراغ بحث‌های جدلی رفته‌اید.

پیام‌ها:

۱- یکی از وظایف انبیا و کتب آسمانی، تغییر فرهنگ و باورهای غلط مردم است. «أَيُّسَ الْبِرِّ ... وَ لَكِنَّ الْبِرَّ» (یکی از راهکارهای عملی فرهنگ سازی جامعه، توجه به نماز و انفاق است)

۲- ارتباط با خدا در کنار ارتباط با مردم و تعاون اجتماعی در حوادث و گرفتاری‌ها

مطرح است. «أَمَنْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ... وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ»

۳- نشانه‌ی صداقت و تقوای الهی، عمل به وظایف دینی و عبادی و تعهدات اجتماعی است. «وَ حِينَ الْبَأْسِ ... أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا» ایمان و نماز و زکات، بدون شرکت در جهاد کامل نمی‌شود. آری مدعیان ایمان بسیارند، ولی مؤمنان واقعی صادق که به تمام محتوای دین عمل کنند، گروهی بیش نیستند.

مسئولیت ویژه

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾

بر انجام همه‌ی نمازها و (خصوصاً) نماز وسطی (ظهر)، مواظبت کنید و برای خدا خاضعانه بپاییزید. (بقره، ۲۳۸)

نکته‌ها:

درباره مراد از نماز وسطی، چند نظریه است، ولی با توجه به شأن نزول آیه که گروهی بخاطر گرمی هوا در نماز ظهر شرکت نمی‌کردند و با توجه به روایات و تفاسیر، مراد همان نماز ظهر است.

حفظ هر چیزی باید مناسب با خودش باشد؛ حفظ مال از دست برد دزد است، حفظ بدن از میکرب است، حفظ روح از آفات اخلاقی نظیر حرص، حسد و تکبر است، و حفظ فرزند از دوست بد می‌باشد. اما حفظ نماز به چیست؟ حفظ نماز، آشنایی با اسرار آن، انجام به موقع آن، صحیح بجا آوردن، فراگرفتن احکام و آداب آن و حفظ مراکز عبادت و تمرکز فکر به هنگام آن است.

در حدیثی می‌خوانیم: نماز به گروهی می‌گوید: مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع کند و به گروهی می‌گوید: مرا حفظ کردی خداوند تو را حفظ کند.^۱

پیام‌ها:

- ۱- اقامه نماز باید مداوم باشد. «حَافِظُوا»
- ۲- همه‌ی مردم مسئول حفظ نمازند. «حَافِظُوا»
- ۳- توجه به برگزاری نماز به جماعت و حضور در نماز جماعت. ممکن است آیه دلالت کند بر اینکه نماز را به جماعت برپا کنید. «حَافِظُوا، قُومُوا»
- ۴- هرکجا زمینه‌ی سهل انگاری یا غفلت بخصوص درباره نماز احساس می‌شود، هشدار بیشتری لازم است. «وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»
- ۵- اقامه‌ی نماز، به توجه، نشاط، معرفت و اخلاص نیاز دارد. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»
- ع- انسان نباید وصله‌ی ناهم‌رنگ هستی باشد. قرآن درباره هستی می‌فرماید: «كُلُّ لَهٌ قَانِتُونَ»^۱ پس اگر ما با نماز در برابر خداوند خضوع نکنیم، وصله ناهم‌رنگ هستی خواهیم بود. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»
- ۷- ارزش نماز به خضوع آن است. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»

سؤالات بخش اول

۱. قرآن هدف از خلقت انسان را کدام بیان کرده است؟
 (الف) نماز
 (ب) معرفت
 (ج) تکامل
 (د) عبادت
۲. کاربرد کلمه «اقامه» در امر به نماز، بیانگر کدام گزینه است؟
 (الف) نماز واجد شرایط
 (ب) اقدام عملی برای نماز
 (ج) خواندن نماز
 (د) نهضت نمازخوانی
۳. سوره حمد توسط کدام گزینه فاتحة الكتاب نام گذاری شده است؟
 (الف) خداوند
 (ب) جبرئیل
 (ج) پیامبر اکرم ﷺ
 (د) امام علی ؑ
۴. براساس روایت، کدام گزینه باعث برکت یافتن کارها و ترک آن موجب نافرمانی است؟
 (الف) نیت خالصانه
 (ب) بسم الله گفتن
 (ج) اقامه نماز
 (د) نماز اول وقت
۵. از منظر امام رضا ؑ «بسم الله» به اسم اعظم الهی از چه چیزی نزدیکتر است؟
 (الف) سیاهی شب به سفیدی روز
 (ب) سیاهی چشم به سفیدی آن
 (ج) رگ گردن به انسان
 (د) خورشید به نور خورشید
۶. سرآغاز چند سوره قرآن «الحمد لله» می باشد؟
 (الف) هفت سوره
 (ب) سه سوره
 (ج) پنج سوره
 (د) ده سوره
۷. در اولین سوره و آخرین سوره قرآن کدام گزینه مطرح شده است؟
 (الف) ربوبیت خداوند
 (ب) رحمانیت خداوند
 (ج) ربوبیت - مالکیت
 (د) مالکیت - ملکیت
۸. آیه هفت سوره حمد، مصداق کدام گزینه بیان شده است؟
 (الف) صراط مستقیم
 (ب) الگوهای مثبت و منفی
 (ج) تولی و تبری
 (د) مقابله حق و باطل
۹. کدام گزینه به عنوان کلید تمام عبادات بیان شده است؟
 (الف) اخلاص
 (ب) نیت
 (ج) صبر و مقاومت
 (د) طهارت
۱۰. محل بازگشت و میعادگاه همه مردم است؟
 (الف) کعبه
 (ب) برزخ
 (ج) رجعت
 (د) مرگ

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا
الزَّكَاةَ هُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز برپا داشته و زکات پرداخته‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند. (بقره، ۲۷۷)

نکته‌ها:

این آیه، در برابر رباخواران که «کفار اثم» هستند، سیمای مؤمنان را ترسیم می‌کند که عمل صالح انجام داده و نماز را بر پای می‌دارند و زکات پرداخت می‌کنند. تا اشاره به این باشد که زمینه‌ی برچیده شدن ربا در جامعه، توجه به ایمان و عمل صالح و احیای نماز و زکات است.

پیام‌ها:

- ۱- اسلام در کنار مسائل عبادی و فردی، به مسائل اقتصادی و مردمی نیز توجه دارد. نماز و زکات در کنار هم مطرح شده است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ»
- ۲- در میان کارهای شایسته، نماز و زکات حساب ویژه‌ای دارند. «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ» (ذکر نماز و زکات بعد از عمل صالح)
- ۳- تشویق نیکوکاران اهل نماز، یک اصل تربیتی است. «لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»
- ۴- پروردگار، به مؤمنانی که اهل عمل صالح که از طریق نماز، با خداوند مرتبط می‌باشند و با پرداخت زکات با مردم پیوند دارند، نظر ویژه‌ای دارد. کلمه «رَبِّهِمْ» اشاره به لطف خاص اوست.

۵- توجه به وعده‌های الهی، انگیزه بخش عمل صالح و توجه به نماز است. «لَهُمْ

أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (هوشمند کسی است که در محاسبات، تنها به موجودی که در دست دارد ننگرد، بلکه به ذخیره‌هایی که نزد خداوند دارد توجّه داشته باشد).
 عر امنيت و آرامش واقعی، در سایه‌ی ایمان و عمل صالح بخصوص اقامه نماز و پرداخت زکات است. «أَمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (عوامل آرامش)

محراب عبادت

﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمَحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ
 بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ
 الصَّالِحِينَ﴾

پس درحالی که زکریّا در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به (فرزندی به نام) یحیی بشارت می‌دهد که تصدیق‌کننده (حقانیت) کلمه‌ی الله (حضرت مسیح) است و سیّد و سرور و خویش‌ن‌دار (از زنان) و پیامبری از صالحان است.
 (آل عمران، ۳۹)

نکته‌ها:

حضرت یحیی، شش ماه از حضرت عیسی بزرگ‌تر بود و چون در میان مردم به زهد و پارسایی معروف بود، ایمان او به پسرخاله‌اش حضرت عیسی، اثر عمیقی در توجّه مردم به مسیح گذاشت. جالب آنکه عیسی و «یحیی» هر دو به معنای «زنده ماندن» است.

بعضی «خصوص» را به معنای ترک ازدواج حضرت یحیی به خاطر مسافرت‌های زیاد دانسته‌اند، ولی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «عقت یحیی باعث شد تا ازدواج نکند و از زنان کناره بگیرد».^۱

در تاریخ و تفاسیر^۲ آمده است که "حنه" و "أشیاع" دو خواهر بودند که اولی همسر "عمران"^۳ از شخصیت‌های برجسته بنی اسرائیل بود و دومی همسر حضرت "زکریا" بود و هر دوی آنان عقیم و نازا بودند.

"حنه" که سالهای سال فرزندان نداشت، روزی پرنده‌ای را دید که به جوجه‌های خود غذا می‌دهد، آتش عشق فرزند را در دل او شعله‌ور ساخت و از صمیم دل از خدا تقاضای فرزندی کرد. چیزی نگذشت که دعایش مستجاب شد و باردار شد. خداوند به عمران وحی کرده بود که پسری پر برکت که می‌تواند بیماران غیر قابل علاج را درمان کند و مردگان را به فرمان خدا حیات بخشد به او خواهد داد که به عنوان پیامبر به سوی بنی اسرائیل فرستاده می‌شود.

او این جریان را با همسرش "حنه" در میان گذاشت و او تصور کرد فرزندی که در شکم دارد، همان پسر است، و به همین دلیل نذر کرد که پسرش را خدمتگزار خانه خدا "بیت المقدس" نماید، بی خبر از این که فرزند در رحم او، "مریم" است که در آینده مادر آن فرزند می‌باشد.

به هنگام تولد وقتی مشاهده کرد که فرزندش دختر است، نگران شد که نذرش را چگونه ادا کند! زیرا خدمتکاران بیت المقدس از میان پسران انتخاب می‌شدند و سابقه نداشت دختری به این عنوان انتخاب گردد.

۱. تفسیر مجمع البیان.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه.

۳. براساس روایات "عمران" نیز پیامبر بوده و ایشان غیر از عمران پدر حضرت موسی بوده و میان آنها ۱۸۰۰ سال فاصله است.

سالیان درازی گذشت و مریم بزرگ و بزرگتر شد و جزو خادمان بیت المقدس به سرپرستی حضرت زکریا انتخاب شد. در عبادت و نیایش به حدی رسید که هنگام مناجات با خدا، مائده و غذاهای بهشتی برایش حاضر می شد.

هنگامی که حضرت زکریا کمالات مریم را دید، از خدا خواست که او هم صاحب فرزندی پاک و با تقوا شود، با اینکه سالیان درازی از عمر او و همسرش گذشته بود. خداوند دعایش را به اجابت رساند و فرشتگان پسری به نام یحیی را به او مژده دادند.

حضرت یحیی به دنیا آمد و پس از شش ماه حضرت عیسی متولد شد. وقتی حضرت عیسی به پیامبری رسید، حضرت یحیی نخستین کسی بود که نبوت او را تصدیق کرد و به سوی او دعوت نمود.

پیام‌ها:

- ۱- نماز، در ادیان پیشین نیز بوده است. «يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ»
- ۲- مِحْرَاب و جایگاه عبادت، از قداست خاصّی برخوردار است. محل نزول مائده آسمانی؛ «وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» استجاب دعا. «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ ... فِي الْمِحْرَابِ»
- ۳- نماز، زمینه‌ی نزول و عنایت فرشتگان است. «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ»

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

(خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد خدا می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین اندیشه می کنند (و از عمق جان می گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده ای، تو (از کار عبث) پاک و منزهی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار. (آل عمران، ۱۹۱)

نکته ها:

از این آیه دستور چگونگی اقامه نماز در حال بیماری و ناتوانی استفاده شده است. به فرموده امام باقر (علیه السلام)، افراد سالم، نماز را ایستاده و افراد مریض، نشسته و افراد عاجز و ناتوان، به پهلو خوابیده، به جا آورند.^۱

پیام ها:

- ۱- نشانه ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. «لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ»
- ۲- اهل ایمان و ذکر و نماز باید اهل تعقل و تفکر باشند. «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ ... وَ يَتَفَكَّرُونَ» ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند.

۱. تفسیر برهان، ذیل آیه.

۳- آنچه سبب رشد و قرب الهی است، ذکر و فکر مستمر است نه مقطعی و موسمی. «يَذْكُرُونَ» و «يَتَفَكَّرُونَ» فعل مضارع اند که نشان استمرار است.

۴- اوّل تعقل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان و آنگاه دعا و مناجات. «يَتَفَكَّرُونَ... رَبَّنَا... فَقِنَا»

توجه و طهارت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنکه بدانید چه می‌گویید. و نیز در حال جنابت نزدیک (مکان) نماز، (مسجد) نشوید، مگر به طور عبوری (و بی‌توقف) تا اینکه غسل کنید. و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از جای گودی (کنایه از قضای حاجت) آمد، یا (پس از ازدواج) تماسی (و آمیزش جنسی) با زنان داشتید و (در این موارد) آب نیافتید، پس بر زمین (و خاک) پاک و دلپسندی تیمم کنید، (دو کف دست بر خاک زنید) آنگاه صورت و دست‌هایتان را مسح کنید، همانا خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (نساء، ۴۳)

ممکن است «صلاة» در اینجا به دو معنی آمده باشد؛ یکی به معنی خود «نماز» و دیگر به معنی «محل نماز». زیرا دو حکم مختلف در آیه فوق بیان شده، یکی خودداری از نماز در حال مستی و دیگری خودداری از ورود به مساجد در حال جنابت.^۱

«غائط» یعنی مکان گود. چون در قدیم گودال‌هایی برای دستشویی فراهم می‌کردند، غائط کنایه از دستشویی رفتن است.

امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از «لَا مَسْئَمَ» آمیزش جنسی است، و خداوند این گونه آن را پوشانده است.^۲

این آیه در مسیر تحریم تدریجی شراب، از نماز در حال مستی نهی کرده است. براساس آیه نماز خواندن در هر حالی که انسان از هوشیاری کامل برخوردار نباشد، ممنوع است، خواه حالت مستی باشد یا خواب‌آلودگی. در روایات نیز از نماز خواندن در حالت خواب‌آلودگی و کسالت و سنگینی نهی شده است.^۳ چنانکه آیات دیگر نماز خواندن از روی کسالت را نشانه منافق دانسته است.^۴

همچنین در آیه برای کسانی که بیمارند یا آب برای آنان ضرر دارد یا آبی در دسترس ندارند، حکم تیمم بیان شده است. سپس چگونگی تیمم کردن را بیان فرموده است: ابتدا دستان خود را بر خاکی تمیز بزنید، آنگاه صورت و دستهای خود را مسح کنید.

پیام‌ها:

- ۱- مقام نماز به حدی رفیع است که مست و شرابخوار حتی نباید به آن نزدیک شود. «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»
- ۲- در نماز، تنها اذکار و حرکات کافی نیست، توجّه و شعور لازم است. «حَتَّى تَعْلَمُوا»
- ۳- عبادات ناآگاهانه، از ارزش بالایی برخوردار نیست، گرچه تکلیف را ساقط می‌کند. «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»
- ۴- در مسجد، نباید با حالت جنابت وارد شد. «وَلَا جُنْبًا...»
- ۵- احکام الهی ترخیص دارد، ولی تعطیل ندارد. اگر برای طهارت و وضوی نماز آب نبود، باید تیمم کرد. «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»
- ۶- شرط ارتباط با خدا از طریق نماز، طهارت و پاکی است، وضو یا تیمم. «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»
- ۷- تخفیف احکام (تیمم در نبود آب)، نمودی از رحمت و مغفرت الهی است. «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا ... عَفُوا غَفُورًا»

اولویت نماز

﴿أَمْ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْ لَا أَخَّرْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾

آیا نمی‌نگری کسانی را که (پیش از هجرت) به آنان گفته شد (اکنون) دست نگهدارید و نماز به پا دارید و زکات بپردازید. لیکن

چون جهاد (در مدینه) بر آنان مقرر شد، گروهی از آنان از مردم (مشرک مکه) چنان می ترسیدند که گویا از خدا می ترسند، بلکه بیش از خدا (می ترسیدند) و (از روی اعتراض) گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟ چرا ما را تا سرآمدی نزدیک (مرگ طبیعی) مهلت ندادی؟ بگو: برخورداری دنیا اندک و ناچیز است و برای کسی که تقوا پیشه کند آخرت بهتر است، و به اندازه رشته میان هسته خرما، به شما ستم نخواهد شد. (نساء، ۷۷)

نکته‌ها:

در صدر اسلام و دوران سخت مکه، برخی مسلمانان شعار می دادند و از پیامبر اسلام اجازه‌ی جنگ و جهاد با مشرکان را می خواستند. پیامبر ﷺ که آن هنگام مأمور به جنگ نبود، اجازه نمی داد و آنان را به صبر و راز و نیاز با خدا بخصوص نماز توصیه می کرد. ولی پس از هجرت که فرمان جهاد صادر شد، جمعی از همان شعاردهندگان جهاد طلب، با اعتراض و بهانه جویی و قدرتمند دانستن کفار، به شدت ترسیده و نافرمانی کردند.

«حَشِيَّةٌ» به ترسی گفته می شود که برخاسته از عظمت و بزرگ دانستن طرف مقابل باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ»، «كَفُّوا السِّنَّتَكُمْ» است، گویا شعارهای توخالی می دادند که آیه نازل شد، دست بردارید.^۱

پیام‌ها:

۱- از رسول خدا و فرمان خدا جلو نیفتید و در امور دینی و عبادی، اظهار سلیقه‌ی

شخصی نکنید. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ»

۲- با نماز که یاد خداست، آرامش درونی کسب کنید و با زکات، خलाهاى اقتصادى را پر کنید. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۳- مسائل عبادى اسلام با مسائل اقتصادى آن بهم پیوسته است. «الصَّلَاةَ، الزَّكَاةَ»

۴- در میان عبادات، نماز و زکات جایگاه ویژه دارد. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۵- نماز بر زکات مقدّم است. (هر کجا نامى از این دو است، اول نام نماز است)

ع- فرمان نماز و زکات قبل از جهاد صادر و تشریع شده است. «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ ...»

۷- خودسازى، مقدّم بر جامعه‌سازى است، آنکه اهل نماز و زکات نباشد، اهل اخلاص و ایثار نخواهد بود. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ»

نماز شکسته

﴿وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِى الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا﴾

و هرگاه که در زمین سفر کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر بیم دارید که کافران به شما آزار و ضرر رسانند. همانا کافران همواره دشمن آشکار شمايند. (نساء، ۱۰۱)

نکته‌ها:

۶۰

این آیه حکم نماز مسافر را بیان می‌کند. «ضرب فى الارض» کنایه از سفر است، چون مسافر هنگام سفر، زمین را زیر پای خود می‌کوبد.^۱

۱. مفردات راغب، ماده «ضرب».

در قرآن، گاهی به جای «وجوب» تعبیر «مانعی ندارد» به کار رفته، که این آیه نیز یکی از آن موارد است. گویا مسلمانان صدر اسلام به قدری به نماز علاقمند بودند که قصر و کوتاه کردن آن را گناه می‌پنداشتند.

نماز قصر، مخصوص موارد ترس از دشمن نیست. ولی چون معمولاً در سفرها، بیم و نگرانی هست، یا اینکه چون قانون نماز قصر، ابتدا در موارد ترس بوده و بعدها نسبت به هر سفر تعمیم یافته، قید «إِنْ خِفْتُمْ» آمده است.

تمام نمازهای مسافر جز نماز مغرب دو رکعتی است. و مراد از کوتاه کردن نماز، دو رکعتی شدن نمازهای چهار رکعتی است.^۱

پیام‌ها:

- ۱- واقع بینی و انعطاف‌پذیری حتی در چگونگی نماز، یک اصل در قوانین الهی است. «تَقْصِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ...»
- ۲- در حال نماز هم از دشمن غافل نباشید. سیاست و دیانت، عبادت و فطانت از هم جدا نیست. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ»
- ۳- در مواردی یقین لازم نیست. احتمال توطئه و خطر برای تصمیم و تغییر برنامه های دینی و عبادی کافی است. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ»
- ۴- حتی به هنگام احتمال خطر، اقامه نماز واجب است و نباید ترک شود. «إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ...»

اهمیت نماز جماعت

﴿وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَ لْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ تَخَذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾

(ای پیامبر!) هرگاه (در سفرهای جهادی) در میان سپاه اسلام بودی و برای آنان نماز برپا داشتی، پس گروهی از آنان با تو (به نماز) بایستند و سلاحهای خود را همراه داشته باشند، پس چون سجده کردند (قیام نمایند و رکعت دوم را فردای انجام داده پس بروند و) پشت سر شما (نگهبان) باشند، و گروه دیگر که نماز نخوانده‌اند (از رکعت دوم) با تو نماز بخوانند و وسایل دفاع و سلاحهای خود را با خود داشته باشند، کافران دوست دارند که شما از سلاح و تجهیزات خود غافل شوید تا یکباره بر شما حمله آورند، و اگر از باران رنجی به شما رسید یا بیمار و مجروح بودید، گناهی بر شما نیست که سلاحهایتان را بر زمین بگذارید و (فقط) وسایل دفاع با خود داشته باشید. همانا خداوند برای کافران عذابی خوارکننده فراهم کرده است. (نساء، ۱۰۲)

در سال ششم هجری، پیامبر با گروهی از مسلمانان به سوی مکه عزیمت کردند. در منطقه‌ی حدیبیه، با خالد بن ولید و دویست نفر همراهان او مواجه شدند که برای جلوگیری از ورود آن حضرت، سنگر گرفته بودند. پس از اذانِ بلال و برپایی نمازجماعت، خالد بن ولید فرصت را مناسب دید که هنگام نماز عصر یکباره حمله کند. آیه نازل شد و از توطئه خبرداد.

خالد پس از دیدن این معجزه، مسلمان شد.^۱ در این نمازجماعت (نماز خوف)، گروه اول پس از پایان رکعت اول، برخاسته بقیه نماز را خود تمام می‌کنند و امام جماعت صبر می‌کند تا گروه دیگر به رکعت دوم برسند و با سلاح، به نماز جماعت بپیوندند.

پیام‌ها:

- ۱- نماز، حتی در صحنه‌ی جنگ و جهاد تعطیل نمی‌شود و رزمنده، بی‌نماز نداریم. «فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ ... وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ»
- ۲- در اهمیت نماز جماعت همین بس که در جبهه‌ی جنگ با دشمن، حتی با یک رکعت هم برپا می‌شود. «وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا»
- ۳- در هنگام پیش آمدن دو وظیفه (جهاد و نماز)، نباید یکی فدای دیگری شود. «فَلْتَقُمْ ... وَ لِيَأْخُذُوا»
- ۴- در همه حال، هوشیاری لازم است، حتی نماز نباید مسلمانان را از خطر دشمن غافل کند. «وَلِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ»
- ۵- رهبر و امام جماعت، محور وحدت و عبادت است. «كُنْتُ فِيهِمْ ... فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ»

۱. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه.

ع- تقسیم کار، تعاون و شریک کردن دیگران در کارهای خیر، حتی در حسّاس‌ترین موارد، از عوامل الفت جامعه است. در این آیه، دو رکعت نمازجماعت میان دو گروه تقسیم شده، تا تبعیضی پیش نیاید و همه در خیر شریک باشند. «وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى ...»

۷- فرمان‌های الهی به تناسب شرایط، متغیر و متفاوت است. (این آیه مربوط به نماز خوف و نمازجماعت در برابر دشمن است.) «فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ»

۸- نماز جماعت در جبهه، نشان عشق به هدف و خدا و رهبر و پابندی به ارزشهاست. «إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ»

۹- در جبهه باید جابه جایی نیروها در فاصله‌ی یک رکعت نماز، امکان پذیر بوده باشد. «وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا»

۱۰- هر چه مدت نماز در جبهه بیشتر شود، فرصت دشمن برای حمله افزایش می‌یابد. پس باید حفاظت بیشتری داشت. در رکعت اول، داشتن اسلحه کافی است ولی در رکعت دوم، هم اسلحه و هم ابزار دفاع. «وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ... وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ»

۱۱- از آرزوها و ترفندهای دشمن، آگاه باشید. «وَالَّذِينَ» حتی نماز و عبادت شما، مانع هوشیاری و وسیله‌ی غفلت از دشمن نشود. «تَعْمَلُونَ»

تکلیف فرازمانی

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِكُمْ
فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾

پس چون نماز را به پایان بردید، خداوند را در (همه) حال ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده یاد کنید، پس هرگاه آرامش یافتید (و حالت خوف تمام شد) نماز را (بصورت کامل) برپا دارید. همانا، نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب شده است. (نساء، ۱۰۳)

نکته‌ها:

کلمه «قیاماً» جمع «قائم» یعنی ایستاده و «قُعُوداً» جمع «قاعد» یعنی نشسته و «جُنُوب» جمع «جَنب» به معنای پهلو و کنایه از خوابیده و دراز کش است. همچنین کلمه‌ی «کِتَاباً» به معنای امری نوشته شده و واجب و کلمه‌ی «مَوْقُوتاً» به معنای کاری با وقت معین است. البته امام باقر علیه السلام «مَوْقُوتاً» را به معنی مفروض و واجب دانسته‌اند.^۱

حضرت علی علیه السلام درباره‌ی آیه «فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِكُمْ» فرمودند: یعنی شخص سالم ایستاده، مریض نشسته و کسی که نشسته نمی‌تواند، خوابیده نماز بخواند.^۲

پیام‌ها:

۱- کمبودهای نماز خوف، با یاد خدا و تعقیبات نماز جبران می‌شود. «فَإِذَا قَضَيْتُمُ

الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ»

- ۲- نماز و یاد خدا در هر حال لازم است، در جبهه‌ی جنگ یا بستر بیماری، سلامتی و بیماری، ایستاده نشسته یا خوابیده. «قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِكُمْ»
- ۳- نماز خوف، یک استثناست. پس از برطرف شدن حالت اضطرار و شرایط ویژه، نماز باید به صورت عادی خوانده شود. «فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»
- ۴- نماز، از واجبات قطعی الهی در همه‌ی عصرها و برای همه‌ی نسل‌ها است. «كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا»
- ۵- هر نماز، در وقت مخصوص خودش واجب است. «مَوْقُوتًا»، پس به اوقات نماز و نماز اول وقت اهمیت بدهیم.

نماز منافقانه

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُنَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾

همانا منافقان با خدا مکر و حيله می‌کنند در حالی که خداوند (به کیفر عملشان) با آنان مکر می‌کند. و هرگاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند. (نساء، ۱۴۲)

نکته‌ها:

منافق، کسی است که در ظاهر احکام دینی را به جای می‌آورد، اما انگیزه‌های او الهی نیست. نماز می‌خواند، اما از روی ریاکاری، کسالت و غفلت. او گمان می‌کند با این روش خدا را فریب می‌دهد، در حالی که نمی‌داند خودش را فریب داده و خداوند به درون او آگاه است و جزای فریبکاری او را می‌دهد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: چون خداوند، جزای خدعه آنان را می‌دهد، به این کیفر الهی، خدعه گفته می‌شود.^۱

نماز مطلوب، عاشقانه، خالصانه و دائمی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آنان که نماز را به آخر وقت می‌اندازند و فشرده می‌خوانند، نماز منافقان را انجام می‌دهند.^۲ قرآن نسبت به مؤمنان جمله‌ی «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» را به کار می‌برد، ولی درباره‌ی منافقان جمله‌ی «قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ» و تفاوت میان «أَقَامُوا» و «قَامُوا» تفاوت میان برپاداشتن و به پا خاستن است.

پیام‌ها:

- ۱- فریبکاری، بی‌نشاطی در نماز، ریاکاری و غفلت از یاد خدا، از نشانه‌های نفاق است. «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ، يُرَاؤْنَ، لَا يَذْكُرُونَ»
- ۲- نفاق و فریبکاری در نماز، بی‌پاسخ و بدون کیفر نمی‌ماند. «وَهُوَ خَادِعُهُمْ»
- ۳- نماز منافقان، ریاکاری است که نه روحیه و نشاط دارد، نه انگیزه و نه مقدار، نه کیفیت و نه کمیت. «كُسَالَى، يُرَاؤْنَ، قَلِيلًا»

۱. تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه.

۲. تفسیر درالمنثور، ذیل آیه.

اندیشمندان و نماز

﴿لَكِنَّ الرَّاْسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾

ولی راسخان در علم از یهود و مؤمنان، به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان دارند. و به ویژه برپا دارندگان نماز، و اداکنندگان زکات، و ایمان آورندگان به خدا و قیامتند. بزودی آنان را پاداش بزرگی خواهیم داد. (نساء، ۱۶۲)

نکته‌ها:

در قرآن مجید در دو مورد، تعبیر «الراسخون فی العلم» بکار رفته و از آنان تحلیل شده است یکی در اینجا و دیگری در سوره آل عمران آیه ۷. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه^۱ از راسخان در علم ستایش می‌کند. آنان که به عجز علمی خود نسبت به علومی که مخصوص خداست اعتراف دارند و از تعمق در چیزی که ضرورتی ندارد دست باز می‌دارند.

در حدیث آمده است: آنکه زکات نمی‌پردازد، نمازش قبول نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله نمازگزارانی را که زکات نپرداخته بودند، از مسجد بیرون می‌کرد. به فرموده‌ی قرآن، نمازگزار واقعی بخیل نیست. «إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمُصَلِّينَ»^۲

پیام‌ها:

۱- دانشی ارزشمند است که ریشه در جان داشته باشد و انسان را به کمالات و نماز

و زکات سوق دهد. «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ... الْمُتَّقِينَ الصَّلَاةَ وَ...»

۲- با آنکه نماز و زکات در همه ادیان بوده، ولی به خاطر اهمیت آن دو جداگانه ذکر شده است. «بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُتَّقِينَ الصَّلَاةَ وَ...»

۳- نماز از زکات جدا نیست و اهل نماز باید اهل انفاق‌های مالی هم باشند. «الْمُتَّقِينَ الصَّلَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»

۴- نماز جایگاه مخصوص دارد. (همه‌ی جملات آیه با واو و نون آمده «الرَّاسِخُونَ، الْمُؤْمِنُونَ، الْمُؤْتُونَ»، ولی درباره نماز به جای «مقیمون» کلمه‌ی «الْمُتَّقِينَ» بکار رفته که در زبان عربی، نشانه‌ی برجستگی آن است.)

طهارت شرط لازم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به نماز برخاستید، پس صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید و قسمتی از سر و پاهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید و اگر جُنب بودید، خود را پاک کنید (و غسل نمایید)، و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از محل گودی (محل قضای حاجت) آمده یا با زنان تماس گرفتید (و

آمیزش جنسی کردید) و آبی (برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمم کنید، پس (قسمتی از) صورت و دستانتان را از آن خاک (که بر دستانتان مانده) مسح کنید، خداوند نمی‌خواهد که شما را در تنگی قرار دهد؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما کامل سازد، شاید شما شکرگزار باشید. (مائده، ۶)

نکته‌ها:

در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء، به موضوع غسل و تیمم اشاره شد، در اینجا علاوه بر آن دو، به مسأله‌ی وضو هم اشاره شده است.

واژه‌ی «قیام»، هرگاه با حرف «الی» همراه شود، به معنای اراده کردن است. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ» یعنی هرگاه تصمیم به نماز خواندن گرفتید.

کلمه‌ی «جنب»، به زن و مرد، مفرد و جمع، بطور یکسان اطلاق می‌شود. مراد از فرمان «فَاطَّهَرُوا» انجام غسل است. به قرینه این که در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء به جای «فَاطَّهَرُوا»، «تَغْتَسِلُوا» فرموده است.

قید «إِلَى الْمَرَاغِقِ»، برای بیان محدوده‌ی شستن است، نه جهت شستن. از آنجا که کلمه‌ی «یَد» در زبان عربی، هم به دست، از انگشتان تا مچ و هم به دست، از انگشتان تا آرنج و هم به دست، از انگشتان تا کتف، اطلاق می‌شود این آیه می‌فرماید: در وضو، دست تا آرنج را بشویید، نه کمتر و نه بیشتر.

در تیمم، روح بندگی نهفته است؛ چون دست به خاک پاک زدن و مالیدن آن به پیشانی که بلندترین عضو بدن است همراه با قصد قربت، نوعی تواضع و خاکساری در برابر خداست.

«صَعِيد» از «صعود» به معنای زمین بلند است. امام صادق علیه السلام در تفسیر

«صَعِيداً طَيِّباً» فرمودند: زمین بلندی که آب از آن سرازیر شود.^۱ آری، زمین گودی که آب آلوده در آن جمع می‌شود، برای تیمم مناسب نیست، زیرا شرط تیمم، خاک پاک است.

در حدیث می‌خوانیم: «لا صلاة الا بطهور»^۲، نماز جز با طهارت (وضو یا غسل یا تیمم) صحیح نیست.

در حدیث می‌خوانیم: «ابدأ بما بدء الله»^۳ از همانجا آغاز کن که خداوند در قرآن آغاز کرده است. همان گونه که در قرآن ابتدا شستن صورت، بعد دست‌ها و بعد مسح سر و بعد مسح پا آمده است، ترتیب وضو نیز همین گونه است.

از امام سؤال شد که چرا در وضو بخشی از سر مسح می‌شود؟ فرمودند: «لمكان الباء» به خاطر حرف «باء» در کلمه‌ی «بِرُؤُوسِكُمْ» زیرا معنای آن قسمتی از سر است و اگر آیه «وامسحوا رؤوسكم» بود در آن صورت باید همه‌ی سر را مسح می‌کردیم.^۴

امام صادق عليه السلام فرمود: «مراد از «لَامَسْتُمْ»، آمیزش جنسی است؛ ولی خدا آن را پوشانده و پوشاندن اموری را دوست دارد؛ لذا آن گونه که شما نام می‌برید، نام نبرده است».^۵

امام رضا عليه السلام درباره‌ی فلسفه‌ی وضو می‌فرماید:

* «يكون العبد طاهراً اذا قام بين يدي الجبار»، زمینه پاکی هنگام ایستادن در برابر خداست.

* «مطيعاً له فيما أمره»، نشانه‌ی بندگی و اطاعت است.

۱. معانی الاخبار، ص ۲۸۳.

۲. تهذيب، ج ۱، ص ۴۹.

۳. تفسير نورالثقلين.

۴. کافی، ج ۳، ص ۳۰.

۵. کافی، ج ۵، ص ۵۵۵.

- * «نَقِيًّا مِنَ الْاَدْنَسِ وَ النَّجَاسَةِ»، عامل دوری از آلودگی‌ها و نجاست است.
- * «ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النَّعَاسِ»، مایه دوری از کسالت و خواب‌آلودگی است.
- * «وَتَزَكِيَةِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ»، آماده سازی و رشد روحی برای نماز است.^۱

پیام‌ها:

- ۱- نظافت و طهارت بخصوص برای نماز، لازمه‌ی ایمان است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... فَأَغْسِلُوا ... فَاطَّهِّرُوا»
- ۲- طهارت، شرط نماز است. همچنان که تماس با قرآن مخصوص پاکان است، «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۲ ارتباط با خدا هم نیاز به طهارت دارد. «فَاغْسِلُوا»
- ۳- آلودگی جسم، مانع قرب به خداست. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا»
- ۴- شرایط و مقدمات نماز، تخفیف بردار هست، ولی تعطیل بردار نیست. «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»
- ۵- باید برای پیدا کردن آب وضو و غسل تلاش کرد، اگر پیدا نشد، آنگاه نوبت به تیمم می‌رسد. («فَلَمْ تَجِدُوا» در جایی است که انسان تلاش کند ولی نیابد.) البته در احکام دین، حرج و دشواری نیست. «مَا يُرِيدُ اللَّهُ ... مِنْ حَرْجٍ»
- ۶- عر با آب یا خاک آلوده، نمی‌توان با خدای پاک ارتباط برقرار کرد. «صَعِيدًا طَيِّبًا»
- ۷- هدف از وضو و غسل و تیمم، طهارت معنوی و آمادگی برای ارتباط با خداوند است. «لِيُطَهِّرَكُمْ»
- ۸- برپایی نماز و انجام تکلیف، نعمتی برای انسان «لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ» و یکی از مصادیق شکر خداوند است. «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾

و به تحقیق خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از میان آنان دوازده سرپرست (برای دوازده طایفه) برانگیختیم، و خداوند (به آنان) فرمود: من با شمایم، اگر نماز به پا دارید و زکات پردازید و به پیامبرانم ایمان آورده و یاری‌شان کنید و به خدا وامی نیکو دهید، قطعاً گناهانتان را می‌پوشانم و شما را به باغ‌هایی وارد می‌کنم که نهرها زیر (درختان) آن جاری است. پس از این، هر کس از شما کافر شود، به راستی از راه راست منحرف گشته است. (مائده، ۱۲)

نکته‌ها:

«عَزَّرْتُمُوهُمْ» از «عَزَّرَ»، به معنای یاری کردن همراه با احترام است. «سَوَاءَ السَّبِيلِ»، به وسط راه می‌گویند که انحراف از آن، سقوط را به همراه دارد. نقبای بنی اسرائیل، وزرای حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و سرپرستان دوازده طایفه از آنان بودند. از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت است که فرمود: خلفای پس از من دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل.^۱ مخالفان راه اهل بیت، بسیار کوشیدند که این عدد را

بر خلفای راشدین، خلفای بنی امیه و خلفای بنی عباس منطبق سازند، با اینکه با هیچ کدام جور نمی آید. و این تلاش بیهوده در حالی است که دهها حدیث از زبان پیامبر خدا ﷺ که نام این دوازده تن را در بردارد، در کتب معتبر شیعه و سنی به چشم می خورد که نخستین آنان علی علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام است.

پیام‌ها:

- ۱- نماز، زکات، یاری انبیا و انفاق، پیمان الهی و در برنامه‌های ادیان الهی قبل نیز بوده است. «مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ...»
- ۲- همراهی خداوند با ما چند شرط دارد: نماز، زکات، ایمان، نصرت انبیا، انفاق. «إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ ...»
- ۳- انجام همه‌ی واجبات کارساز است، گرچه انجام هریک دارای فایده است و البته نماز در رأس آنان است. «لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ ... وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ»
- ۴- کمک به خلق خدا که کمک به خداوند است، در کنار نماز آمده است. «أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ» به جای «أَقْرَضْتُمُ النَّاسَ»
- ۵- نماز و زکات و انفاق، در کنار پذیرش و یاری رهبران الهی مفهوم دارد. «أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَرْتُمُوهُمْ»
- ۶- بهشت را به «بها» دهند، نه به بهانه. اگر نماز، زکات، ایمان، امداد و انفاق بود، بهشت هم هست. «لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ ... لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ»
- ۷- بهشت، جای آلودگان نیست، ابتدا باید پاک شد، آنگاه به بهشت رفت و نماز و زکات و قرض الحسنه، از پا کننده‌ها می‌باشد. «لَأُكَفِّرَنَّ ... لَأُدْخِلَنَّكُمْ»
- ۸- راه دستیابی به عفو خدا، ایمان و نماز و عمل صالح است. «آمَنْتُمْ ... وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ ... وَ أَقْرَضْتُمُ ... لَأُكَفِّرَنَّ»

۹- هر کس به دستورهای الهی کفر ورزد، از مسیر اعتدال خارج شده است. «فَمَنْ كَفَرَ... فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (اقامه نماز، کمک به نیازمندان، ایمان به انبیا و وفاداری به پیمان‌ها، راه میانه‌ای است که نافرمانان آن را گم کرده‌اند).

نشانه ولایت

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾

ولی و سرپرست شما، تنها خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند. (مائده، ۵۵)

نکته‌ها:

در شأن نزول آیه آمده است: سائلی وارد مسجد شد و از مردم درخواست کمک کرد. کسی چیزی به او نداد. حضرت علی علیه السلام در حالی که به نماز مشغول بود، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید. در تکریم این بخشش، این آیه نازل شد.

ماجرای فوق را ده نفر از بزرگان اصحاب پیامبر نقل کرده‌اند و شیعه و سنی در این شأن نزول، توافق دارند.^۱

عقار یاسر می‌گوید: پس از انفاق انگشتر در نماز و نزول آیه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ».^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیرخم، برای بیان مقام حضرت علی علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود.^۳

امام علی علیه السلام نیز برای حقانیت خویش، بارها این آیه را می‌خواند.^۱ ابوذر که خود شاهد ماجرا بوده است، در مسجد الحرام برای مردم داستان فوق را نقل می‌کرد.^۲

کلمه‌ی «ولی» در این آیه، به معنای دوست و یاور نیست، چون دوستی و یاری مربوط به همه مسلمانان است، نه آنان که در حال رکوع انفاق می‌کنند.

در فرهنگ قرآن، به صدقه مستحقی هم «زکات» گفته می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: منظور از «الَّذِينَ آمَنُوا...»، علی علیه السلام و اولاد او علیهم السلام تا روز قیامت هستند. پس هرکس از اولاد او به جایگاه امامت رسید با این ویژگی مثل اوست، آنان در حال رکوع صدقه می‌دهند.^۳

مرحوم فیض کاشانی در کتاب نوادر، حدیثی را نقل می‌کند که بر اساس آن سایر امامان معصوم نیز در حال نماز و رکوع به فقرا صدقه داده‌اند که این عمل با جمع بودن کلمات «يُتَمِيمُونَ، يُؤْتُونَ، رَاكِعُونَ» سازگارتر است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند پیامبرش را دستور داد که ولایت علی علیه السلام را مطرح کند و این آیه را نازل کرد».^۴

بهترین معرفی آن است که اوصاف و خصوصیات کسی گفته شود و مخاطبان، خودشان مصداق آن را پیدا کنند. (آیه بدون نام بردن از علی علیه السلام، اوصاف و افعال آن حضرت را برشمرده است)

ولایت فقیه در راستای ولایت امام معصوم است. در حدیث صحیحی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «به آن کس که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر کند و احکام ما را بشناسد، بنگرید. پس به حکومت او راضی باشید که

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۴. کافی، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱. تفسیر المیزان.

۲. تفسیر مجمع البیان.

من او را بر شما حاکم قرار دادم. «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا»^۱

پیام‌ها:

۱- اسلام، هم دین ولایت است و هم دین برائت. هم جاذبه دارد و هم دافعه. آیات قبل، از پذیرش ولایت یهود و نصارا نهی کرد، این آیه می‌فرماید: خدا و رسول و کسی را که در رکوع انگشتر داد، ولیّ خود قرار دهید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ... إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ ...»

۲- از این که به جای «اولیائکم»، «ولیکم» آمده، ممکن است استفاده شود که روح ولایت پیامبر و علی علیه السلام، شعاع ولایت الهی است. «وَلِيُّكُمُ»

۳- در قرآن معمولاً نماز و زکات در کنار هم مطرح شده است؛ ولی در این آیه، هر دو به هم آمیخته‌اند. (دادن زکات در حال نماز) «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»

۴- کسانی که اهل نماز و زکات نیستند، حق ولایت بر مردم را ندارند. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ ...» («إِنَّمَا»، نشانه‌ی انحصار ولایت در افراد خاص است)

۵- برای توجّه به محرومان، نماز هم مانع نیست. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (آری، فقیر نباید از جمع مسلمانان دست خالی برگردد.)

۶- هرگونه ولایت، حکومت و سرپرستی که از طریق خدا و رسول و امام نباشد، باطل است. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ ...» (کلمه «إِنَّمَا» علامت حصر است)

۷- توجّه به خلق برای خدا در حال نماز، با اقامه نماز منافات ندارد. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»

۸- کسی که نسبت به فقرا حتی در حال نماز بی تفاوت باشد، نباید رهبر و ولیّ شما باشد. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ ... وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»

۹- کارهای جزئی (مثل انفاق انگشتر) نماز را باطل نمی‌کند. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»

تمسخر دشمنان

﴿وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾

و هرگاه که شما (به وسیله‌ی اذان، مردم را) به نماز فرامی‌خوانید آن را به مسخره و بازی می‌گیرند. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی‌اندیشند. (مائده، ۵۸)

نکته‌ها:

در شأن نزول آیه آمده است که جمعی از یهود و بعضی از مسیحیان، صدای مؤذن را که می‌شنیدند و یا قیام مسلمانان را به نماز می‌دیدند، آنان را مسخره و استهزا می‌کردند.^۱

پیام‌ها:

۱- از رابطه و دوستی با کسانی که اذان (وشعائر دینی) را مسخره می‌کنند، بپرهیزید. «لَا تَتَّخِذُوا ... وَ إِذَا نَادَيْتُمْ ...»

۲- نماز، چهره و مظهر دین است. (در آیه‌ی قبل، استهزای دین مطرح شد و در این آیه استهزای نماز، یعنی نماز سیمای دین است) «اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا ... وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا»

۳- برای نماز، باید ندا سر داد تا همه جمع شوند. «نَادَيْتُمْ» (نماز باید علنی باشد)
۴- در جامعه‌ی اسلامی، باید برای نماز، فریاد زد و تبلیغ کرد و هیچ‌کس نباید مانع

آن گردد. «نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ»

هـ- تمسخر و بی تفاوتی به منادیان نماز در جامعه، نشانه بی عقلی و بی خردی است.
«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»

شیطان مانع نماز

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخُمْرِ
وَالْمَيْسِرِ وَيُصْذِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾

همانا شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و
کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه
مفاسد) آیا دست برمی دارید؟ (مائده، ۹۱)

نکته ها:

با آن که طبق آماری که ارائه می شود، بسیاری از قتل ها، جرائم، تصادفات،
طلاق ها، امراض روانی، کلیوی و ... ناشی از شراب است، اما قرآن در این آیه
در بیان فلسفه ی تحریم، روی دو نکته تأکید دارد: یکی ضرر اجتماعی یعنی کینه
و عداوت و دیگری ضرر معنوی یعنی غفلت از نماز و یاد خدا.

این آیه برجسته ترین اثر شراب و قماربازی را بازداشتن از یاد خدا و نماز دانسته
است، اکنون جای این سؤال است که اگر کارهای عادی مثل: تجارت، ورزش،
تحصیل و مطالعه و امثال آن نیز ما را سرگرم کرده و از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا
مانند شراب و قمار است؟ آری، هرچه ما را از خدا غافل کند، مانند شراب و
قمار، ناپسند است، گرچه اسلام به خاطر لطف و آسان گرفتن، آن را حرام نکرده
باشد.

پیام‌ها:

- ۱- هر کس و هر چیز که عامل کینه و عداوت و بازدارندگی از یاد خدا و نماز در میان مردم شود، شیطانی و مطرود است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ...»
- ۲- قمار و شراب و ترک نماز، ابزار کار شیطان برای ایجاد کینه و دشمنی است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ... فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ»
- ۳- نماز برترین سبیل یاد خداست. (با این که نماز ذکر خداست، نام آن جداگانه آمده است) «عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ»
- ۴- با تمام عواملی که باعث ایجاد کینه و دشمنی و بی توجهی به یاد خدا و نماز می‌شود، باید مبارزه کرد. «فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»

ماموریت الهی

﴿وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقَوْهُ وَ هُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾

و (به ما امر شده که) نماز برپا دارید و از خداوند پروا کنید، و اوست آنکه همگان نزدش محشور می‌شوید. (انعام، ۷۲)

نکته‌ها:

پس از آنکه با سؤال وجدان‌ها را تحریک کرد و شرک را غیر منطقی و نوعی عقب‌گرد و ارتجاع اعتقادی و مایه‌ی سرگردانی و تحیر دانست، در این آیه، از میان همه‌ی وظایف به «نماز»، و از میان همه‌ی عقائد به «معاد» اشاره کرد تا بیانگر اهمیت آنها باشد.

پیام‌ها:

- ۱- برپایی نماز، همراه با پرهیزکاری هم تکلیف الهی و هم کارساز است. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّقَوْهُ»

۲- ایمان به معاد و رستاخیز، عامل توجه به نماز و پیدایش تقوا در انسان است. «وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»

محافظت از نماز

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾

و (البتّه) آنان که به آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) نیز ایمان خواهند آورد و همانها بر نمازهای خود محافظت دارند. (انعام، ۹۲)

پیامها:

۱. روشن‌ترین مظهر ایمان به قیامت و قرآن باوری، نماز و توجه ویژه به آن است. «يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»
۲. ایمان به آخرت، از عوامل مراقبت بر نماز است. «يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ... عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»

نماز خالصانه

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

بگو: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است. (انعام، ۱۶۲)

نکته‌ها:

روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آستانه‌ی هر نماز این آیات را می‌خواند.^۱ نماز، هسته‌ی مرکزی در درون عبادات است. (مرگ، بر حیات احاطه دارد و حیات بر نُسُک، و نُسُک بر نماز).

پیام‌ها:

- ۱- در برابر راههای انحرافی و منحرفان، راه و روش و هدف خود بخصوص اهتمام به نماز را با صراحت و افتخار اعلام کنیم. «قُلْ»
- ۲- با آنکه نماز، جزو عبادات است، ولی، جدا ذکر شده تا اهمیت آن را نشان دهد. «صَلَاتِي وَنُسُكِي»
- ۳- انسان‌های مخلص، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریعی خود (نماز و نُسُک) را فقط برای خداوند عالمیان می‌دانند. «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ»
- ۴- آنگونه که در نماز قصد قربت می‌کنیم، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می‌توان قصد قربت کرد. «مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ ...»

﴿وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾

و کسانی که به کتاب (آسمانی) تمسک می جویند و نماز را به پا داشته‌اند، (بدانند که ما) قطعاً پاداش اصلاحگران را تباه نخواهیم کرد. (اعراف، ۱۷۰)

نکته‌ها:

در روایات آمده است: این آیه بیانگر ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان می‌باشد.^۱

قرآن، همواره در کنار اکثریت مفسد، اقلیت صالح را هم مطرح می‌کند. (در آیه‌ی قبل انتقاد و در این آیه، ستایش است)

«الْكِتَابَ»، شامل همه‌ی کتاب‌های آسمانی می‌شود و مفهوم آیه اختصاص به پیروان دین خاص و یا کتاب خاصی ندارد، ولی با توجه به آیات گذشته، شاید مراد تورات باشد.

در این آیه از گروهی که به کتاب آسمانی تمسک می‌کنند تقدیر شده، اما در جای دیگر کسانی را که کتاب در اختیارشان است، ولی به آن تمسک نمی‌کنند، به الاغی تشبیه کرده که بار کتاب حمل می‌کند. «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَاراً»^۲

«مصلح»، هم به کسی که در صدد اصلاح خویش است و هم به کسی که در

تلاش برای اصلاح جامعه است، گفته می‌شود.

با این‌که نماز، جزو محتوای کتاب آسمانی است، ولی به دلیل اهمیت آن، به طور جداگانه ذکر شده است، زیرا نماز ستون دین است و اقامه‌ی دین بستگی به آن دارد. چنانکه پیامبر ﷺ فرمودند: «الصلاة عمود الدین»^۱ و یا در جای دیگر فرمودند: هر چیزی دارای صورتی است و سیمای دین شما نماز است، پس نباید سیمای دین خودتان را خراب کنید. «و وجه دینکم الصلاة فلا یثینن احدکم وجه دینه»^۲

پیام‌ها:

۱- تلاوت، حفظ، چاپ و نشر کتاب آسمانی، کافی نیست، بلکه باید به آن عمل کرد تا نجات‌بخش باشد. «یُمْسَكُونَ» (چنانکه عمل به نسخه‌ی پزشک، تنها راه درمان است). و همه آن بدون نماز نتیجه بخش نیست. «یُمْسَكُونَ بِالْكِتَابِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۲- در ادیان و کتاب‌های آسمانی گذشته نیز نماز بوده است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»
۳- افراد بی‌نماز و جاهل به کتاب خدا، نمی‌توانند مصلح کامل باشند. «یُمْسَكُونَ بِالْكِتَابِ ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... الْمُصْلِحِينَ»

۴- دین (بخصوص قرآن و نماز) علاوه بر آثار اخروی، در اصلاح زندگی دنیوی نیز نقش دارد. «الْمُصْلِحِينَ»

۵- اقامه‌ی نماز، وسیله اصلاح جامعه است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ، الْمُصْلِحِينَ» (اقامه یعنی اهتمام کامل به برپایی نماز در تمام شؤون زندگی، نه صرف خواندن نماز)
۶- اصلاح واقعی، دو شرط دارد: تمسک کردن به قانون الهی و رابطه‌ی استوار داشتن با خدا از طریق اقامه‌ی نماز. (تمام آیه)

۱. تفسیر اثنی عشری؛ التهذیب، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲. تفسیر فرقان؛ کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ . الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ . أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾

آنان که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، (به محرومان) انفاق می‌کنند. آنان همان مؤمنان حقیقی هستند، برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی سخاوتمندانه و نیکو است. (انفال، ۴۰۲)

نکته‌ها:

«وجل»، به حالت اضطراب و خوف و ترس انسان گفته می‌شود که گاهی به خاطر درک مسئولیت‌ها و احتمال عدم انجام وظایف است و گاهی به خاطر درک عظمت مقام و هیبت الهی است. لذا در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۱، تنها بندگان عالم و آگاه، از خداوند خشیت دارند.^۲ خداوند در اینجا می‌فرماید: «إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»، یاد خداوند دلهای مؤمنان را مضطرب می‌کند، ولی در جای دیگر می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۳، با یاد خدا دلهای آرام می‌گیرد. این دو با هم منافاتی ندارد، زیرا در یک جا ترس از عظمت خداوند و در جای دیگر اطمینان داشتن به خداوند است.^۴ همچون کودکی که از والدین خود، هم می‌ترسد و هم به آنان دلگرم است.

پیام‌ها:

- ۱- آنکه با شنیدن ندای اذان و آیات الهی بی تفاوت باشد، باید در کمال ایمان خود شک کند. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ»
- ۲- یادآوری و تذکر به یاد خدا از سوی هر کس که باشد، در مؤمن اثر می‌گذارد. «إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ»
- ۳- ایمان، مراتب و درجاتی دارد و با توجه به یاد خدا و نماز و بی توجهی به آن، قابل افزایش و کاهش است. «زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»
- ۴- نشانه‌ی ایمان کامل آن است که دل مؤمن با یاد خدا خشیت پیدا کند، «وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»، با تلاوت و یادآوری آیات الهی، بر ایمانش افزوده شود، «زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» و توکل بر خدا کرده، «يَتَوَكَّلُونَ» نماز را به پا دارد، «يُقِيمُونَ» و به دیگران نیز کمک برساند. «يُنْفِقُونَ»
- ۵- نماز و انفاق شخص مؤمن مقطعی نیست؛ بلکه مستمر و دائمی است. «يُقِيمُونَ ... يَنْفِقُونَ»
- ۶- نشانه ایمان، ارتباط با خدا با اقامه نماز و ارتباط با مردم با کمک به نیازمندان است. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»
- ۷- ایمان آنگاه کامل است که همراه با خوف الهی، توکل، نماز و انفاق باشد. آری، ایمان به شعار نیست، به عمل است. «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا»
- ۸- رمز دریافت درجات ناشناخته و بسیار مهم الهی، نماز و انفاق است. «يُقِيمُونَ ... يَنْفِقُونَ، لَهُمْ دَرَجَاتٌ» («دَرَجَاتُ»، نکره آمده است) یک عمر، برای گرفتن درجه دنیوی می‌کوشیم، ولی از درجات الهی غافلیم!
- ۹- حتی مؤمنان حقیقی اهل نماز و انفاق نیز در معرض لغزش بوده و نیازمند مغفرت و تفضل الهی می‌باشند. «الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ ... مَغْفِرَةٌ»
- ۱۰- رزق و روزی دائمی، بی‌منت، وسیع و خالص، در سایه نماز و انفاق است. «رِزْقٌ

کَرِیم»

۱۱- تنها ایمان حقیقی در سایه استمرار به نماز و انفاق، زمینه‌ی رسیدن انسان به جایگاه ویژه و دریافت مغفرت و نعمت‌های ویژه‌ی خداوند است.

نشانه توبه واقعی

﴿فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ إِن تَابُوا فَاتَّبُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

پس چون ماههای حرام سپری شود، مشرکان (پیمان شکن) را هر زمان و هر جا یافتید بکشید و دستگیر کنید و در محاصره قرار دهید و در همه جا به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، راهشان را باز کنید (و آزادشان بگذارید) که همانا خداوند، آمرزنده و مهربان است. (توبه، ۵)

نکته‌ها:

کافرانی که ۱۳ سال پیامبر ﷺ و مسلمانان را در مکه آزار دادند و پس از هجرت نیز ۹ سال از هیچ توطئه‌ای فروگذار نکردند، اکنون نیز به پیمان و مهلتی که داده بودند وفادار نماندند، بنابراین پس از طی همه مراحل دعوت، استدلال و پیمان‌بستن، اگر باز هم توطئه و دشمنی کردند، برای سرکوبشان از همه‌ی شیوه‌ها استفاده کنید. چون انحراف فکری و سقوط عقل و انسانیّت، قابل تحمّل نیست.

مراد از ماههای حرام، چند ماهی است که متعهد شده بودند دست از دشمنی علتی بردارند و منظور چهار ماه حرام معروف نیست.

کلمه‌ی «حَيْثُ» هم در مورد زمان بکار می‌رود و هم در مورد مکان، یعنی هر جا و هر زمان.^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند: راه توبه از شرک، ایمان آوردن است.^۲

پیام‌ها:

- ۱- توبه از شرک، ایمان است و نشانه‌ی توبه‌ی واقعی، نماز و زکات است. «تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ...» از توبه‌ی بی‌عمل، فریب نخوریم.
- ۲- نماز، در رأس عبادت‌ها و مصونیت بخش است. به کسی که به شعائر دینی (نماز و زکات) احترام می‌گذارد، تعرض نکنید. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ»

نشانه برادری

﴿فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾

اگر (مشرکان) توبه کردند و نماز برپاداشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمایند. و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشند)، به تفصیل بیان می‌کنیم. (توبه، ۱۱)

نکته‌ها:

خداوند در آیات قبل فرمود: اگر مشرکان توبه کرده و نماز خواندند و زکات دادند، دیگر متعرض آنان نشوید، «فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ» در این آیه می‌فرماید: نه تنها مزاحمتان نشوید، بلکه گذشته‌ها را فراموش کرده، برادرانه با آنان رفتار کنید.

پیام‌ها:

قرآن و نماز

۱- توبه واقعی، همراه با عمل و جبران مافات بخصوص نماز است. «تَابُوا وَ أَقَامُوا...»
۲- شرط ورود به دایره‌ی اخوت دینی، نماز و زکات است. «فَإِنْ ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» آنان که تارک نماز و زکاتند، برادران دینی ما نیستند.

۳- با نادم و توباب اهل نماز و زکات، برخوردی برادرانه داشته باشید. «فَإِنْ تَابُوا ... فَإِخْوَانُكُمْ»

۴- آنان که تا دیروز، واجب القتل بودند، در سایه‌ی توبه و نماز و زکات، حقوق اجتماعی برابر با مسلمانان می‌یابند و جنگ با آنان حرام می‌شود. «فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»

آبادگران مسجد

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾

مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌ترسند. امید است که آنان از ره‌یافتگان باشند. (توبه، ۱۸)

نکته‌ها:

مراد از آباد ساختن مساجد هم آبادی ساختمان و تاسیسات فیزیکی آن است و هم اجتماع و شرکت در آن. البته عمران مساجد مخصوص مسلمانان است و نباید هدایا و کمک‌های مشرکان بلکه تمام فرق غیر اسلامی را برای ساختمان

مساجد خود بپذیرند، زیرا کلمه "انما"، عمران مساجد را مخصوص مسلمانان می‌سازد.

به گفته‌ی مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی، تعمیر مسجد شامل مرمت، نظافت و فرش کردن، روشنایی، تدریس و تبلیغ می‌شود.

در باره اهمیت بنای مسجد و اداره مسجد، احادیث فراوانی آمده است، از جمله رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که مسجدی بنا کند هر چند بسیار کوچک (به اندازه لانه مرغی) باشد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا خواهد کرد.^۱

کسی که چراغی در مسجدی برافروزد، فرشتگان و حاملان عرش الهی ما دام که نور آن چراغ در مسجد می‌تابد برای او استغفار می‌کنند.^۲

البته آنچه بیشتر اهمیت دارد، عمران و آبادی معنوی مساجد است و ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسداران مسجد و حافظان آن باشند. باید مسجد مرکزی برای جوانان با ایمان و قانونی برای فعال‌ترین قشرهای اجتماع باشد، نه مرکز افراد بیکاره و بی حال و خواب آلوده‌ها!^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسْجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ»؛ همین که دیدید کسی پیوسته به مسجد رفت و آمد می‌کند، به ایمان او گواهی دهید. در احادیث برای کسانی که به مسجد رفت و آمد می‌کنند، بهره‌های فراوان ذکر شده است، از جمله: پیدا کردن دوست و برادر دینی، آگاهی‌های مفید، ارشاد و دوری از گناه، برخورداری از نعمت و رحمت الهی.^۴

۱. وسائل الشیعه، ابواب احکام مساجد.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه.

۳. تفسیر درالمنثور، ذیل آیه.

۴. تفسیر درالمنثور، ذیل آیه.

۵. تفسیر درالمنثور، ذیل آیه.

مسجد، پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان است. بنابراین، هم متولیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه‌هایش سازنده و تربیت کننده، هم بودجه‌اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا و خدایی و مورد تکریم. وگرنه اگر سازندگان مساجد، جبّاران و سلاطین باشند و پیشنمازان، افراد بی سواد و ترسو و خادمان نیز وارفتگان بی حال، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند.

پیام‌ها:

۱- تولیت و تعمیر مسجد شرایطی دارد:

الف: از جهت اعتقادی، ایمان به مبدأ و معاد. «أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»
 ب: از نظر عملی، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات. «أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ»
 ج: از جهت روحی، شجاعت و نفوذناپذیری. «لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» (اگر متولّی مسجد، شجاع باشد، مسجد نیز کانون حرکت‌های ضدّ ظلم خواهد بود)

۲- وظیفه‌ی بانیان و متولیان و تعمیرکنندگان و اهل مسجد، رسیدگی به محرومان است. «إِنَّمَا يَعْمُرُ ... آتَى الزَّكَاةَ»

۳- ایمان از عمل جدا نیست، «أَمَنَ ... وَ أَقَامَ» نماز از زکات جدا نیست، «أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ» و مسجد از انقلاب و مبارزه با ظالم جدا نیست. «مَسَاجِدَ اللَّهِ ... وَ لَمْ يَخْشَ»

۴- با وجود ایمان، عمل صالح، نماز، زکات و شجاعت، باز هم مغرور نشویم، هنوز خطر انحراف وجود دارد. «فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»

نماز مردود

﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ﴾
و چیزی منافقان را از پذیرفته شدن انفاقشان منع نکرد، جز اینکه به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز را جز از روی کسالت و بی حالی به جا نمی آورند و جز از روی کراهت و بی میلی انفاق نمی کنند. (توبه، ۵۴)

نکته‌ها:

علت واقعی پذیرفته نشدن انفاق منافقان این است که انفاقشان از روی کراهت است، نه علاقه. ارزش دهنده به کارها، نیت و نشاط و عشق است. آری انگیزه مهم است، نه حرکات فیزیکی! در داستان یوسف، زلیخا تمام درها را با دست خود بست و از یوسف کام خواست. اما یوسف عليه السلام به سوی در فرار کرد و زلیخا هم به دنبال او می دوید. در این صحنه یوسف و زلیخا از نظر ظاهر و حرکات فیزیکی، هردو می دویدند، اما انگیزه‌ی یکی فرار از گناه و انگیزه‌ی دیگری گناه کردن بود. و این است معنای نقش نیت و انگیزه در اعمال انسان.

پیام‌ها:

۱- با کفر، کسالت و کراهت، اعمال خیر بخصوص نماز پذیرفته نیست. «مَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ...»

۲- از نشانه‌های نفاق، نماز با کسالت، «كُسَالَى» و انفاق با کراهت است. «كارهون»
۳- هدف اسلام از انفاق و نماز، رشد انتخابی و معنوی است، نه تنها سیر کردن شکم یا حرکت ظاهری. زیرا با کمک منافقین شکم‌هایی سیر می‌شود، یا به ظاهر

نماز و تکلیفی ادا می‌شود، اما رشد معنوی برای کمک کننده حاصل نمی‌شود.
«كَفَرُوا بِاللَّهِ ... وَ هُمْ كَارِهُونَ»

سفارش اهل ایمان

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یکدیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می‌دهند و از منکرات (بدی‌ها) نهی می‌کنند، نماز بر پای داشته، زکات می‌پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می‌کنند. بزودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. همانا خداوند، توانای غالب و حکیم است. (توبه، ۷۱)

نکته‌ها:

در روایت می‌خوانیم: چون امر به معروف و نهی از منکر، زمینه ساز و عامل برپایی واجبات دیگر است، از این رو در آیه، قبل از نماز و زکات آمده است.^۱

پیام‌ها:

۱- مردان و زنان مؤمن، در اصلاح و اداره جامعه اسلامی مسئولیت داشته و نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و نسبت به واجباتی مثل نماز بی‌تفاوت نیستند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ ... وَ يَنْهَوْنَ»

۲- توجّه به زندگی محرومان و تأمین اجتماعی فقرا، در کنار نماز و مسائل عبادی دیگر است. «يُتِمُّونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ...»

۳- امر به معروف ونهی از منکر، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول، وظیفه و عملکرد دائمی مؤمنان است. «يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُقِيمُونَ، يُؤْتُونَ، يُطِيعُونَ» (فعل مضارع رمز استمرار است)

۴- کسانی که دیگران را به کارهای خوب دعوت می‌کنند و از بدی‌ها نهی می‌کنند، و دعوت‌کنندگان به نماز باید خود اهل عمل باشند. «يَأْمُرُونَ، يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ»

۵- اعمال انسان بخصوص نماز و پرداخت زکات، زمینه‌ساز رحمت الهی است و در این جهت فرقی میان زن و مرد نیست. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ ... يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُقِيمُونَ، يُؤْتُونَ، يُطِيعُونَ، سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ» (رحمت الهی شامل هر گونه خیر و برکت و سعادت دنیوی و اخروی است)

سؤالات بخش دوم

۱. ایمان و عمل صالح به همراه نماز و زکات، راهکار قرآن برای برچیده شدن کدام گناه است؟
 (الف) فحشا و منکرات
 (ب) گناهان فردی و اجتماعی
 (ج) روابط نامشروع
 (د) رباخواری
۲. در این آیه کلمه «صلاة» هم به معنای نماز و هم محل نماز می‌باشد؟
 (الف) بقره، ۲۷۷
 (ب) آل عمران، ۳۹
 (ج) نساء، ۴۳
 (د) نساء، ۷۷
۳. به ترسی که برخاسته از عظمت و بزرگی طرف مقابل باشد، گفته می‌شود؟
 (الف) خوف
 (ب) حزن
 (ج) خشیت
 (د) خشوع
۴. به نمازی که در آخر وقت و فشرده خوانده شود، گفته شده است؟
 (الف) نماز نوک کلاغی
 (ب) نماز منافقانه
 (ج) نماز تاجرانه
 (د) نماز کاسبانه
۵. حکم غسل و چگونگی وضو و تیمم در کدام گزینه بیان شده است؟
 (الف) بقره، ۱۲۵
 (ب) آل عمران، ۱۹۱
 (ج) نساء، ۴۳
 (د) مائده، ۶
۶. قرآن افراد بی تفاوت و مسخره کننده منادیان نماز در جامعه را چنین توصیف کرده است؟
 (الف) شیطان صفت
 (ب) منافق
 (ج) بی‌خرد
 (د) جاهل
۷. آیه ۱۷۰ سوره اعراف بیانگر کدام گزینه می‌باشد؟
 (الف) ویژگی‌های خردمندان
 (ب) ویژگی‌های اهل بیت و شیعیان
 (ج) مصلحان منتظر
 (د) منتظران مصلح
۸. کدام آیه شرط برادری دینی را نماز و زکات بیان کرده است؟
 (الف) توبه ۴۵
 (ب) توبه ۱۱
 (ج) توبه ۵
 (د) توبه ۵۴
۹. از نظر فیض کاشانی، آباد کردن مسجد به کدام گزینه تحقق پیدا می‌کند؟
 (الف) تعمیر و مرمت
 (ب) نظافت، فرش و روشنایی
 (ج) تدریس و تبلیغ
 (د) هر سه گزینه
۱۰. در آیه ۷۱ سوره توبه چه چیزی قبل از دیگر وظایف واجب مؤمنان بیان شده است؟
 (الف) نماز و کمک به محرومان
 (ب) روزه و خودسازی
 (ج) امر به معروف و نهی از منکر
 (د) شناخت خداوند

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾

و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه‌هایی آماده کنید و خانه‌هایتان را مقابل هم (یا رو به قبله) بسازید و نماز به پا دارید و به مؤمنان بشارت بده (که سرانجام پیروزی با آنهاست). (یونس، ۸۷)

نکته‌ها:

«قِبْلَةً»، هم به معنای مقابل و رو بروی هم است و هم به معنای جهت کعبه، یعنی خانه‌سازی رو به قبله. شاید معنای این آیه چنین باشد که تا قدرت فرعون باقی است و تصمیم بر نابودی شما دارد، شما مراسم عبادی را در خانه‌هایتان برقرار سازید. مثل سه سال اول بعثت پیامبر اسلام.

پیام‌ها:

- ۱- مسئولان و رهبران دینی باید به مسائل مادی و رفاهی بخصوص مسکن و شهرسازی، و اقامه نماز توجه ویژه داشته باشند. «وَأَوْحَيْنَا ... تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا»
- ۲- معماری خانه و شهرسازی اسلامی باید با اهداف مکتبی سازگار باشد و به گونه‌ای باشد که انجام مراسم مذهبی و اقامه‌ی نماز در آن عملی باشد. «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»

- ۳- توجه به نماز در رأس برنامه پیامبران و زمینه آزادی و رهایی از طاغوت‌ها بوده است. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»

اثرگذار اجتماعی

﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾

(اما مردم شهر مدین در جواب) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که (به ما بگویی) آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ (و) یا اینکه (نتوانیم) آن گونه که خود می‌خواهیم، در اموالمان تصرف کنیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! (این چه توقّعی است که از ما داری؟) (هود، ۸۷)

پیام‌ها:

- ۱- نماز، در ادیان گذشته نیز بوده و همواره مخالفانی داشته است. «أَصَلَاتُكَ»
- ۲- نماز، بارزترین نمود آئین حضرت شعیب بوده است. «أَصَلَاتُكَ»
- ۳- نماز واقعی، انسان را به ارشاد دیگران و امر به معروف و نهی از منکر آنها وامی‌دارد. «أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ»
- ۴- پرستش امری مقبول و مورد نیاز بشر است که چگونگی آن توسط پیامبران الهی بیان شده و همواره دستخوش تغییر و انحراف بوده است. «يَعْبُدُ آبَاؤُنَا»
- ۵- دین و دینداری و اهل نماز بودن، نه از سیاست جداست و نه از اقتصاد و بهره‌برداری اقتصادی. «أَصَلَاتُكَ ... نَتْرُكَ ... فِي أَمْوَالِنَا»
- ۶- نماز واقعی هم در معنویات هم در مادیات اثرگذار است و نوع مصرف را هدفمند می‌کند.

- ۷- تجلیل و ستایش مخالفان از ما و نماز ما، حقیقی نیست؛ گاهی برای باج دادن و سکوت و نگفتن حق است و گاه برای تمسخر و استهزا. «لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ»

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ
السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ﴾

و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب بپادار، (زیرا) بدرستی که کارهای نیکو (همچون نماز)، بدی‌ها را محو می‌کند، این (فرمان)، تذکری است برای اهل ذکر. و پایدار باش، که همانا خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (هود، ۱۱۴)

نکته‌ها:

«زُلف» (در قالب جمع) به معنی نزدیکی است، به اوایل شب که نزدیک به روز است گفته می‌شود و اشاره به نماز عشا می‌باشد.^۱
در آیه اوقات نماز صبح و مغرب و عشا بیان شده است و البته در مقام بیان تمام نمازهای روزانه نیست.

این دو آیه، به دو دستور از مهم‌ترین دستورات اسلامی یعنی اقامه نماز و صبر و پشتکار که در واقع روح ایمان و پایه اسلام است، فرمان داده است.
از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد که شخصی از طریق طاغوت درآمدهایی را بدست آورده و با امید به آیهی «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» به فقر کمک می‌کند و به حج می‌رود؟ حضرت فرمود: «إِنَّ الْخَطِيئَةَ لَا تَكْفُرُ الْخَطِيئَةَ» گناه را نمی‌توان با گناه پوشاند.^۲ بنابراین آنچه را بدست آورده مال مردم است و تصرف در مال مردم به هر شکل حرام است.

حضرت علی علیه السلام بر جمعی وارد شده و از آنها سؤال فرمودند: آیا می‌دانید امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن کدام است؟! هر کس به فراخور حال خویش آیه‌ای را عنوان کرد:

بعضی گفتند: آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ»^۱؛ خداوند جز شرک، گناهان دیگر را می‌بخشد.

بعض گفتند: «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا»^۲؛ هر کس خلافکار و ظالم باشد ولی استغفار کند، خداوند را بخشنده و مهربان خواهد یافت.

عده‌ای اظهار داشتند آیه‌ی «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا»^۳؛ ای بندگان من که در حق خود اسراف کرده‌اید! از رحمت خدا مأیوس نشوید، زیرا او همه‌ی گناهان را می‌بخشد.

تعدادی هم نظر به این آیه داشتند؛ «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ»^۴؛ کسانی که اگر کار زشتی انجام دادند و به خودشان ظلم کردند، یاد خداوند می‌کنند و برای گناهان خویش استغفار می‌نمایند، و کیست جز خداوند که گناهان را ببخشد.

بعد از اینکه حضرت نظرات آنان را شنید، فرمودند: از حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: امیدبخش‌ترین آیه در قرآن، همین آیه (۱۱۴) است.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه دادند: یا علی! سوگند به خداوندی که مرا بشیر و نذیر به سوی مردم مبعوث کرد، وقتی که انسان برای نماز وضو بگیرد، گناهانش ریخته می‌شود، و زمانی که رو به قبله کند، پاک می‌شود. یا علی! مثال اقامه‌کننده‌ی

نمازهای روزانه، مثل کسی است که هر روز پنج مرتبه در نهر آبی که جلوی منزل اوست خود را شستشو کند.^۱

در روایات متعدد برای اقامه نماز و نمازجماعت آثار و برکات فراوانی بخصوص درباره عفو و بخشش و آمرزش گناهان بیان شده است.^۲

پیام‌ها:

۱- رهبر و مسئولان باید الگوی مردم در توجه به نماز و اوقات نماز باشد. «أَقِمِ...»
۲- نماز را باید با شرایط و آداب کامل بجای آورد. در کلمه‌ی «اقامه»، معنای کمال و تمام نهفته است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۳- نماز، قوت قلب مؤمنان است. چون در آیات گذشته، فرمان به استقامت و عدم اعتماد به ظالمان مطرح شد و این امور نیاز به روحیه‌ی بالا دارد، لذا در این آیه، خداوند امر به تقویت روح با اهرم نماز می‌فرماید. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ»

۴- نمازها را باید در وقت مشخص شده انجام داد. «طَرَفَيِ النَّهَارِ... زُلْفَا»

۵- نماز، روشن‌ترین نمونه‌ی کار نیک است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ... إِنَّ الْحَسَنَاتِ...»
۶- اعمال انسان در یکدیگر تأثیر دارند و نماز از بین برنده بدی‌ها می‌باشد. «أَقِمِ الصَّلَاةَ... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»

۷- دستور به نماز، روشن‌ترین پند خداوند است و البته همه افراد از آن بهره‌مند نمی‌شوند. «ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» (نماز، ذکر الهی است)

۸- اقامه نماز، پشتکار و حوصله می‌خواهد. (لذا به دنبال فرمان نماز، در آیه بعد فرمان صبر آمده است) «أَقِمِ الصَّلَاةَ، وَاصْبِرْ» چنانچه در مورد نماز خانواده نیز چنین سفارش شده است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^۳

۱. تفسیر مجمع البیان و کنزالدقائق.

۲. تفسیر مجمع البیان و نمونه.

۳. طه، ۱۳۲.

سرمایه قیامت

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا خِلَالَ﴾

(ای پیامبر) به بندگان من (آنان) که ایمان آورده‌اند، بگو: نماز را برپا دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند قبل از آن که روزی فرا رسد که در آن نه دادوستدی باشد و نه دوستی و رابطه‌ای. (ابراهیم، ۳۱)

نکته‌ها:

انفاق آشکار، سبب تربیت نسل و تشویق دیگران و رفع تهمت از خود است و انفاق پنهانی عامل رشد و اخلاص است. البته بعضی مفسران گفته‌اند: انفاق علنی مربوط به انفاق‌های واجب مثل خمس و زکات است و انفاق مخفی مربوط به موارد مستحب مثل صدقه است.

با این که هر یک از انفاق آشکار و پنهان آثاری دارند، ولی شاید بتوان گفت، انفاق پنهان بهتر است، چون در این آیه «سِرًّا» بر «عَلَانِيَةً» مقدم شده است.

پیام‌ها:

۱- برای فرمان دادن بخصوص دعوت به نماز، به مخاطب خود شخصیت دهید. «قُلْ لِعِبَادِيَ» (بندگی خدا بالاترین مدال افتخار مؤمنان است).

۲- ایمان قلبی کافی نیست، نماز، انفاق و عمل صالح لازم است. «آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا»

۳- اسلام دین جامع است. رابطه با خدا و کمک به محرومان، در کنار هم شرط قبولی یکدیگرند. «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» البته مورد انفاق، تنها

مال نیست، از هر چه داریم (چه علم و ثروت، چه آبرو و قدرت) باید انفاق کنیم.
«مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»

- ۴- از بهترین راههای استفاده از فرصت‌های دنیوی، ارتباط با خدا (نماز) و توجه به نیازمندان (انفاق) است. «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا... مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ...»
- ۵- اگر دنبال تجارت مفید در دنیا و آخرت هستید، با ایمان و اقامه نماز و انفاق با خدا معامله کنید، زیرا که در قیامت هیچ داد و ستدی نیست. «يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ»
- ۶- بهترین سرمایه و دوست انسان در قیامت، علاوه بر ایمان، نماز و انفاق است نه پول و پارتی.

دعای ابراهیم

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾

پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه‌ام نیز.
پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر. (ابراهیم، ۴۰)

نکته‌ها:

حضرت ابراهیم از خداوند هفت دعا و درخواست دارد که علاوه بر درخواست امنیت مگه، دور ماندن از بت‌پرستی، توجه قلوب و افکار مؤمنان نسبت به فرزندان و مکتب او، بهره‌مند شدن ذریه‌ی او از ثمرات و آموزش برای خود و والدین و همه‌ی مؤمنان و قبولی دعاها، مهمترین درخواست و محور دعاهايش توفیق اقامه نماز برای خود و فرزندان است که دو مرتبه تکرار شده است.

چنانکه حضرت یعقوب نیز نگران نماز و عبادت فرزندانش پس از خود بود و پرسید: «ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي» پس از من چه چیز را می‌پرستید؟ آنان پاسخ

گفتند: «نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ»^۱ ما پروردگار تو و پروردگار پدرانانت ابراهیم و اسماعیل را می‌پرستیم.

پیام‌ها:

- ۱- برای اقامه‌ی نماز خودمان و تربیت نمازی فرزندانمان، دعا کنیم و از خداوند استمداد کنیم. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي»
- ۲- با آنکه رسالت انبیا اقامه‌ی دین است اما دعا برای اقامه‌ی نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام‌نمای دین است. «مُقِيمَ الصَّلَاةِ»
- ۳- اقامه‌ی نماز، عدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهیم در دو مورد عبارت «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» را بکار برد: یکی درباره‌ی نماز نسل خود «مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهیم فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي»^۲ من تو را امام مردم قرار دادم ابراهیم گفت: پروردگارا ذریه مرا نیز به این مقام برسان.
- ۴- مهم‌تر از اقامه نماز و دعا، قبولی آن نزد خداوند است. «رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ»

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾

نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به مغرب) تا تاریکی شب بپادار، و قرآن سپیده‌دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است. (اسراء، ۷۸)

نکته‌ها:

«دلوك»، هنگام زوال و میل خورشید از وسط آسمان رو به مغرب است، اشاره به نماز ظهر و عصر، و «غسق» یعنی فراگیر شدن تاریکی، «غسق اللیل» اشاره به نماز مغرب و عشا دارد. «قرآن» به معنی چیزی است که قرائت می‌شود و «قرآن الفجر» اشاره به نماز صبح است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اولین نمازی که واجب شد نماز ظهر بود و آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند. در روایت دیگری آمده است: اگر نماز صبح در اوّل فجر اقامه شود، فرشتگان شب و روز هر دو آن را ثبت می‌کنند.^۱ و «مشهود» بودن نماز صبح نیز ممکن است به همین معنا باشد.^۲ یعنی هر دو گروه فرشتگان آن را مشاهده کرده و بر آن گواهی می‌دهند.

پیام‌ها:

۱- برنامه‌های دینی بخصوص نماز، زمان‌بندی طبیعی دارد، تا قابل فهم و درک همه کس در همه جا و همیشه باشد. «لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»

۲- نماز تنها عبادتی است که در قرآن به نام «قرآن» توصیف شده است. «قُرْآنَ الْفَجْرِ»

۳- قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است. «قُرْآنَ الْفَجْرِ» لذا پیامبر اکرم ﷺ فرمود: نماز بدون قرآن، نماز نیست. «لا صلاة الا بقرآن»^۱

۴- در میان نمازها، نماز صبح جایگاه ویژه‌ای دارد. «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً»

نماز شب

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾

وپاسی از شب را بیدار باش و تهجد و عبادت کن، و این وظیفه‌ای افزون برای توسست، باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد. (اسراء، ۷۹)

نکته‌ها:

«هجد»، به معنای خوابیدن است و «تهجد»، به معنای برطرف کردن خواب با عبادت می‌باشد.

نماز شب از نمازهای بسیار با فضیلت است و در سوره‌های مزمل و مدثر آمده است: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا»

اهمیت نماز شب

در روایات بیش از ۳۰ فضیلت برای نماز شب برشمرده شده است که به برخی از فضایل آن اشاره می‌شود:

* تمام انبیا نماز شب داشتند. نماز شب، رمز سلامتی بدن و روشنائی قبر است. نماز شب، در اخلاق، رزق، برطرف شدن اندوه، ادای دین و نورچشم مؤثر است.^۱

* نماز شب، گناه روز را محو می‌کند و نور قیامت است.^۲

* امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: پاداش نماز شب آن قدر زیاد است که خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۳ هیچ کس پاداشی را که برای آنان در نظر گرفته شده نمی‌داند.^۴

* امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: شرف مؤمن، نماز شب است و عزّتش، آزار واذیت نکردن مردم.

* ابوذر کنار کعبه مردم را نصیحت می‌کرد که برای وحشت و تنهایی قبر، در دل شب دو رکعت نماز بخوانید.

* درمانده کسی است که از نماز شب محروم باشد.

* بهترین شما کسی است که اطعام کند، سلام را آشکارا بدهد و هنگامی که مردم در خوابند، نماز بخواند.

سه چیز بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) واجب بود و بر دیگران مستحب: نماز شب، مسواک و سحرخیزی.^۵

در کلمه‌ی «مَقَاماً» عظمت هفتمه است (به خاطر تنوین) و در روایات آمده

۴. تفسیر مجمع البیان.

۵. تفسیر فرقان.

۱. سفینه البحار.

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۴۰.

۳. سجده، ۱۷.

که «مقام محمود» همان شفاعت است.^۱

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: گناهان و اعمال و رفتار بد انسان، موجب محرومیت او از نماز شب می‌شود.^۲

خداوند به تمام قطعات زمان سوگند یاد کرده است. مثلاً: «وَالْفَجْرِ»^۳، «وَالصُّبْحِ»^۴، «وَالنَّهَارِ»^۵، «وَالْعَصْرِ»^۶ اما به سحر سه بار سوگند یاد شده است: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ»^۷، «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ»^۸، یعنی سوگند به شب هنگام تمام شدنش. و در باره‌ی استغفار در سحر دو آیه آمده است: «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^۹، «الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»^{۱۰}

پیام‌ها:

- ۱- نماز شب بر پیامبر اسلام واجب بود. «فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ» آری مقام رهبری، مستلزم تکالیف سنگین‌تری است.
- ۲- دل شب بهترین زمان برای عبادت است. «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ»
- ۳- مقامات پسندیده معنوی، در سایه‌ی عبادت و عبودیت پیدا می‌شود. «فَتَهَجَّدْ... مَقَامًا مَّحْمُودًا» البته ما با عبادت‌های خویش، حقی بر خدا نداریم که طلب کنیم، هر چه هست، امید است و فضل او. «عَسَى»
- ۵- نماز شب به تنهایی کافی نیست، کمالات دیگری نیز لازم است. «عَسَى»
- ع- تا کسی خود گامی به سوی کمال برندارد و تهجد و عبادتی نداشته باشد، خداوند او را به مقامی نمی‌رساند. «فَتَهَجَّدْ ... يَبْعَثَكَ رَبُّكَ» مقامی ارزشمند است که نزد خدا پسندیده باشد، و گرنه شهرت‌های پوچ، ارزشمند و ماندگار نیست. آری

۱. تفسیر نور الثقلین.
 ۲. بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۵.
 ۳. فجر، ۱.
 ۴. مدثر، ۳۴.
 ۵. شمس، ۳.
 ۶. فجر، ۴.
 ۷. تکویر، ۱۷.
 ۸. مدثر، ۳۳.
 ۹. ذاریات، ۱۸.
 ۱۰. آل عمران، ۱۷.

دود به هوا و بالا می‌رود، ولی روسیاه است.

۷- از آثار تهجد و نماز شب، دریافت مقام شفاعت از خداوند است. خداوند، خودش شفاعت را برای اولیا پسندیده است، نه آنکه اولیای الهی نسبت به بندگان از خدا مهربان‌تر باشند. «يَبْعَثُ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً»

واجبی مستهتر

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾

و هر جا که باشم، خداوند مرا مایه‌ی برکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است. (مریم، ۲۱)

نکته‌ها:

چیزی با برکت است که در آن منفعت زیاد، تعلیم و تأدیب دیگران و با ثبات باشد؛ حضرت عیسی علیه السلام هم عمر با برکتی دارد و تا بعد از ظهور امام زمان علیه السلام زنده است و هم پیروانش بسیارند و بر کافرانی که در پی قتل آن حضرت بودند، پیروزند. «وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱

سرچشمه‌ی خیرات و برکات، نیت‌ها، اهداف، حالات و خصلت‌های درونی است. لذا بعضی انسان‌ها هر جا که باشند مبارکند. «جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» و بعضی به خاطر مشکلات روحی و دوری از معنویت، در هر جا که باشند گرفتار خصلت‌های ناروای خویش‌اند و خیرشان به دیگران نمی‌رسد.

عیسی علیه السلام با کلمه «بِوَالِدَتِي»، به پاکدامنی مادر و نداشتن پدر اشاره کرد. «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي» و نفرمود: «بِوَالِدِي».

پیام‌ها:

۱- ستایش از خود و نماز و انفاق خود، اگر برای فخرفروشی نباشد مانعی ندارد. «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا ... وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ»

۲- ارزش‌های معنوی همچون نماز و انفاق، فوق زمان و مکان است. «أَيْنَ مَا كُنْتُ ... مَا دُمْتُ حَيًّا»

۳- نماز و زکات از مشترکات ادیان آسمانی است. «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ» پیامبران به واسطه ارتباط با خدا با نماز در کنار کمک به نیازمندان سرچشمه‌ی خیر و برکت و آثار ابدی یوده‌اند. (شاید بتوان شرط مبارک بودن را اقامه نماز و پرداخت زکات دانست.)

۴- رابطه با خدا (انجام نماز)، از رابطه با محرومان (پرداخت زکات) جدا نیست. «بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ»

۵- نماز و زکات، در طول عمر تعطیل بردار نیست «مَا دُمْتُ حَيًّا»

مسئولیت خانواده

﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾

و همواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می‌کرد و پیوسته نزد پروردگارش مورد رضایت بود. (مریم، ۵۵)

نکته‌ها:

مقام رضوان و رضایت، بزرگ‌ترین خواسته و هدف انبیا است. «وَ اجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»^۱، «وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»

در حدیث می‌خوانیم: چون اهل بهشت در بهشت مستقر شوند، خطاب می‌رسد آیا حاجت دیگری دارید؟ می‌گویند: «ربنا رضاك» پروردگارا! رضای تو هدف ماست.^۱

پیام‌ها:

۱- پیامبران، علاوه بر مسئولیت اجتماعی، مسئولیت تربیت عبادی خانواده را هم دارند. «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ» (از میان مسائل تربیتی، نماز نقش بسیار مهمی دارد که مقدم بر هر چیزی آمده است).

۲- سفارش به نماز و زکات، از وظایف پدر خانواده است. «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ» (با اینکه سفارش به نماز در خانواده‌ها کم و بیش هست، اما سفارش به زکات نیست).

۳- امر به نماز و زکات، از مصادیق امر به معروف است. «وَ كَانَ يَأْمُرُ»

۴- نماز و زکات، در ادیان دیگر هم بوده و سابقه‌ای بس طولانی دارند. «وَ كَانَ يَأْمُرُ...»

۵- نماز (ارتباط با خالق) و زکات (ارتباط با مخلوق)، از هم جدا نیست. (عبادت بدنی به تنهایی شرط کمال نیست). «بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ»

۶- در امر به معروف و توصیه به نماز، باید از نزدیکان شروع کنیم. «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ»

۷- ارشاد و توصیه به نماز باید دائمی باشد، نه مقطعی و گذرا. «وَ كَانَ يَأْمُرُ...»

۱. تفسیر اطیب البیان، ذیل آیه.

بی‌نمازان گمراه

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾

آنگاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوسها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید. (مریم، ۵۹)

نکته‌ها:

«خَلَفَ»، فرزند صالح را گویند و «خَلْفٌ» فرزند ناصالح است. کلمه‌ی «غی» در مقابل رشد است. «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۱ ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می‌خواند، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است.^۲ در روایتی می‌خوانیم: همین که حضرت رسول ﷺ این آیه را تلاوت می‌فرمودند، منقلب شده، فرمودند: بعد از ۶۰ سال، گروهی نماز را ضایع خواهند کرد.^۳ اگر این سخن در اوایل سال اوّل هجری گفته شده باشد، سال ۶۰ همان سال شهادت امام حسین علیه السلام و سال به قدرت رسیدن یزید است.

پیام‌ها:

- ۱- گاهی فرزندان و نسل آینده، زحمتهای پدران صالح اهل نماز را تباه می‌کنند. (گاهی از خوبان، نسل نااهل بی‌نماز پیدا می‌شود) «خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»
- ۲- نماز محور دین است. (برای نشان دادن چهره‌ی نسلی به نسل دیگر، ضایع

۳. تفسیر نمونه.

۱. بقره، ۲۵۶.
۲. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۷۲.

کردن نماز آنان را نشان می‌دهد) «فَخَلَفَ .. خَلْفُ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»

۳- نماز، سدّی است میان انسان و شهوت‌ها و اگر این سدّ شکسته شود، پیروی از شهوت‌ها برای انسان آسان می‌شود. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»

۴- کسی که از رابطه با خدا (نماز) جدا شد، به شهوات پیوند می‌خورد. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»

۵- بی‌نماز و رونق یافتن شهوات، غیّ و گمراهی است. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ... يَلْقَوْنَ غَيًّا»

۶- کيفر ضایع کردن نماز، سردرگمی است. «يَلْقَوْنَ غَيًّا» (رشد واقعی در سایه‌ی معنویت است)

اولین دستور خدا

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾

همانا منم الله، جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را

بپادار تا به یاد من باشی. (طه، ۱۴)

پیام‌ها:

۱- در نظام الهی، شناخت، اساس عمل و عبادت است. «إِنِّي أَنَا اللَّهُ فَاعْبُدْنِي»

۲- شناخت اصول دین، بر انجام فروع دین مانند نماز مقدّم است. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي» توحید نظری مقدّم بر توحید عملی است.

۳- عبادت باید خالصانه باشد. ارزش عبادت به میزان خلوص آن است.

﴿فَاعْبُدْنِي﴾

۴- توحید در رأس همه عقاید و نماز در رأس همه عبادات است. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ»

- ۵- نماز، اولین دستور کار و برنامه‌ی عملی انبیاست. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»
 ۶- نماز، در ادیان دیگر (حضرت موسی) نیز بوده است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»
 ۷- هدف از اقامه نماز، تنها رعایت قالب آن نیست، بلکه توجه به قلب آن، یعنی احساس حضور است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»
 ۸- برپایی نماز به خاطر یاد اوست، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» و یاد او موجب آرامش دلهاست. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ چنانکه یاد ما از خدا، سبب یاد خدا از ماست. «فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۲
 ۹- توجه به قیامت، سبب برپایی نماز می‌شود. «أَقِمِ الصَّلَاةَ... إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ» در قیامت از نماز می‌پرسند.

مسئولیت و پشتکار

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾

وخواننده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می‌دهیم، و سرانجام (نیکو) برای (اهل) تقوا است. (طه، ۱۳۲)

نکته‌ها:

در روایات متعددی آمده است که پس از نزول این آیه، پیامبر ﷺ تا چندین ماه در رب خانه‌ی حضرت علی و فاطمه علیهما السلام را می‌زدند و در آستانه در یادآور نماز شده و می‌فرمودند: «الصلاة» آنگاه به قرائت آیه تطهیر می‌پرداختند.^۳

هرگاه وضع زندگی رسول خدا ﷺ تنگ می‌شد، این آیه را تلاوت می‌فرمود، آنگاه به افراد خانه دستور می‌دادند تا نماز بخوانند.^۱

«اصْطَبِرْ عَلَيْهَا» یعنی هم در انجام نماز وهم در امر به آن تأکید و پایداری کن.

پیام‌ها:

- ۱- امر به معروفی مانند نماز، در خانواده و نزدیکان، وظیفه بزرگان. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ»
- ۲- رهبر جامعه‌ی اسلامی نباید از خانواده خود غافل باشد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»
- ۳- مرد نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادی آنان کافی نیست. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ»
- ۴- از مهم‌ترین زمینه‌های تربیت عبادی و امر به معروف، خانواده و نزدیکان انسان است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ...» (دایره‌ی اهل، به زن و فرزند منحصر نیست، بلکه همه‌ی افراد خاندان را شامل می‌شود).
- ۵- مبلّغ و مربیان و شخصیت‌ها باید در مرحله‌ی اوّل به تبلیغ و تربیت نمازی خانواده خود پردازند. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ»
- ۶- اوّلین مرحله‌ی تربیت، کانون خانواده و اهتمام آنان به نماز است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» فرمان به نماز از میان سایر واجبات، رمز بیمه شدن اعضای خانواده است.
- ۷- زرق و برق دنیا فریبنده است، راهکار عدم وابستگی به آن حتی برای شخص پیامبر، پناه بردن به نماز است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» (و آیه قبل).
- ۸- یکی از مصادیق روشن و بلند معروف، نماز است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»
- ۹- موضوع نماز در خانواده دارای اهمیت خاصی است، باید والدین بر آن اصرار کنند. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (در تحقیقاتی که از جامعه‌ی

۱. تفسیر المیزان، ذیل آیه.

دانش آموزی و نوجوان و جوان شده است، درصد بالایی از آنان علت توجه به نماز خود را توجه خانواده‌های خویش به آن دانسته‌اند.)

۱۰- امر به معروف و تربیت عبادی خانواده و فرزندان، مداومت و پایداری لازم دارد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»

۱۱- خداوند از نماز و عبادت ما سودی نمی‌برد، ثمره‌ی آن به خود ما باز می‌گردد. «لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا»

۱۲- سفارش به نیکی‌ها و نماز باید جدی و همراه بیان آثار باشد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ ... وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»

۱۳- نماز، زمینه‌ساز پاکدامنی و تقواست. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ ... وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»
و حسن عاقبت در سایه‌ی تقوای الهی است، نه مادیات.

ماموریت پیشوایان

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند و به آنان، انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکات را وحی کردیم و آنان فقط ما را عبادت می‌کردند. (انبیاء، ۷۳)

پیام‌ها:

۱- نماز و زکات در میان کارهای خیر، جایگاه ویژه‌ای دارند. «فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءَ الزَّكَاةِ»

۲- نماز و زکات، دو رکن اساسی در همه ادیان بوده است. «إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءَ الزَّكَاةِ»

۳- بدون نماز و زکات، انسان به درجه بندگی خدا نمی‌رسد. «إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»

۴- رهبران الهی، عابدان و بندگان مخلص خدا هستند. «كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»
 ۵- نعمت‌های الهی، ما را از بندگی خدا غافل نسازد. انبیا با اینکه به مقام رهبری «جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً» نائل آمدند، اما با این وجود، باز بنده‌ی خدا هستند. «وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»

عر دین و عبادت از سیاست جدا نیست. «جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ... كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»



﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمُقِمِّي الصَّلَاةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾

(مُحِبِّتین) کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل‌هایشان از خوف (خداوند) می‌لرزد و بر آنچه (از سختی‌ها) به آنان می‌رسد مقاومت و برپاکنندگان نمازند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (حج، ۳۵)

نکته‌ها:

آیه سیمای محبتین یعنی بندگان متواضع مخلصی که پیامبر به آنان بشارت داده را توضیح می‌دهد که دل‌هایشان مملو از خوف پروردگار و در برابر حوادث دردناک زندگیشان شکیبا و در عمل اهل نماز و انفاق می‌باشند.

یاد خدا هم آرام‌بخش و هم برای اهل ایمان مخلص، خوف‌آور است، همانند کودکی که با یاد والدین، هم آرام می‌گیرد و هم از آنان پروا می‌کند و حساب می‌برد.

پیام‌ها:

- ۱- ترس از خدا و پروای درونی، ارزشی که با صبر و نماز و انفاق تکمیل می‌شود.
«وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ... الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ... يُنْفِقُونَ»
- ۲- زیربنای انجام وظیفه بعد از تقوا، مقاومت و صبر، اهل نماز و انفاق بودن است.
«وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ... الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ... يُنْفِقُونَ»
- ۳- سیره و نشانه بندگان خالص خداوند، اهل نماز و انفاق بودن است. «الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ... يُنْفِقُونَ» (آیه در توصیف محبتین آیه قبل است)
- ۴- رابطه با خدا (نماز)، از رابطه با محرومان (انفاق) جدا نیست. «وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ... يُنْفِقُونَ»

اولین وظیفه حاکمان

﴿الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند؛ و پایان همه‌ی امور برای خداست. (حج، ۴۱)

نکته‌ها:

اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کند و اگر در اختیار ناهالان قرار گیرد سوء استفاده می‌کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف

می‌روند ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»^۱ و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند، «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْخَرْثَ وَ النَّسْلَ»^۲ و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشاند. «أُئِمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۳

پیام‌ها:

- ۱- پیروزی مؤمنان، زمینه‌ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می‌کند و غفلت و غرور را از بین می‌برد. «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ...»
- ۲- برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است، آنان هر کجا که توان پیدا کنند، برپایی نماز را اولین هدف و برنامه عملی خود پیاده می‌کنند. «فِي الْأَرْضِ»
- ۳- اولین ثمره‌ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...»
- ۴- رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ...»
- ۵- اقامه‌ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. «أَقَامُوا» نه «یقیمون»
- ۶- حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی و عبادی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ...»

۷- جامعه‌ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا

الصَّلَاةَ» و آیه قبل: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»

- ۸- امر و نهی شما، زمانی در جامعه موثر است که اول به وظایف فردی خود بخصوص نماز عمل کنید. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ»
- ۹- اقامه‌ی نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد. «إِنْ مَكَانَهُمْ ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ»
- ۱۰- زکات، همتای ناگسستنی نماز است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ» (در ۲۸ آیه‌ی قرآن، زکات در کنار نماز آمده است).

راه رستگاری

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید. (حج، ۷۷)

نکته‌ها:

با اینکه رکوع و سجود از مصادیق عبادت هستند ولی در این آیه نام آن دو در کنار «وَ اعْبُدُوا» آمده که نشانه‌ی اهمیت نماز و این دو رکن نماز است. برای سعادت انسان دو برنامه مطرح شده و رستگاری او در انجام هر دو نوع عمل است:

الف: برنامه‌های ثابت مانند رکوع و سجود و عبادت‌های دیگر.

ب: برنامه‌های متغیر و تابع زمان و مکان که در هر زمان کار خیر مصداق خاصی دارد. «آمَنُوا ارْكَعُوا ... وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ»

- ۱- کار خیر (و ابتکارات و اختراعات و خدمات)، زمانی مؤثر است که در سایه‌ی ایمان و بندگی خدا باشد. «أَمِنُوا ارْكَعُوا ... وَ أَفْعَلُوا الْخَيْرَ»
- ۲- حتی با رکوع و سجود و تعبد و کار خیر، رستگاری خود را قطعی ندانید، زیرا آفت غرور و حبط عمل در کار است. «لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ»
- ۳- فلاح و رستگاری، آخرین مرحله‌ی تکامل است که بعد از انجام عبادات و نماز و کارهای خیر باید امید آن را داشت. «لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ»

سیمای اسلام

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ﴾

و در راه خدا جهاد کنید چنان که شایسته جهاد (در راه) اوست، او شما را (بر همه امت‌ها) برگزید و در دین (اسلام) هیچ گونه دشواری بر شما قرار نداد، آیین پدرتان ابراهیم (را پیروی کنید)، او که شما را از قبل مسلمان نامید و در این (کتاب نیز مطلب چنین است) تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید، پس نماز بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا تمسک جویند، که او مولا و سرپرست شماست، پس چه خوب سرپرستی است و چه خوب یاورى. (حج، ۷۸)

نکته‌ها:

می‌دانیم که گواه بودن، به علم و عدالت نیاز دارد و همه‌ی مردم نه عادلند و نه آگاه که بتوانند بر دیگران شاهد باشند، بنابراین، مراد از گواه بودن مسلمانان که در این آیه عنوان شده است، بعضی از آنان هستند که هم به اعمال و رفتار مردم علم دارند و هم امین و عادلند و چنین افرادی همان گونه که در روایات می‌خوانیم، اهل بیت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام هستند که اعمال و رفتار ما بر آنان عرضه می‌شود.

خداوند در آغاز سوره حج، از زلزله عظیم قیامت و عذاب شدید الهی یاد کرد و در پایان سوره از جهاد و نماز و زکات سخن گفت و یادآور شد که او برای همه بندگانش، مولا و سرپرست و یآوری نیکوست، این نکته به ما می‌آموزد که برای نجات از خطرهای زلزله‌ی عظیم قیامت و عذاب شدید الهی، بنده‌ی او باشیم و به او پناه ببریم که «فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ».

نفی «حَرْج» به معنای سخت نبودن احکام الهی نیست، زیرا در همین آیه که می‌فرماید: جهاد کنید آن گونه که حق جهاد است. و ناگفته پیداست که جهاد کار بس سختی است. پس مراد از نبودن حرج در دین آن است که اسلام بن بست ندارد. مثلاً در فرمان جهاد افراد بیمار، لنگ، نابینا، سالمند و زنان و کودکان و ناتوانان معافند، ولی دفاع با همه‌ی سختی آن وظیفه است یا درباره نماز به توان فرد در ایستاده و نشسته و خوابیده خواندن.

پیام‌ها:

۱۲۰

۱- اسلام، دین آسان و احکام آن انعطاف پذیر و طبق توان افراد است. در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، شایستگی اجرا شدن را دارد. «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ»

۲- پیامبر اکرم ﷺ بر اعمال ما گواه است. «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً» (توجه به این نکته بهترین انگیزه برای حضور در میدان‌های جهاد و اهتمام به نماز و کمک به دیگران است)

۳- نماز سیمای دین اسلام است. پس از معرفی دین اسلام به عنوان دین برگزیده و جایگاه پیامبر، از میان تمام اعمال دینی نماز نام برده شده است.

۴- قرار گرفتن نماز در کنار جهاد و زکات، بیانگر اهمیت آن در میان تمام واجبات و عظمت آن در نگاه خدا و رسول است.

۵- نماز و زکات، تشکر از خداوند است. (باید به شکرانه‌ی برگزیدگی و سابقه و لیاقت و گواه بودن امت اسلام، نماز به پا داشت.) «فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ...»

۶- تنها به برگزیده بودن و نام اسلام و مسلمانی تکیه نکنیم، با نماز و زکات و تمسک به خدا، این افتخارات را پاسداری کنیم. «فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ»

رستگاری حتمی

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ . الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾

قطعاً مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع

دارند. (مؤمنون، ۲۰۱)

نکته‌ها:

در قرآن، یازده مورد کلمه‌ی فلاح (رستگاری) با کلمه‌ی «لَعَلَّ» (شاید) همراه است: «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» لکن در سه مورد بدون این کلمه و به طور حتمی مطرح شده است، یکی در همین سوره و یکی در سوره‌ی شمس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و دیگری در سوره‌ی اعلی: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى». از مقایسه این سه مورد با یکدیگر، روشن می‌شود که ایمان و تزکیه دارای جوهر واحدی هستند.

در هر اذان و اقامه‌ی نمازهای یومیّه جمله‌ی «حی علی الفلاح» را بیست بار بر زبان می‌آوریم و هدف نهائی را با فریاد رسا اعلام می‌کنیم، تا راه را گم نکنیم. اسلام می‌گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»^۱ کسانی رستگارانند که ایمان و تزکیه‌ی نفس داشته باشند، ولی کفر می‌گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى»^۲ فرعون می‌گفت: امروز هر کس زور و برتری دارد رستگار است. کلمه‌ی «فلاح» به معنای رستن است، شاید دلیل اینکه به کشاورز، «فلاح» می‌گویند آن باشد که وسیله‌ی رستن دانه را فراهم می‌کند. شخصی در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر او در دل خشوع داشت، در عمل این گونه نماز نمی‌خواند.^۳ امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از خشوع در نماز، فرو نهادن چشم است.^۴

پیام‌ها:

- ۱- رستگاری مؤمنان اهل نماز، حتمی است. «قَدْ أَفْلَحَ»
- ۲- ایمان، شرایط و نشانه‌هایی دارد و نماز خشعانه، در رأس آن است. «الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ... فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»
- ۳- در نماز، حالت و کیفیت خاشعانه آن مهم است. «خَاشِعُونَ»

نشانه وارثان بهشت

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ . أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ﴾

و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند. آنان وارثانند. (مؤمنون، ۱۰۰:۹)

۳. تفسیر کنزالدقائق.

۴. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۶۴.

۱. اعلی، ۱۴.

۲. طه، ۶۴.

پیام‌ها:

۱- در معرفی سیمای مؤمنان، نماز هم در ابتدا مطرح شد: «فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» هم در پایان «عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» این تکرار و تأکید، نشان اهمیت آن است.

تاجران نمونه

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾

مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، به خود مشغول نمی‌سازد، آنها از روزی که در آن، دلها و چشم‌ها دگرگون می‌شود، بیمناکند. (نور، ۳۷)

نکته‌ها:

کلمه «رِجَالٌ» در این آیه شامل همه بندگان خدا می‌شود، چه مرد و چه زن. «تجارت»، داد و ستد دائمی برای به دست آوردن سود است، ولی «بَيْعٌ» خرید و فروش مقطعی برای رفع نیازهای زندگی است.^۱

در حدیث می‌خوانیم: مراد از کسانی که در این آیه یاد شده، تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می‌کنند و به سوی نماز می‌روند.^۲ تجارت، تنها عاملی نیست که انسان را سرگرم کند و از یاد خدا بازدارد، عوامل دیگری نیز در قرآن ذکر شده است، از جمله: تکاثر، آرزو، فرزند و دوست بد.

پیام‌ها:

۱. مردان و زنانی که تجارت آنان را غافل نکند، بزرگ مردانی با عظمت نزد خدا هستند. («رِجَالٌ» با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است)

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. تفسیر المیزان.

۲. اگر ایمان و اراده‌ی قوی باشد، ابزار و وسائل اثری در غفلت انسان از یاد خدا ندارند. «لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ»

۳. بازار اسلامی، هنگام نماز باید تعطیل شود. «لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ»

۴. حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. «لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ»

۵. ترک تجارت، ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است. «لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ ... عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ ...» (مردان خدا برای زندگی دنیوی تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند).

۶. ایمان به آخرت، دنیا را نزد نمازگزار کوچک می‌کند. «لَا تُلْهِیْهِمْ ... يَخَافُونَ يَوْمًا»
۷. با این که نماز ذکر خداست، ولی به خاطر اهمیت، جداگانه مطرح شده است. «ذِكْرُ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ»

۸. نماز و زکات، در کنار یکدیگرند و کسانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. «إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ»

نماز همه موجودات

﴿أَمْ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾

آیا ندیدی که هر که در آسمان‌ها و زمین است و پرندگان بال گشوده (در حال پرواز) برای خدا تسبیح می‌گویند، و هر یک نیایش و تسبیح خود را می‌دانند؟ و خداوند به آنچه می‌کند،

داناست. (نور، ۴۱)

قرآن، بارها مسأله‌ی تسبیح موجودات و سجده و نماز آنها را با صراحت بیان کرده و فرموده است: شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید.^۱ از این آیات به دست می‌آید که علم و شعور، مخصوص انسان‌ها نیست. گرچه بعضی مفسران تسبیح موجودات هستی را تسبیح تکوینی و زبان حال آفرینش دانسته‌اند، ولی ظاهر آیات بر خلاف این مطلب است.

خداوند، در آیه چند مرتبه به صورت غیرمستقیم، به انسان هشدار داده است:

الف: موجودات آسمان و زمین در حال تسبیح هستند. چرا انسان غافل است؟!
 ب: تسبیح موجودات، آگاهانه است. چرا انسان در نماز حضور قلب ندارد؟!
 ج: پرندگان، هنگام پرواز در هوا در حال تسبیح و نمازند، اما برخی انسان‌ها هنگام پرواز در آسمان، در حال غفلت و مستی به سر می‌برند!

در روایات می‌خوانیم: امام صادق (علیه السلام) هنگامی که صدای گنجشکی را شنید فرمود: این پرنده مشغول دعا و تسبیح است.^۲

پیام‌ها:

- ۱- تنها به خود نیندیشید، به اطراف خود هم بنگرید و در هستی نیز مطالعه و اندیشه کنید و ببینید همه‌ی موجودات، شعور دارند و نماز و تسبیح آنها، آگاهانه است. «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ»
- ۲- در میان موجودات هستی، پرندگان، آن هم در حال پرواز، توجّه خاصی به خدا دارند. «وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ»
- ۳- نماز، در صورتی ارزش دارد که نمازگزار بداند چه می‌گوید و چه می‌کند. «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ»

هـ۔ نماز و تسبیح هر موجودی به صورت خاصی است. «صَلَاتُهُ وَ تَسْبِيحُهُ»
 عـ توجه به علم خداوند بر جزئیات تمام اعمال، زمینه اهتمام به نماز است. «عَلَيْهِمْ
 بِمَا يَفْعَلُونَ»

عامل جلب رحمت

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

و نماز را به پا دارید و زکات را پردازید و از پیامبر اطاعت کنید.
 شاید مورد رحمت قرار گیرید. (نور، ۵۶)

نکته‌ها:

امام صادق علیه السلام با تلاوت این آیه فرمود: زکاتِ فطره، مصداق زکات در آیه و پرداخت آن واجب است.^۱

پیام‌ها:

- ۱- اقامه نماز و ادای زکات، نمونه بارز عمل صالحی است که در حاکمیت مؤمنان انجام می‌شود. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ ...» و آیه قبل «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»
- ۲- در اسلام، مسائل عبادی «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» و مسائل مالی «آتُوا الزَّكَاةَ» و مسائل سیاسی و حکومتی «أَطِيعُوا الرَّسُولَ» از یکدیگر جدا نیستند.
- ۳- شرط رسیدن به رحمت خداوند، اقامه نماز، پرداخت زکات و پیروی از رسول است. «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»

﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾

(مؤمنان) کسانی هستند که نماز بر پامی دارند و زکات می پردازند و تنها ایشانند که به آخرت یقین دارند. (غل، ۳)

نکته‌ها:

خداوند در توصیف مؤمنان، آنان را اهل نماز و کمک به نیازمندان که به آخرت قین دارند معرفی کرده است.

«زکات» در اینجا به معنای کمک به نیازمندان به هر شکل است. زیرا این سوره در مکه نازل شده و دستور زکات رسمی در مدینه صادر شده است.

پیام‌ها:

- ۱- برای ترویج خوبی‌هایی مثل نماز و انفاق، از خوبان تجلیل کنیم. «الَّذِينَ ...»
- ۲- در تجلیل، محور کردار مردم است، نه نام و عنوان آنها. «يُقِيمُونَ ... يُؤْتُونَ»
- ۳- نماز و زکات، نشانه ایمان است. (در ادامه آیه قبل) «لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ»
- ۴- نمازی ارزش دارد که با شرایط صحت و کمال انجام گیرد. «يُقِيمُونَ» (معنای اقامه‌ی نماز، انجام دادن آن با شرایط است)
- ۵- رابطه با خداوند بر رابطه با مردم مقدم است. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (نماز، قبل از زکات آمده است)
- ۶- چون نماز و رابطه با خدا، زمینه‌ساز سایر کارهای خیر است، نام آن در ابتدا آمده است. «الصَّلَاةَ»

- ۷- تداوم عمل، به عمل ارزش می دهد. «يُقِيمُونَ - يُؤْتُونَ» (فعل مضارع نشانه‌ی استمرار و تداوم است)

- ۸- یکی از امتیازات اسلام این است که مسایل الهی و مردمی، معنوی و مادی، این جهانی و آن جهانی را در کنار هم قرار داده است. «الصَّلَاةَ - الزَّكَاةَ»
- ۹- در تبلیغ، اوّل کارهایی را مطرح کنید که برای مردم خرج ندارد. (اوّل نماز، بعد زکات) «الصَّلَاةَ - الزَّكَاةَ»
- ۱۰- مؤمن علاوه بر نماز، در برابر مسایل اجتماعی و نیاز محرومان و گرسنگان، احساس مسئولیت می‌کند. «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»
- ۱۱- نماز و زکاتی ارزش دارد که با ایمان به معاد همراه باشد. «وَهُمْ بِالْآخِرَةِ»
- ۱۲- مؤمنین برنده هستند؛ با نماز خودسازی می‌کنند و با زکات مشکلات جامعه را حل و با یقین به معاد، آینده‌ی خود را تأمین می‌کنند. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ... الزَّكَاةَ ... يُؤَقِنُونَ»
- ۱۳- اهل یقین به قیامت، تنها گروه خاصی از نمازگزاران و زکات دهندگان هستند. «هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» تکرار کلمه‌ی «هُمْ» نشانه‌ی این است که این گروه، گروه خاصی هستند.

بازدارنده از زشتی‌ها

﴿أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾

آنچه را از کتاب (قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را به‌پادار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر بازمی‌دارد و البته یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (عنکبوت، ۴۵)

در این آیه خداوند به پیامبرش دستور تلاوت قرآن و نماز را در کنار هم داده و این به خاطر آن است که قرآن و نماز دو منبع نیروبخش می‌باشند. خداوند که به پیامبرش از یک مسئولیت سنگین خبر می‌دهد، «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»^۱ به او می‌فرماید: برای انجام این مسئولیت سنگین، از دو منبع نیروبخش کمک بگیر: یکی تلاوت قرآن. «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۲ و دیگری نماز شب. «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً»^۳

البته علاوه بر این آیه، نماز و قرآن، بارها در کنار هم آمده است؛ از جمله: «يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۴ و «يُحْسِنُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۵ برای جمله «لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» چند معنا بیان شده است: الف: نماز، بزرگ‌ترین ذکر الهی است. به دلیل آیهی «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۶ که نماز را ذکر خداوند می‌داند.

ب: یاد خدا (و حضور قلب)، بالاتر از ظاهر نماز است.

ج: یاد خدا برای انسان از همه کارها برتر است.

د: یاد خدا، برای جلوگیری از فحشا و منکر بالاتر از هر اهرم دیگر است.

ه: یاد خدا از شما، بزرگتر از یاد شما از خدا است. (البته این معنا با توجه به

روایات در ذیل آیه «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۷ برداشت شده است.^۸)

به پیامبر اکرم ﷺ گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم خلاف می‌کند، فرمود: «ان صلاته تنهاه يوما»^۹ بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد.

۱. مزمل، ۵.

۲. مزمل، ۴.

۳. مزمل، ۶.

۴. فاطر، ۲۹.

۵. اعراف، ۱۷۰.

۶. طه، ۱۴.

۷. بقره، ۱۵۲.

۸. تفسیر نورالتقلین.

۹. تفسیر مجمع‌البیان.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام علیه السلام فرمود: «فبقدر ما منعه قبلت منه»^۱ به اندازه‌ای که نماز، انسان را از منکرات باز می‌دارد، به همان اندازه قبول می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- تنها آشنایی با مفاهیم، تلاوت و آموزش قرآن کافی نیست، بلکه عمل لازم است. «اتْلُ- أَقِمِ»
- ۲- قرآن و نماز، در رأس برنامه‌های تربیتی است. «اتْلُ- أَقِمِ»
- ۳- رابطه پیامبر با مردم از طریق تلاوت آیات قرآن و ابلاغ اوامر خداوند به آنان و رابطه او با خدا از طریق عبادت و نماز است. «اتْلُ- أَقِمِ»
- ۴- در تبلیغ و ارشاد، حکمت و آثار واجبات و دستورها دینی را بیان کنیم. «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»
- ۵- در پیشگاه خداوند، نماز از عظمت و جایگاه خاصی برخوردار است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ» (تکرار کلمه‌ی «صلاة»)
- ۶- نقش اصلاحی نماز در فرد و جامعه حدسی و پیشنهادی نیست، بلکه قطعی است. «إِنَّ الصَّلَاةَ» (کلمه‌ی «ان» و جمله‌ی اسمیه)
- ۷- اگر نماز انسان، او را از فحشا و منکر باز نداشت، باید در قبولی نماز خود شک کند. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى»
- ۸- گسترش کارهای نیک و معروف بخصوص اقامه نماز، به طور طبیعی مانع رشد منکر است. «الصَّلَاةُ تَنْهَى»
- ۹- در نماز، انواع راز و رمزها، هنرها و سلیقه‌ها نهفته است. «مَا تَصْنَعُونَ»

نماز و بازدارندگی از منکرات

سؤال: چگونه نماز فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می‌دارد؟

پاسخ: ۱. ریشه‌ی تمام منکرات غفلت است و خداوند در آیه ۱۷۹ سوره‌ی اعراف، انسان غافل را از حیوان بدتر شمرده است. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» و نماز چون یاد خدا و بهترین وسیله‌ی غفلت‌زدایی است، پس زمینه‌ی منکرات را از بین می‌برد.

۲. اقامه‌ی نماز و داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی است. چنانکه کسی که لباس سفید بپوشد، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند.

۳. در کنار نماز، معمولاً توصیه به زکات شده است، که فرد را از منکر بخل و بی‌تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از منکر فقر که زمینه‌ی رویکرد به منکرات است، رها می‌سازد.

۴. نماز، دارای احکام و دستوراتی است که رعایت هر یک از آنها انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد، مثلاً:

* شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد.

* رعایت شرط پاک بودن آب وضو، مکان، لباس و بدن نمازگزار، انسان را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌کند.

* شرط اخلاص، انسان را از منکر شرک، ریا و شُعه باز می‌دارد.

* شرط قبله، انسان را از منکر بی‌هدفی و به هر سو توجّه کردن باز می‌دارد.

* رکوع و سجده، انسان را از منکر تکبر باز می‌دارد.

* توجّه به پوشش مناسب در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی حفظ

می کند.

* توجه به عدالت امام جماعت، سبب دوری افراد از فسق و خلاف می شود.

* نماز جماعت، انسان را از گوشه گیری نابجا نجات می دهد.

* احکام و شرایط نماز جماعت، بسیاری از ارزش ها را زنده می کند از جمله: مردمی بودن، جلو نیافتادن از رهبر، عقب نماندن از جامعه، سکوت در برابر سخن حق امام جماعت، نظم و انضباط، ارزش گذاری نسبت به انسان های با تقوا، دوری از تفرقه، دوری از گرایش های مذموم نژادی، اقلیمی، سیاسی و حضور در صحنه که ترک هریک از آنها، منکر است.

* لزوم تلاوت سوره حمد در هر نماز، رابطه ی انسان را با آفریننده ی جهان، «رَبِّ الْعَالَمِينَ»، با تشکر، تعبد و خضوع در برابر او، «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» با توکل و استمداد از او، «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، با توجه و یادآوری معاد، «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» با رهبران معصوم و اولیای الهی، «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، با برائت از رهبران فاسد، «غَيْرِ الْمُعْضُوبِ» و رابطه ی انسان را با دیگر مردم جامعه «نَعْبُدُ وَ نَسْتَعِينُ» بیان می کند که غفلت از هریک از آنها منکر، یا زمینه ساز منکری بزرگ است.

نشانه نیکوکاران

﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

(نیکوکاران) آنان که نماز به پا می دارند و زکات می پردازند و تنها آنان به آخرت یقین دارند. آنان بر هدایتی از پروردگارشان هستند

و هم آنانند رستگاران. (لقمان، ۴. ۵)

نکته‌ها:

این آیه نیکوکاران («مُحْسِنِينَ» آیه قبل) را چنین توصیف می‌کند: نیکوکار کسی است که هم به مسائل معنوی (نماز) توجه دارد و هم به مسائل اقتصادی (نماز). نماز، جامع همه‌ی کمالات معنوی است مانند: طهارت، تلاوت قرآن، اقرار به توحید و نبوت و ولایت، ذکر و دعا، سلام، قیام، رکوع، سجود و توجه به حق؛ و زکات جبران همه‌ی کاستی‌های مادی است.

پیام‌ها:

- ۱- نماز و زکات، از یکدیگر جدا شدنی نیستند. «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»
- ۲- اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات باید سیره‌ی دائمی باشد. («يُقِيمُونَ» و «يُؤْتُونَ»، در قالب مضارع آمده که نشان استمرار است).
- ۳- چون اسلام دین جامعی است، تکلیف‌های آن نیز جامع و همه‌جانبه است. تکلیف بدنی: «نماز»، مالی: «زکات» و قلبی: «یقین». «الصَّلَاةَ، الزَّكَاةَ، يُوقِنُونَ»
- ۴- ارتباط با خدا (اقامه‌ی نماز) و ارتباط با مردم (پرداختن زکات)، همراه با ایمان به قیامت ارزشمند است. «وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»
- ۵- اقامه نماز و پرداخت زکات، زمینه‌ی بهره‌گیری از هدایت قرآن را فراهم می‌سازد. «الَّذِينَ يُقِيمُونَ ... وَ يُؤْتُونَ ... أُولَئِكَ عَلَى هُدًى»
- ع- رستگاری، مخصوص کسانی است که اهل نماز، زکات و یقین به آخرت باشند. «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

سؤالات بخش سوم

۱. کدام گزینه بیانگر آن است که مسئولان علاوه بر رفاهیات و مسکن مردم، باید به اقامه نماز آنان نیز توجه کنند؟
(الف) انفال آیه ۳ (ب) یونس، آیه ۸۷ (ج) هود، آیه ۱۱۴ (د) حج، آیه ۴۱
۲. بر اساس روایت، امیدبخش ترین آیه قرآن کدام است؟
(الف) آیه ۴۸ سوره نساء (ب) آیه ۵۳ سوره زمر
(ج) آیه ۱۱۰ سوره نساء (د) آیه ۱۱۴ سوره هود
۳. نمازی که فرشتگان شب و روز آن را مشاهده می کنند و نمازی که هیچ کس جز خدا پاداش آن را نمی داند؟
(الف) نماز شب - نماز شب (ب) نماز صبح - نماز شب
(ج) نماز اول وقت - نماز جماعت (د) نماز جماعت - نماز جماعت
۴. از خطرات بی نمازی و بی توجهی به نماز که در آیه ۵۹ سوره مریم بیان شده است؟
(الف) هجوم مشکلات و گرفتاری ها (ب) رونق پیدا کردن شهوات
(ج) رواج منکرات و بلاها (د) خشکسالی و گرانی
۵. اولین برنامه عملی و دستور کار پیامبران الهی کدام است؟
(الف) نماز (ب) شناخت خدا (ج) یکتاپرستی مردم (د) الف و ب
۶. پس از نزول این آیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا ماهها به درب خانه حضرت علی و زهرا علیهما السلام آمده و یادآور نماز می شدند؟
(الف) آیه ۱۴ سوره طه (ب) آیه ۱۳۲ سوره طه
(ج) آیه ولایت (د) آیه تطهیر
۷. کدام آیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را گواه بر اعمال ما و نماز را سیمای دین معرفی کرده است؟
(الف) ۸۷ هود (ب) ۷۸ حج (ج) ۳ فتح (د) ۴ محمد
۸. آیه ۳۷ سوره نور بیانگر کدام گزینه است؟
(الف) تعطیلی بازار هنگام نماز (ب) حرمت نگاه به نامحرم
(ج) شرایط بازسازی مساجد (د) عدم جدایی دین از سیاست
۹. با توجه به روایت، مصداق زکات در آیه ۵۶ سوره نور کدام است؟
(الف) انفاق واجب (ب) صدقه و انفاق (ج) زکات فطره (د) زکات واجب
۱۰. امام صادق علیه السلام معیار تشخیص قبولی یا رد نماز هر فرد را کدام گزینه بیان فرمودند؟
(الف) حضور قلب در نماز (ب) بازدارندگی از فحشا و منکر
(ج) توجه به محرومان (د) کسالت یا نشاط در نماز

سفارشی حکیمانه

﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی‌ها به تو می‌رسد مقاومت کن که این (صبر) از امور واجب و مهم است. (لقمان، ۱۷)

نکته‌ها:

مراد از «عَزَمَ» در اینجا، یا عزم و اراده‌ی قطعی خداوند بر انجام این امور است و یا لزوم عزم و تصمیم جدی انسان بر انجام آنها.

با این که در قرآن، ۲۸ مورد در کنار نماز از زکات یاد شده؛ اما در این جا کنار نماز امر به معروف ذکر شده است. شاید به خاطر آن که در این آیه مورد خطاب فرزند است و فرزندان معمولاً ثروتی ندارند که زکات بپردازند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: در مشقت و سختی‌هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو می‌رسد، صبر کن.^۱

صبر، گاهی در برابر مصیبت است، «وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ. الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا هَذَا الَّذِي كُنَّا نَعْتَقِدُ»^۲ گاهی در برابر انجام وظیفه، «وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ» و گاهی در برابر گناه، چنانکه یوسف در زندان گفت: «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ...» پروردگار! زندان نزد من بهتر از ارتکاب گناهی است که

مرا به آن می خوانند، تا آنجا که فرمود: «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۱

پیام‌ها:

۱- یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان، سفارش به نماز است. «یا بُنَّیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۲- پاکسازی درونی را با دوری از شرک و بازسازی روحی را با نماز آغاز کنیم. «لَا تُشْرِكْ ... أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۳- وجوب امر به معروف و نماز، مخصوص دین اسلام نیست. (قبل از اسلام نیز، لقمان سفارش به نماز کرده است) «یا بُنَّیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۴- فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز، مؤمن و خدایی، و از طریق سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، افرادی مسئول و اجتماعی تربیت کنیم. «یا بُنَّیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۵- آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببریم که معروف‌ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند. «یا بُنَّیَّ- وَ أْمُرْ- وَ أَنَّهُ»

۶- بعد از توجه به مبدأ و معاد، مهم‌ترین عمل، نماز است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۷- کسی که می‌خواهد در جامعه امر و نهی کند و قهراً با هوس‌های مردم درگیر شود، باید به وسیله‌ی نماز خودسازی و خود را از ایمان سیراب کند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۸- فرزندان خود را علاوه بر اقامه کننده نماز و امر به معروف و ناهی از منکر بار آوریم. «وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ...»

۹- در مسیر حق بودن کافی نیست، لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت

کنیم. «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» چنانکه در سوره عصر می‌خوانیم: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ»

سیمایی از نماز

به مناسبت سفارش به نماز در آیه، مختصری پیرامون این فریضه توضیح می‌دهیم:
* نماز، ساده‌ترین، عمیق‌ترین و زیباترین رابطه‌ی انسان با خداوند است که در تمام ادیان آسمانی بوده است.

* نماز، تنها عبادتی است که سفارش شده قبل از آن، خوش صداترین افراد بر بالای بلندی رفته و با صدای بلند، شعار «حی علی الصلاة، حی علی الفلاح، حی علی خیر العمل» را سر دهند، با اذان خود سکوت را بشکنند و یک دوره اندیشه‌های ناب اسلامی را اعلام و غافلان را بیدار کنند.

* نماز به قدری مهم است که حضرت ابراهیم علیه السلام هدف خود را از اسکان زن و فرزندش در صحرای بی‌آب و گیاه مگه، اقامه‌ی نماز معرفی می‌کند، نه انجام مراسم حج.

* امام حسین علیه السلام ظهر عاشورا برای اقامه‌ی دو رکعت نماز، سینه‌ی خود را سپر تیره‌های دشمن قرار داد.

* قرآن، به حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام دستور می‌دهد که مسجد الحرام را برای نمازگزاران آماده و تطهیر نمایند. آری، نماز به قدری مهم است که زکریّا و مریم و ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام خادم مسجد و محل برپایی نماز بوده‌اند.

* نماز، کلید قبولی تمام اعمال است و امیرالمؤمنین علیه السلام به استنادارش می‌فرماید: بهترین وقت خود را برای نماز قرار بده و آگاه باش که تمام کارهای تو در پرتو

نماز قبول می‌شود.^۱

* نماز، یاد خداست و یاد خدا، تنها آرام‌بخش دلهاست.

* نماز، در بیشتر سوره‌های قرآن، از بزرگ‌ترین سوره (بقره) تا کوچک‌ترین آن (کوثر) مطرح است.

* نماز، از هنگام تولّد در زایشگاه که در گوش نوزاد اذان و اقامه می‌گویند تا پس از مرگ که در گورستان بر مرده نماز می‌خوانند، جلوه می‌کند.

* هم برای حوادث زمینی مانند زلزله و بادهای ترس‌آور آمده و هم برای حوادث آسمانی مانند خسوف و کسوف، نماز آیات واجب گشته و حتی برای طلب باران، نماز باران آمده است.

* نماز، انسان را از انجام بسیاری منکرات و زشتی‌ها باز می‌دارد.^۲

در نماز، تمام کمالات به چشم می‌خورد که ما چند نمونه از آن را بیان می‌کنیم:
* نظافت و بهداشت را در مسواک زدن، وضو، غسل و پاک بودن بدن و لباس می‌بینیم.

* جرأت، جسارت و فریاد زدن را از اذان می‌آموزیم.

* حضور در صحنه را از اجتماع در مساجد یاد می‌گیریم.

* توجّه به عدالت را در انتخاب امام جماعت عادل می‌یابیم.

* توجّه به ارزشها و کمالات را از کسانی که در صف اوّل می‌ایستند، به دست می‌آوریم.

* جهت‌گیری مستقل را در قبله احساس می‌کنیم. آری، یهودیان به سوی و

مسیحیان به سوی دیگر مراسم عبادی خود را انجام می‌دهند و مسلمانان باید

مستقل باشند و لذا به فرمان قرآن، کعبه، قبله‌ی مستقل مسلمانان می‌شود، تا استقلال در جهت‌گیری آنان حفظ شود.

* مراعات حقوق دیگران را در این می‌بینیم که حتی یک نخ غصبی، نباید در لباس نمازگزار باشد.

* توجّه به سیاست را آنجا احساس می‌کنیم که در روایات می‌خوانیم: نمازی که همراه با پذیرش ولایت امام معصوم نباشد، قبول نیست.

* توجّه به نظم را در صف‌های منظمّ نماز جماعت و توجّه به شهدا را در تربت کربلا و توجّه به بهداشت محیط را در سفارش‌هایی که برای پاکی و نظافت مسجد و مسجدی‌ها داده شده است، می‌بینیم.

* توجّه به خدا را در تمام نماز، توجّه به معاد را در «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، انتخاب راه را در «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، انتخاب همراهان خوب را در «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، پرهیز از منحرفان و غضب شدگان را در «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ»، توجّه به نبوّت و اهل‌بیت پیامبر ﷺ را در تشهد و توجّه به پاکان و صالحان را در «السلام علينا و علی عباد الله الصالحين» می‌بینیم.

* توجّه به تغذیه‌ی سالم را آنجا می‌بینیم که در حدیث آمده است: اگر کسی مشروبات الکلی مصرف کند، تا چهل روز نمازش قبول نیست.

* آراستگی ظاهر را آنجا می‌بینیم که سفارش شده از بهترین لباس، عطر و زینت در نماز استفاده کنیم و حتی زنها وسایل زینتی خود را در نماز همراه داشته باشند.

* توجّه به هوس را آنجا می‌بینیم که در حدیث می‌خوانیم: اگر میان زن و شوهری کدورت باشد و یا یکدیگر را بیازارند و بد زبانی کنند، نماز هیچ کدام پذیرفته نیست.

امام خمینی قدس سره فرمود: «نماز، کارخانه‌ی انسان‌سازی است».

تجارتی پایدار

﴿إِنَّ الدِّينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾

همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز بر پا می دارند و از آن چه ما روزیشان کرده ایم، پنهان و آشکار انفاق می کنند، به تجارتی دل بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد. (فاطر، ۲۹)

نکته ها:

در آیه قبل سخن از این بود که تنها علما خشیت الهی دارند، گویا این آیه سیمای علمای واقعی را شرح می دهد که آنان: انس با قرآن دارند. نماز به پا می دارند و انفاق آنان خالصانه است زیرا هم علنی انفاق می کنند و هم پنهانی و اگر ریاکار بودند تنها علنی انفاق می کردند.

«تَبُورَ» از «بوار» به معنای کساد شدیدی در تجارت است. از آنجا که این امر موجب فساد و نابودی است به هلاکت هم بوار گفته می شود.

در قرآن بارها نماز و قرآن، در کنار هم مطرح شده اند: «يُسْتَكُونُ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۱ به کتاب آسمانی تمسک می کنند و نماز به پا می دارند.

«يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۲ کتاب خداوند را تلاوت می کنند و نماز به پا می دارند.

«أَثَلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ»^۳ آنچه از کتاب به سوی تو

وحی شده تلاوت کن و نماز به پا دار.

امتیازات تجارت با خدا

۱- آنچه از سرمایه داریم، (سلامتی، علم، عمر، آبرو، مال و ...) از اوست پس به خود او بفروشیم. آری، اگر فرزندی زمین و مصالح و پولی از پدر گرفت و منزلی ساخت بعد افرادی خریدار منزلش شدند که یکی از آنان همان پدر بود، عقل و وجدان می گوید خانه را به پدر بفروشد، زیرا خود فرزند و تمام دارایی هایش از اوست و فروش به بیگانه جوافردی نیست.

۲. خداوند به بهای بهشت ابدی می خرد، ولی دیگران هر چه بخزند، ضرر و خسارت است، چون ارزان می خردند و زودگذر است.

۳. خداوند کم را می پذیرد، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» ولی دیگران کم را نمی پذیرند.

۴. او با عفو و اغماض، عیب جنس را می پوشاند و با همان نواقص می خرد. در دعای تعقیب نماز می خوانیم: خداوندا! اگر در رکوع و سجود نمازم خلل و نقصی است نادیده بگیر و نمازم را قبول فرما. در دعای ماه رجب می خوانیم: «خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ»، باختند کسانی که در خانه غیر تو آمدند و خسارت کردند کسانی که به سراغ دیگران رفتند.

پیام ها:

۱- تلاوت قرآن (گرچه مستحب است)، اما قبل از واجباتی همچون نماز و زکات آمده است. «يَتْلُونَ ... أَقَامُوا ... أَنْفَقُوا»

۲- فکر و فرهنگ، مقدمه عمل و توجه به نماز است. «يَتْلُونَ كِتَابَ - أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۳- کسی که عاشقانه مکتب را بپذیرد، نماز و انفاقش قطعی است. (تلاوت کتاب به صورت مضارع آمده که نشانه تداوم عمل و علاقه به تلاوت است، «يَتْلُونَ» ولی نماز و انفاق به صورت ماضی آمده که نشانه قطعی بودن انجام آن است.)

«أَقَامُوا- أَنْفَقُوا»

۴- نماز، باید با رسیدگی به محرومان همراه باشد. «أَقَامُوا- أَنْفَقُوا»

۵- مورد انفاق، تنها مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به مردم کمک کرد. «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»

۶- امید به رستگاری، باید با فکر و عمل و نماز و انفاق همراه باشد و گرنه امید بدون کار، پنداری بیش است. «يَتْلُونَ، أَقَامُوا، أَنْفَقُوا، يَرْجُونَ»

۷- با داشتن علم و خشیت الهی (که در آیه قبل بود) و با تلاوت قرآن و اقامه نماز و کمک به محرومان، باز هم خود را مستحق ندانید، تنها امیدوار باشید. «يَرْجُونَ»

۸- در فرهنگ اسلام، دنیا بازار است و انسان فروشنده و نعمت‌های الهی، سرمایه و انتخاب مشتری با انسان است. او می‌تواند با خدا معامله کند و می‌تواند غیر خدا را انتخاب کند.

نماز و مشورت

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پا داشته و کارشان با مشورت میانشان انجام می‌گیرد و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. (شوری، ۳۸)

نکته‌ها:

مشورت در مسائلی است که مربوط به مردم باشد، ولی در اموری که مربوط به خداوند است نظیر بعثت، امامت و عبادت، جای مشورت نیست. نماز پیمان الهی است، «الصلاة عهد الله» عهد خدا را باید انجام داد و نیازی به مشورت

ندارد. امامت و رهبری امت نیز عهد الهی است، زیرا همین که حضرت ابراهیم از خداوند درخواست کرد که نسل او رهبر جامعه شود، خداوند فرمود: رهبری و امامت پیمان و عهد من است و سپردن آن مربوط به گزینش من است نه دعای تو و اگر از شخصی ظلمی سرزند لایق رهبری نیست، «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» پس در رهبری امت، باید تسلیم او باشیم، چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» امامت به انتخاب من است.

پیام‌ها:

- ۱- شیفتگان نماز و انفاق، از نعمت‌های برتر و ابدی قیامت برخوردارند. (به دنبال آیه قبل فرمود: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا...»)
- ۲- توجه به ربوبیت خداوند سبب شیفتگی انسان نسبت به انجام دستورات الهی بخصوص نماز است. «اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ»
- ۳- اجابت دعوت خدا، باید با عمل باشد نه ادعا. «اسْتَجَابُوا... أَقَامُوا»
- ۴- مؤمن اهل عبادت و نماز، استبداد ندارد، اهل انزوا نیست و به رأی دیگران احترام می‌گذارد. «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»
- ۵- آنچه مورد سفارش است، اقامه نماز است نه فقط خواندن نماز. (یعنی انجام باشکوه نماز با تمام شرایط) «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»
- ۶- حساب نماز از سایر عبادات جداست. (با اینکه نماز جزو امور موجب استجاب رب است، ولی نام آن جداگانه آمده است.) «اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ»
- ۷- نماز، تکبر را؛ مشورت، استبداد را و انفاق، بخل را در جامعه محو می‌کند. «الصَّلَاةُ، شُورَى، يُنْفِقُونَ» (انفاق مخصوص مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به دیگران کمک کرد.)

اهمیت نماز جمعه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنگاه که برای نماز روز جمعه ندا داده شد، پس به سوی یاد خدا (نماز) شتاب کنید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است، اگر بدانید. (جمعه، ۹)

نکته‌ها:

رسول گرامی اسلام در معراج مشاهده فرمود که فرشتگان برای کسانی که روز جمعه به نماز جمعه حاضر شوند و غسل جمعه کنند، طلب مغفرت می‌نمایند.^۱
در اسلام، در میان روزها، روز جمعه از اهمیت خاصی برخوردار است:
جمعه، عید مسلمانان است.^۲

جمعه روز ظهور امام زمان (علیه السلام) و پایان غیبت است: «يُخْرِجُ قَائِمَنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ»^۳
هرکس روز جمعه به زیارت قبر پدر و مادر یا یکی از آنها برود، گناهانش بخشیده و نام او در زمره نیکان نوشته می‌شود.^۴

برای کسی که در روز جمعه به نظافت پردازد و ناخن و موی سر و صورت خود را کوتاه کند و مسواک زند ... و به سوی نماز جمعه برود، هفتاد هزار فرشته او را بدرقه کنند و برای او استغفار و شفاعت نمایند.^۵

۴. صلاة الجمعة، ص ۲۴۵.

۵. مستدرک، ج ۶ ص ۴۶.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶ ص ۹۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۶۶.

۳. کمال الدین، ص ۱۶۴.

جایگاه نماز جمعه

اولین اقدام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه، اقامه نماز جمعه بود. نمازی که دعوت به آن با جمله «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده است. نمازی که با جمله «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» مردم به اقامه آن ترغیب شده‌اند. نمازی که فرمان ترک داد و ستد را به همراه دارد. نمازی که در روایات، هم وزن حج شمرده شده است. «فانها حج المساکین»^۱ نمازی که بعد از خطبه‌اش دعا مستجاب می‌شود.^۲ نمازی که با تکیه امام جمعه به اسلحه اقامه می‌شود. نمازی که سبک شمردن و استخفاف آن، نشانه‌ی نفاق شمرده شده است. نمازی که در آن امام جمعه باید مردم را به تقوا سفارش کند. نمازی که در آن مردم از مسایل جهان آگاه می‌شوند. نمازی که باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را فردی خواند. نمازی که سفارش شده تسهیلاتی برای حضور زندانیان مالی در آن فراهم شود.^۳ نمازی که سزاوار است سفر به خاطر حضور در آن به تأخیر افتد. حضرت علی علیه السلام در نامه به حارث همدانی می‌فرماید: روز جمعه مسافرت مکن تا در نماز حاضر شوی مگر سفری که در راه خدا باشد و یا کاری که به انجام آن معذوری.^۴ نمازی که سفارش شده از روز قبل، خود را برای حضور در آن آماده کنید. حضرت علی علیه السلام از اینکه روز پنج شنبه دارویی مصرف کنند که سبب ضعف (و عدم شرکت در نماز) در روز جمعه شود، مردم را نهی می‌فرمودند^۵ و امام باقر علیه السلام

۴. نهج البلاغه، نامه ۶۹.

۵. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۷.

۱. تهذیب، ج ۳، ص ۲۳۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶.

در وصف یاران پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: آنان از روز پنج شنبه خود را برای نماز جمعه آماده می‌کردند.^۱

نمازی که ثواب شرکت در آن برای مسافر، بیش از ثواب افرادی است که مقیم همان شهرند.^۲

نمازی که یک شب مانده به انجام آن، به تلاوت آیات آن سفارش شده است. در روایات سفارش شده که در نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه تلاوت شود که به نوعی تذکر و یادآوری و آماده شدن برای نماز جمعه است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هر قدمی که مؤمن به سوی نماز جمعه بر می‌دارد، خداوند هول و هراس روز قیامت را از او کم می‌کند.^۳

نماز جمعه کفّاره گناهانی است که انسان در طول هفته انجام می‌دهد، البته مادامی که گناهان کبیره را رها کند.^۴

کسی که کارگری را دارد او را از رفتن به نماز جمعه باز ندارد که گناه می‌کند.^۵ هرکس سه جمعه پی در پی بدون عذر موجّه نماز جمعه را ترک نماید، نام او به عنوان منافق ثبت می‌شود. «من ترک الجمعة ثلاثة متتابعة لغير علة كتب منافقا»^۶ و در روایت دیگری می‌خوانیم هر کس به غیر از بیماری و عذر موجه دیگری سه جمعه در نماز جمعه حضور نیابد، خداوند بر قلب او مُهر می‌زند.^۷

هر کس نتوانست در نماز جمعه شرکت کند، پس مبلغی را صدقه دهد (تا کفّاری عدم حضور او در نماز جمعه باشد).^۸

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: هر کس در زمان حیات و یا پس از مرگ من،

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۲.

۴. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۶.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۷.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۰۷.

۷. کنز العمال، حدیث ۲۱۱۴۷.

۸. کنز العمال، حدیث ۲۱۱۳۹.

نماز جمعه را از روی انکار یا استخفاف و سبک شمردن ترک کند، خداوند کارش را جمع نمی‌کند، در امورش برکت قرار نمی‌دهد و حج و صدقه او قبول نیست، مگر آن که توبه کند.^۱

هنگامی که امام جمعه برای خواندن خطبه می‌ایستد، بر مردم لازم است که سکوت کنند^۲ و نماز نخوانند^۳ و با ادب بنشینند.^۴

پیام‌ها:

۱- برای دعوت مردم به عبادت و نماز باید بسترسازی کرد. (در ابتدای سوره قبل از دستور به شرکت در نماز جمعه، سخن از تسبیح موجودات است.) «يُسَبِّحُ لِلَّهِ ... فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»

۲- حضور در نماز جمعه، نشانه ایمان است. «الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ ...»

۳- نماز، مایه‌ی ذکر خدا است. «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ ... فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»

۴- برای حضور در نماز جمعه، شتاب کنید. «لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا»

۵- برای حضور در نماز جمعه، باید موانع موجود را برطرف کرد. «وَذَرُوا الْبَيْعَ» (رها کردن کسب و کار و تجارت از باب نمونه است و گر نه همه کارها را باید در هنگام نماز، رها کرد و در نماز جمعه حضور یافت.)

ع- در تربیت دینی، هم تشویق لازم است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»

هم فرمان لازم است، «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»

هم نهی لازم است، «ذَرُوا الْبَيْعَ»

هم استدلال لازم است. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ»

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹.

۴. کنز العمال، ج ۷، ص ۷۴۶.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۶.

﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ . الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾

مگر نمازگزاران. آنان که بر نمازشان مداومت دارند. (معارج، ۲۲-۲۳)

نکته‌ها:

در آفرینش انسان، امور متضادّ قرار داده شده و این رمز تکامل است. نفس، انسان را به بدی سوق می‌دهد: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»^۱ ولی عقل، انسان را از آن باز می‌دارد: «كَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى»^۲ و رشد انسان در انتخاب میان این تقابلهاست که به تربیت و تزکیه انسان می‌انجامد.

بر اساس روایات، بهترین عمل آن است که تداوم داشته باشد.^۳ «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»

پیام‌ها:

- ۱- راه نجات از اخلاق ناپسند، مداومت به نماز است. «إِلَّا الْمُصَلِّينَ»
- ۲- طبع مادی انسان به سوی حرص و بخل میل دارد و نماز و یاد خدا آن را مهار می‌کند. «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» و آیات قبل «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً»^۴.
- ۳- انسان بدون نماز مضطرب است. «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» و آیات قبل.
- ۴- آثار نماز در گرو مداومت بر آن است. «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»

مراقبت ویژه

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ . أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ﴾

و آنان که بر نمازشان مراقبت دارند. اینان در بهشت‌ها گرامی داشته می‌شوند. (معارج، ۳۴-۳۵)

نکته‌ها:

در آیات ۲۲ تا ۳۵ سوره معارج، سیمای امت اسلامی و جامعه ایده‌آل ترسیم شده است:

- * رابطه دائمی و کامل با خداوند از طریق نماز دارند.
- * به مشکلات محرومان توجه دارند و بخشی از مال خود را حق آنان می‌دانند.
- * به خاطر ایمان به معاد و ترس از حساب، بر افکار و گفتار و رفتارشان تقوا حاکم است.
- * به امانت‌ها و تعهداتشان پایبندند.
- * نسبت به حقوق مردم قیام می‌کنند و اگر برای شهادت و گواهی دعوت شوند ردّ نمی‌کنند.
- * در ارضای غریزه جنسی، به دنبال راه حلال و تشکیل خانواده و نسل پاک هستند.

* نسبت به نمازشان، به شدت مراقب و مواظب هستند.

این آغاز و پایان نشان می‌دهد که در میان تمام این اوصاف توجه به نماز برترین و مهمترین آنها است.

شاید مراد از عبارت «عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»^۱ ترک نکردن و مراد از «عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» جدی گرفتن نماز باشد. همچون انتظار نماز، وضو گرفتن قبل از رسیدن وقت، با جماعت و در مسجد خواندن نماز و مراعات شرایط صحت و قبولی و کمال نماز.^۲

پیام‌ها:

- ۱- نشانه ایمان، تنها نماز و انفاق نیست، رعایت عهد و پیمان‌های اجتماعی نیز شرط ایمان است. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»
- ۲- آغاز و پایان تمام کمالات، توجّه به نماز است. در آغاز فرمود: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» و در پایان فرمود: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»

جایگاه مسجد

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾

و اینکه مساجد برای خداوند است پس (در آنها) با خداوند احدی را نخوانید. (جن، ۱۸)

نکته‌ها:

«مساجد» جمع «مسجد» به معنای محل سجده است. امام صادق علیه السلام فرمود: چون یهود و نصاری در مراکز عبادت خود به خدا شرک می‌ورزیدند، خداوند فرمود: در مساجد اسلامی با خداوند احدی را نخوانید و خدا لعنت کند کسی که به مسجد احترام نگذارد.^۳

در جمله «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» دعا به معنای عبادت است، به دلیل آیه «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي»^۱ بنابراین خواندن غیر خدا به عنوان عبادت او حرام است، اما خواندن عادی شرک نیست.

نکاتی چند پیرامون مسجد

۱. اول بنای روی کره زمین مسجد بود. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا»^۲

۲. جایگاه مسجد باید از قداستی برخوردار باشد. چنانکه مؤمنان گفتند: بر مزار اصحاب کهف مسجدی بنا می کنیم: «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»^۳

۳. اولین کار پیامبر در مدینه، ساختن مسجد بود. «لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ»^۴

۴. بیش از ده مرتبه نام مسجدالحرام در قرآن آمده است.

۵. خداوند، مسجد را خانه خود دانسته و برترین مردم، یعنی ابراهیم و اسماعیل، دو پیامبر بزرگ را خادم آن قرار داده است. «طَهَّرَا بَيْتِي»^۵

۶. برای حضور در مسجد، سفارش زینت شده است. «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۶

۷. اگر ساخت مسجد بر اساس تقوا نباشد، و مسجد، عامل تفرقه گردد، باید خراب شود. «مَسْجِدًا ضِرَارًا»^۷

۸. قداست مسجد تا آنجاست که هر کسی حق ساخت و تعمیر مسجد را ندارد.

«مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ»^۸ و این امر، مخصوص مؤمنان متقی

۵. بقره، ۱۲۵.

۶. اعراف، ۳۱.

۷. توبه، ۱۰۷.

۸. توبه، ۱۷.

۱. غافر، ۶۰.

۲. آل عمران، ۹۶.

۳. کهف، ۲۱.

۴. توبه، ۱۰۸.

است. «إِنَّمَا يَغْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ»^۱

۹. مسجد و سایر مراکز عبادت یهود و نصاری (دیرها و صومعه‌ها و معابد) به قدری ارزش دارد که برای حفظ آنها، باید خون داد «كُلِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ»^۲

۱۰. مسجد آدابی دارد از جمله این که با صدای بلند در آن گفتگو نشود، سخنان باطل مطرح نشود، از خرید و فروش صحبتی نشود و از مطالب لغو دوری گردد.
۱۱. برای هر گامی که به سوی مسجد برداشته شود، پاداش است.

۱۲. نشستن در مسجد به انتظار نماز پاداش دارد.

۱۳. مسجدی که در آن نماز خوانده نشود، نزد خدا شکایت می‌کند.

۱۴. همسایه مسجد اگر نمازش را در مسجد نخواند، ارزشی ندارد.

۱۵. خداوند به خاطر اهل مسجد، عذاب را از دیگران برطرف می‌کند.^۳

۱۶. امام جواد (علیه السلام) در پاسخ به چگونگی حکم حدّ سرقه فرمود: فقط چهار انگشت قطع شود. زیرا قرآن می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ» و آنچه در سجده روی زمین قرار گیرد، نباید قطع شود.^۴

پیام‌ها:

۱- مسجد مکان‌های عبادت برای خداست. «أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ»

۲- هفت موضعی که هنگام سجده بر زمین نهاده می‌شود مخصوص خداست و سجده برای غیر خدا ممنوع است. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ»

۳- جایی که به قصد مسجد ساخته شد و در آن نماز خوانده شد، احکام ویژه‌ای

۳. موارد ۱۰ تا ۱۵ بر اساس روایاتی است که در میزان الحکمه باب مسجد آمده است.
۴. وسائل الشیعه، کتاب حدود، حدّ سرقه.

۱. توبه، ۱۸.

۲. حج، ۴۱.

- پیدا می کند. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»
- ۴- از نظر قرآن، برخی مکان ها مانند مسجد و محل عبادت می تواند قداست مخصوص داشته باشد. «أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا...»
- ۵- احدی را در کنار خدا و هم ردیف خدا نخوانید. «فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»

عقاب نازکان نماز

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ . قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾

(اهل بهشت از مجرمان جهنمی می پرسند:) چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. گویند: ما از نمازگزاران نبودیم. (مدثر، ۴۳: ۴۲)

نکته ها:

علت دوزخی شدن جهنمیان از زبان خودشان: زیرا ما از نمازگزاران نبودیم. و افراد مسکین را اطعام نمی کردیم و با اهل باطل در سخنان باطل فرو می رفتیم. و پیوسته روز قیامت را تکذیب می کردیم تا آن که مرگ به سراغ ما آمد و در آن حالت جان دادیم.

نمازی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار نمی دهد. «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» یعنی نماز ما استمرار نداشت. در سوره ماعون نیز آمده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱ و این چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی دهد. «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»^۲ و این همان حدیث معروف امام صادق (علیه السلام) است که در آستانه شهادت فرمودند که بستگانم را حاضر کنید و خطاب به آنان فرمودند: کسی که به نماز اهمیت نمی دهد،

مشمول شفاعت ما نمی‌شود. «لَا يَنَالُ شِفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»^۱

پیام‌ها:

۱- کسی با یک بار گناه به دوزخ نمی‌رود اصرار و مداومت به گناه و فساد، سبب رفتن به دوزخ است. (عبارت «لَمْ نَكْ» و «كُنَّا» نشانه استمرار فعل است.)

رستگاری واقعی

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى . وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾

به راستی رستگار شد آن کس که خود را (از پلیدی‌ها) پاک گردانید. نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. (اعلی، ۱۴، ۱۵)

نکته‌ها:

تزکیه، آن است که فکر از عقاید فاسد و نفس از اخلاق فاسد و اعضا و جوارح از رفتار فاسد، پاک شود و زکات پاک کردن روح از حرص و بخل و مال از حقوق محرومان است.

در قرآن رستگاری قطعی، هم برای مؤمنان آمده: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»^۲ و هم برای کسانی که خود را تزکیه کرده و اهل نماز باشند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» پس مؤمن واقعی همان کسانی هستند که خود را تزکیه کرده و اهل نماز باشند.

پیام‌ها:

۱- قرآن در پایان برخی آیات می‌فرماید: امید است رستگار شوید. «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» زیرا کار خیر از افرادی که تزکیه نکرده‌اند، با ریا و غرور و گناه و منت‌گذاری محو می‌شود. ولی درباره تزکیه شدگان نماز گزار می‌فرماید: قطعاً رستگارند. «قَدْ أَفْلَحَ

مَنْ تَزَكَّى»

۲- تزکیه بدون نماز و عبادت نمی‌شود. «تَزَكَّى، ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»

دشمنان نماز

﴿رَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى . عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ (علق، ۹-۱۰)

آیا دیدی آن که منع می‌کند. بنده‌ای را که نماز می‌خواند.

نکته‌ها:

مراد از عبدی که نماز می‌خواند «عَبْدًا إِذَا صَلَّى» چنانکه از آیات آخر سوره بر می‌آید، رسول خداست. از آنجا که این آیات، اولین آیاتی است که بر پیامبر نازل شده، پس آن حضرت قبل از رسیدن به مقام رسالت، نماز می‌خوانده است.^۱ در احادیث می‌خوانیم: ابوجهل از اطرافیان خود پرسید: آیا پیامبر در میان شما نیز برای سجده صورت به خاک می‌گذارد؟ گفتند: آری. گفت: سوگند به آنچه سوگند می‌خوریم، اگر او را در چنین حالی ببینم، با پای خود گردن او را له می‌کنم. زمانی که متوجه شد پیامبر در حال نماز است، تصمیم گرفت با لگد بر سر مبارک آن حضرت در سجده بکوبد، همین که نزدیک شد، با حالتی عجیب عقب نشینی کرد و به مشرکان گفت: وقتی به او نزدیک شدم، در مقابل خود خندق و گودال بزرگی از آتش دیدم.^۲

با اینکه مراد از «عَبْدًا» شخص پیامبر است، ولی نکره آوردن آن به خاطر تعظیم و بزرگداشت است. «عَبْدًا إِذَا صَلَّى»

- ۱- بازداشتن از نماز، روشن‌ترین نوع منکرات است. «يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى»
- ۲- طاغوتیان مخالف نمازند. «لَيُطْعَى- يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (رفتار ناروا زمانی مورد سرزنش قرار می‌گیرد که دوام داشته باشد).
- ۳- نشانه بندگی خدا، نماز است. «عَبْدًا إِذَا صَلَّى»
- ۴- طاغوت‌ها از بندگی خدا ناراحتند. (نه از افراد بی‌تفاوت و یا بنده هوسهای خود یا دیگران) «يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى»
- ۵- نام و نشان مهم نیست، عملکردها مهم است. (نام نهی کننده و نمازگزار نیامده است.) «يَنْهَى- صَلَّى»
- ۶- در برابر نهی و منع دیگران، شما اصرار بر انجام کارهای عبادی داشته باشید. «يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى» (از ابوچهل‌هائی که از نماز نهی می‌کنند پیروی نکن و به عبادت و سجده پرداز).
- امام رضا علیه السلام به استناد آیه آخر سوره علق فرمودند: نزدیک‌ترین حالات انسان نسبت به خداوند حالت سجده است.^۱

جاودانگی با نماز

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾

به اهل کتاب فرمانی داده نشده جز آنکه خدا را بپرستند در حالی
که دین را برای او خالص ساخته و گرایش به حق داشته باشند و
نماز را بپا دارند و زکات بپردازند و این است دین استوار. (بینه، ۵)

نکته‌ها:

«حُنَفَاءَ» جمع «حنیف» به معنای گرایش به حق است، در برابر کلمه
«جنیف» که به معنای گرایش به باطل است.

اگر آیه «ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» را در کنار آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ
اللَّهِ»^۱ بگذاریم می‌توان استفاده کرد که عبادت خالص و بی‌پیرایه و رابطه با خدا
(نماز) و کمک به دیگران (زکات)، از امور فطری هر انسانی است.

پیام‌ها:

- ۱- سلیقه‌ها و هوسهای دیگران متغیر است. دین پایدار و ثابت، سرسپردگی خالصانه
به خدای ثابت است. «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ... ذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ»
- ۲- ایمان بدون نماز و زکات استوار نیست. «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ
دِينُ الْقَيِّمَةِ»

- ۳- پیامبران، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کردند نه خود. «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا
اللَّهَ»

۴- خالص و بی پیرایه بودن، رمز بقا و جاودانگی است. «مُخْلِصِينَ ... الْقِيَمَةِ»

۵- فرمان توحید و نماز و زکات در تمام ادیان آسمانی بوده است. «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ ...»

سیاسکزاری ویژه

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ . فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ﴾

همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. (کوثر، ۲-۱)

نکته‌ها:

در روایات، برای کسی که این سوره را در نمازهای واجب و مستحب بخواند، سیراب شدن از حوض کوثر در قیامت، وعده داده شده است.^۱

کلمه «کوثر» از «کثرت» گرفته شده و به معنای خیر کثیر و فراوان است. و روشن است که این معنا می‌تواند مصادیق متعددی همچون وحی، نبوت، قرآن، مقام شفاعت، علم کثیر و اخلاق نیکو داشته باشد، ولی آیه آخر سوره، می‌تواند شهادی بر این باشد که مراد از کوثر، نسل مبارک پیامبر اکرم است. زیرا دشمن کینه‌توز با جسارت به پیامبر، او را ابتر می‌نامید و خداوند در دفاع از پیامبرش فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» دشمن تو، خود ابتر است.

هدیه کننده خداوند، هدیه گیرنده پیامبر و هدیه شده فاطمه است. لذا عبارت «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» به کار رفته که بیانگر عظمت خداوند و بزرگی هدیه اوست.

نماز جامع‌ترین و کامل‌ترین نوع عبادت و سپاسگزاری است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود. مسح سر و پا نیز شاید اشاره به آن باشد که انسان از سر تا پا بنده اوست. در نماز بلندترین نقطه بدن که پیشانی است، روزی سی و چهار بار بر زمین ساییده می‌شود تا در انسان تکبری باقی نماند. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه معروف خود فرمود: فلسفه و دلیل نماز پاک شدن روح از تکبر است. «تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ»

در قرآن سوره‌ای به نام کوثر داریم و سوره‌ای به نام تکاثر. اما کوثر ارزش است و تکاثر ضد ارزش، زیرا اولی عطیه الهی است که دنباله‌اش ذکر خداست: «أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ» و دومی یک رقابت منفی که دنباله‌اش غفلت از خداست. «أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ»

کوثر ما را به مسجد می‌برد برای نماز: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» و تکاثر ما را به گورستان می‌برد برای سرشماری مردگان. «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»

در عطای کوثر بشارت است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» و در تکاثر تهدیدهای پی در پی. «كَأَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»

کوثر، عامل رابطه با خالق است: «أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ» و تکاثر، وسیله‌ای برای سرگرمی با مخلوق. «أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ»

در ماجرای فتح مکه که مشرکان دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می‌شدند، خداوند تنها دستور تسبیح می‌دهد: «رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ» ولی برای عطا کردن کوثر می‌فرماید: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» نماز بگزار. گویا اهمیت کوثر از اسلام آوردن مشرکان بیش‌تر است.

عطای استثنایی در سوره استثنایی با الفاظ استثنایی:

عطا بی نظیر است، چون کوثر است؛

سوره بی نظیر است، چون کوچک‌ترین سوره قرآن است؛
و الفاظ بی نظیرند، چون کلمات «اعطینا»، «الْكَوْثَرُ»، «صَلِّ»، «الْحَزْرُ»،
«شَانِئَكَ» و «ابتر» تنها در این سوره به کار رفته و در هیچ کجای قرآن شبیه
ندارد.

بر اساس روایات، مراد از «وَالْحَزْرُ» آن است که به هنگام گفتن تکبیرها در
نماز، دستان تا مقابل گودی زیر گلو که محلّ نحر است، بالا آورده شود که این
زینت نماز است.^۱

پیام‌ها:

- ۱- نعمت‌ها حتی برای پیامبر اسلام مسئولیت‌آور است. «أَعْطَيْنَاكَ ... فَصَلِّ»
- ۲- در قرآن به نماز یا سجده شکر سفارش شده است. «فَصَلِّ»
- ۳- تشکر باید فوری باشد. «فَصَلِّ» (حرف فاء برای تسریع است)
- ۴- نوع تشکر را باید از خدا بیاموزیم. «فَصَلِّ»
- ۵- در نعمت‌ها و شادی‌ها خداوند را فراموش نکنیم. «أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ»
- ۶- آنچه می‌تواند به عنوان تشکر از کوثر قرار گیرد، نماز است. «فَصَلِّ»
- ۷- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می‌داند،
دین هم به همان فرمان می‌دهد. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ»
- ۸- چون عطا از اوست: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ» تشکر هم باید برای او باشد. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ»
- ۹- نماز و قربانی کردن، یکی از راههای تشکر از نعمت‌های الهی است. (زیرا
محرومان به نوایی می‌رسند). «وَالْحَزْرُ»

- ۱۰- هر که بامش بیش برفش بیشتر. کسی که کوثر دارد، قربانی گوسفند کافی

نیست باید شتر قربانی کند و بزرگ‌ترین حیوان اهلی را فدا کند. «وَ اِنْ حَرَّ»

۱۱- رابطه با خداوند (نماز)، بر رابطه با خلق مقدم است. فَصَلِ ... وَ اِنْ حَرَّ

۱۲- انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت و نماز باشد. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ اِنْ حَرَّ»

۱۳- شکر عطا گرفتن از خدا، علاوه بر نماز، عطا کردن به مردم است. «اَغْطِیْنَاكَ الْكَوْثَرَ ... وَ اِنْ حَرَّ»

۱۴- نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد، «لِرَبِّكَ» و انفاقی ارزش دارد که سخاوت‌مندانه باشد. «وَ اِنْ حَرَّ»

سوره ماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ . فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ . وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ . قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ . الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ . الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ . وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾

آیا کسی که قیامت را انکار می کند دیده‌ای؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می‌راند. و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی‌کند. پس وای به حال نمازگزاران. آنان که از نمازشان غافلند. آنان که پیوسته ریا می‌کنند. و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) باز می‌دارند.

نکته‌ها:

این سوره سیمای افراد منفی را معرفی می‌کند:

کسانی که نسبت به دین، دیدگاه منفی دارند. «يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ»
نسبت به یتیم و مسکین منفی هستند و آنان را طرد می‌کنند. «يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يَحْضُ»

در عبادت و نماز منفی هستند و اخلاص ندارند. «سَاهُونَ يُرَاؤُنَ»

در خدمت به مردم منفی هستند. «يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

مراد از «دین» در اینجا روز قیامت است، مانند «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

«دع» راندن همراه با خشونت و «حَضُّ» تشویق و ترغیب دیگران است.

مراد از تکذیب دین و معاد در این سوره، تکذیب قلبی است، نه قولی؛ زیرا مخاطب سوره، کسانی هستند که نماز می‌خوانند ولی نمازشان همراه با ریا و خودنمایی و سهو و غفلت است.

«ماعون» به معنای ابزار و وسایلی است که معمولاً همسایگان به یکدیگر عاریه می‌دهند تا آنکه نیازشان برطرف شود. مثل ظروف غذاخوری در مهمانی‌ها. دین یک مجموعه به هم پیوسته است. نمازش از اطعام مسکین و رسیدگی به محرومین جدا نیست.

در روایات، «سَاهُون» به معنای سستی، ترک و ضایع کردن نماز آمده است.^۱ حساب حضور در نماز جماعت، به خاطر حفظ شعائر الهی، از حساب ریا و خودنمایی به خاطر اهداف نفسانی جداست.

در حدیث می‌خوانیم: کسی که از دادن لوازم منزل خود به همسایگان دریغ ورزد، خدا روز قیامت لطف خود را نسبت به او دریغ خواهد کرد.^۲ البته در حدیث دیگری می‌خوانیم که پرسیدند: ما همسایگانی داریم که هرگاه وسائلی به آنان عاریه می‌دهیم، می‌شکنند یا خراب می‌کنند، آیا گناه است که به آنان ندهیم؟ حضرت فرمود: در این صورت مانعی ندارد.^۳

در حدیث می‌خوانیم: هر کس به اوقات نماز بی‌اعتنائی کند و نماز را در اول وقت نخواند، ویل دارد.^۴

امام صادق علیه السلام فرمودند: ماعون، شامل قرض الحسنه و هر کار نیک درباره دیگران و در اختیار قراردادن وسائل خانه و از جمله زکات است.^۵

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر کنزالدقائق.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۴. تفسیر نورالثقلین.

۵. کافی، ج ۳، ص ۴۹۹.

سنگدلی انسان به جایی می‌رسد که:

نسبت به سخت‌ترین نوع فقر که مسکین است.

نسبت به ضروری‌ترین نیاز که خوراک است.

آن هم به مقدار مصرف نه ذخیره.

نه خود اقدامی می‌کند و نه دیگران را تشویق می‌کند.

نگاهی به مسئله ریا

ریا و شُعه دو خطر و آفت بزرگ هستند که افراد مؤمن را تهدید می‌کند. ریا آن است که انسان کاری را برای دیدن مردم انجام دهد و شُعه آن است که کاری را بجا آورد و هدفش آن باشد که کارش به گوش مردم برسد. این دو کار از نشانه‌های نفاق است. چنانکه قرآن درباره منافقان می‌فرماید: «إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُونَ النَّاسَ»^۱ چون به نماز می‌ایستند، نمازشان با کسالت و ریاکاری است، همان گونه که به دیگران کمک نمی‌کنند مگر در حال کراحت و نارضایتی. «وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ»^۲

بر اساس روایات، ریاکار ظاهری زیبا و باطنی مریض دارد؛ در ظاهر اهل خشوع و تواضع است، ولی در باطن دست از گناه بر نمی‌دارد. او در ظاهر گوسفند و در باطن گرگ است. به جای آنکه از دنیا آخرت را بدست آورد، از آخرت به سراغ دنیا می‌رود و از پرده‌پوشی خداوند سوء استفاده کرده و گناه می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سخت‌ترین عذاب‌ها برای کسی است که مردم در او خیر ببینند در حالی که در او خیری نیست. فرشتگان اعمال برخی انسان‌ها را بالا می‌برند، ولی خطاب می‌رسد: هدفش خدا نبوده است، آن را برگردانید.

در فرهنگ اسلامی، ریا، نوعی شرک است و امام صادق (علیه السلام) درباره کسی که عمل نیکی انجام دهد، اما نه برای خدا، بلکه برای اینکه مردم بشنوند و او را ستایش کنند، فرمود: او مشرک است، سپس آیه «لَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدٌ»^۱ را تلاوت فرمود.^۲

علامت ریاکار آن است که اگر ستایش شود کار نیکش را توسعه می دهد و اگر ستایش نشود از کار خود می کاهد. ناگفته نماند که این همه تویخ و انتقاد برای کسانی است که از ابتدا، کار را برای غیر خداوند انجام می دهند، ولی اگر انسان از آغاز هدفی جز خداوند نداشت، و مردم از کار او آگاه شدند، مانعی ندارد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: هیچ کس نیست مگر آنکه دوست دارد خوبی هایش در مردم ظاهر شود، به شرط آنکه از ابتدا نیت او مردم نباشد. «اذا لم یکن صنع ذلك لذلك»^۳

اخلاص

در برابر ریا و سمعه، اخلاص است که در حدیث می خوانیم: خداوند جز خالصان را نمی پذیرد «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»^۴ و هر کس چهل روز خود را خالص کند، چشمه های حکمت از قلب او به زبانش جاری می شود. «من اخلص لله اربعین صباحا ظهرت ینایع الحکمة من قلبه الی لسانه»^۵ و نشانه ایمان کامل آن است که حُب و بغض و بخشیدن و نبخشیدن برای خدا باشد و افضل عبادت اخلاص است و از فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل شده که فرمود: «من اصعد الی الله خالص عبادته اهبط الله عزّ و جلّ افضل مصلحته»^۶ هر کس عبادت خالص به درگاه

۴. زمر، ۳.

۵. جامع الاخبار، ص ۹۴.

۶. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۴۷.

۱. کهف، ۱۱۰.

۲. روایات، از میزان الحکمه بحث ریا.

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۹۷.

خداوند فرستاد، خداوند بهترین مصلحت او را برایش نازل می‌کند.

پیام‌ها:

۱- تکذیب عملی قیامت از سوی اهل ایمان، امری شگفت‌آور و جای سؤال است. «أَرَأَيْتَ الَّذِي»

۲- طرد یتیم انسان را از خدا دور می‌کند. «يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ... يَدْعُ الْيَتِيمَ»

۳- نشانه ایمان، یتیم نوازی و توجه به گرسنگان و محرومان است و هر کس بی‌توجه باشد بی‌دین است. «يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ... يَدْعُ الْيَتِيمَ»

۴- میان عقیده و عمل رابطه تنگاتنگ است. (مسائل جزئی مثل طرد یتیم را جزئی نگیرید که گاهی از مسائل مهمی مثل تکذیب دین خبر می‌دهد). «يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ... يَدْعُ الْيَتِيمَ»

۵- نیازهای عاطفی، مقدم بر نیازهای جسمی است. (اول محبت به یتیم، سپس سیر کردن مسکین) «يَدْعُ الْيَتِيمَ ... طَعَامِ الْمُسْكِينِ»

۶- هر نمازی ارزش ندارد و هر نمازگزاری بهشتی نیست. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»
۷- سهو اگر برخاسته از تقصیر و بی‌اعتنائی باشد، سرزنش دارد. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۸- سهو در نماز قابل جبران و بخشش است ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، قابل بخشش نیست. «عَنْ صَلَاتِهِمْ» (نه «فِي صَلَاتِهِمْ»)

۹- خطر آنجاست که کار زشت سیره دائمی انسان شود. «يُكَذِّبُ ... يَدْعُ ... لَا يَخْضُ» (قالب فعل مضارع بیانگر استمرار کار است)

۱۰- اخلاص، شرط قبولی نماز و عبادت است. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ ... يُرَاُونَ»

۱۱- اطعام فقرا مخصوص توانگران نیست، همه وظیفه دارند، گرچه از طریق تحریک و تشویق دیگران باشد. «لَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ»

۱۲- کسی که گاهی از نماز غافل می‌شود، مشمول ویل است، پس وضع تارکان دائم نماز چیست! «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ... عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۱۳- بی‌تفاوتی نسبت به نیازهای ضروری مردم کیفر دارد. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

۱۴- خدمت به مردم در کنار نماز است. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»
 ۱۵- غفلت از نماز، بستر غفلت از مردم است. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

۱۶- بی‌اعتنائی به گرسنگان، نشانه بی‌اعتقادی به قیامت است. «يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ... وَلَا يَخُصُّ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ»

۱۷- سهو از اصل و حقیقت نماز مهم است، نه از تعداد رکعات که گاهی عارض می‌شود و قابل جبران است. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۱۸- افرادی که از خدا جدا شوند، به دنبال کسب جایگاهی در نزد دیگران با ریا کاری هستند. «يُكَذِّبُ ... يُرَاؤُنَ»

۱۹- بخل، ویژگی منکران معاد است، که حتی از عاریه دادن چیزهای کوچک و ناچیز بخل می‌ورزند. «يُكَذِّبُ ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

سوره توحید

برخی از اهل کتاب و مشرکان، از پیامبر خواستند که خدایت را برای ما معرفی کن؛ این سوره که به منزله شناسنامه خداوند است، نازل شد و خداوند را از داشتن پدر و مادر یا فرزند و همسر و یا شبیه و شریک، پاک و منزّه دانست. این سوره شامل خالص‌ترین عقاید توحیدی است، از این رو سوره توحید و اخلاص نام گرفته است.

در فضیلت این سوره، روایات بسیاری وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:^۱

در هر شبانه روز، لااقل یکبار این سوره را در نمازهای خود بخوانید و پس از آن بگویید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي: پروردگار من چنین است.»

به گفته روایات، این سوره در اهمیت، به منزله یک سوم قرآن است. یک بار تلاوت آن، برابر تلاوت یک سوم قرآن و دوبار تلاوت آن، معادل دو سوم و سه بار تلاوت آن برابر تلاوت کل قرآن است.

رسول خدا ﷺ فرمود: سوره توحید مثل علی بن ابی طالب است که هر کس او را قلباً دوست دارد یک سوم ایمان را داراست و هر کس با قلب و زبان دوست بدارد دو سوم ایمان را دارد و هر کس با قلب و زبان و اطاعت در عمل، همراه او باشد ایمانش کامل است.

تلاوت این سوره به عنوان یکی از تعقیبات نماز به شمار آمده و در روایات

۱. مجموع روایات در تفسیر نورالثقلین، (ج ۵، ص ۶۹۹-۷۱۵) آمده است.

می‌خوانیم: هرکس تلاوت آن را بعد از هر نماز ترک نکند، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او می‌دهد و او و والدین و فرزندانش را می‌آمرزد. امام سجاده علیه السلام فرمود: چون خداوند می‌دانست که در دوره آخر الزمان گروهی دقیق و عمیق خواهند آمد، سوره توحید و شش آیه اول سوره حدید را نازل فرمود. تلاوت این سوره به شش سمت، سبب حفظ شدن انسان از خطرات و ایمن شدن از حوادث می‌گردد.^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

بگو: او خداوند یگانه است.

نکته‌ها:

کلمه «الله» از «وله» به معنای تحیر است، یعنی آفریده‌ها از درک حقیقت او عاجز و در شناخت ذات او واله و متحیرند. چنان که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: معنای الله آن است که او معبودی است که آفریده‌ها در او حیرانند، زیرا او از درک دیدگان مستور و از دسترس افکار و عقول، محجوب است.^۲ میان کلمه «واحد» و «أَحَدٌ» تفاوت است. «واحد» در جایی به کار می‌رود که ثانی و ثالث برای آن فرض شود، بر خلاف «احد» که در مورد یکتا و یگانه استعمال می‌شود. چنانکه اگر گفتی: یک نفر حریف او نیست، یعنی چند نفر حریف او می‌شوند، اما اگر گفتی: احدی حریف او نیست، یعنی هیچ حریفی

ندارد.

توحید، مرز میان ایمان و کفر است و ورود به قلعه ایمان بدون اقرار به توحید ممکن نیست. اولین سخن پیامبر کلمه توحید بود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». شعار توحیدی «لا اله الا الله» از سه حرف (الف، لام و ها) ترکیب شده و ذکر آن است که در گفتنش حتی لب تکان نمی خورد ولی عملش تا اطاعت از رهبری معصوم و جانشینان آنان ادامه دارد؛ زیرا شرط توحید طبق فرمایش امام رضا علیه السلام ایمان به امام معصوم و اطاعت از اوست.

در سفری که امام رضا علیه السلام با اجبار مأمون وادار به هجرت از مدینه به مرو شد، در مسیر راه وقتی به نیشابور رسید، مردم دور آن حضرت جمع شدند و از او هدیه و رهنمود خواستند.

امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش و او از اجدادش و آنان از پیامبر خدا نقل کردند که خداوند فرموده است: «کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی: توحید، قلعه من است و هر کس داخل این قلعه شود از قهر من در امان است.» آنگاه امام رضا علیه السلام فرمود:

البتّه توحید شروطی دارد و من (که امام حاضر هستم) شرط آن هستم، یعنی توحید بی ولایت پذیرفته نیست. در زمان غیبت امام معصوم نیز، بنا بر فرمان خودشان باید به سراغ فقهای عادل که از هوی و هوس دورند، برویم. بنابراین توحید کامل، ایمان به یکتایی خداوند، دور کردن فکر و عمل از هر نوع شرک و پیروی از رهبران معصوم در زمان حضور و فقهای عادل در زمان غیبت است.

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به فرزندش امام حسن علیه السلام می نویسد: «لو کان لربک شریک لأتتک رسله» اگر پروردگارت شریکی داشت، او نیز پیامبرانی

می‌فرستاد تا مردم او را بشناسند و بندگی‌اش کنند.^۱

دلیل یکتایی او، هماهنگی میان آفریده‌هاست. چنانکه امام صادق علیه السلام «اتصال التدبیر» را نشانه یکتایی آفریدگار می‌شمارد.^۲ هماهنگی میان خورشید و ماه و زمین و آب و باد و خاک و کوه و دشت و دریا با یکدیگر و هماهنگی همه آنها با نیاز انسان، نشانه یکپارچگی تدبیر در نظام هستی است. انسان اکسیژن می‌گیرد و کربن پس می‌دهد ولی گیاهان کربن می‌گیرند و اکسیژن پس می‌دهند. نیازهای طفل با محبت والدین و خستگی روز با خواب شب تأمین می‌شود. چشم که از پی ساخته شده با آب شور حفظ می‌شود و دهان که راه ورودی غذا به معده است، با آب شیرین که در هضم غذا مؤثر است، مرطوب می‌شود.

در جنگ جمل، یک صحرانشینی درباره معنای توحید از حضرت علی علیه السلام سؤال کرد. دیگر رزمندگان از او ناراحت شدند که اکنون این چه سؤال نابجایی است، اما آن حضرت فرمود: جنگ ما برای توحید است و آنگاه معنای صحیح توحید را برای او بیان فرمود.^۳

خداوند، نه فقط در ذات، بلکه در صفات نیز یکتاست. او مثل ما نیست که صفاتش از ذاتش جدا باشد. ما علم و قدرت داریم ولی در کودکی نداشتیم و در پیری نیز از دست می‌دهیم.

خداوند علم و قدرت دارد ولی این صفات برای او پیدا نشده، بلکه همراه ذات او بوده است، چنانکه صفت مخلوق بودن، عاجز بودن و فقیر بودن هیچ گاه از ما جدا نبوده و جدا نخواهد شد.

۳. تفسیر نورالثقلین.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. تفسیر نورالثقلین ج ۳، ص ۴۱۸.

پیام‌ها:

- ۱- پیامبران امین وحی‌اند؛ خدا به پیامبر فرمود: «قُلْ...» او نیز می‌گوید: «قل...»
- ۲- خداوند، در عین حضور، از دیدگان غایب است و قابل مشاهده نیست. «هُوَ» (اهل توحید عقیده دارند که «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»^۱ چشم‌ها او را درک نمی‌کند ولی او چشم‌ها را درمی‌یابد).
- ۳- به سؤالات اعتقادی باید پاسخ داد. «قُلْ هُوَ اللَّهُ...»
- ۴- عقاید حق را باید به دیگران اعلام کرد. «قُلْ هُوَ اللَّهُ...»
- ۵- خداوند در همه چیز یکتاست. در ذات و صفات، در علم و قدرت و حیات و حکمت، در آفرینش و هستی بخشی. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»

﴿ ۲ ﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ

خداوندی که مقصود همگان است.

نکته‌ها:

«صمد» به معنای قصد کردن است. خداوند صمد است، یعنی همه موجودات در امورشان او را قصد می‌کنند و او مقصود همگان است. چنانکه امام جواد علیه السلام در معنای «صمد» فرمود: «او بزرگی است که موجودات به او رجوع می‌کنند و محتاج اویند.» نظیر آیه «أَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُتَتَّبِعُونَ»^۲.

امام حسین علیه السلام در پاسخ اهل بصره که از معنای صمد سؤال کرده بودند، فرمود: معنای صمد همان جملات پس از آن یعنی «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ» است.^۳

حضرت علی علیه السلام در تفسیر صمد فرمود: «هو الله الصمد الذي لا من شيء و

۳. تفسیر نورالثقلین.

۱. انعام، ۱۰۳.

۲. نجم، ۴۲.

لا فی شیء و لا علی شیء، مبدع الأشياء و خالقها و منشی الأشياء بقدرته،
یتلاشی ما خلق للفناء بمشیته و یتقی ما خلق للبقاء بعلمه»^۱ خداوند صمد است،
یعنی از چیزی به وجود نیامده، در چیزی فرو نرفته، و بر چیزی قرار نگرفته است،
آفریننده اشیاء و خالق آنها است، همه چیز را به قدرتش پدید آورده، آنچه برای
فنا آفریده به اراده‌اش از هم متلاشی می‌شود و آنچه برای بقاء خلق کرده به
علمش باقی می‌ماند.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر اهلش را پیدا می‌کردم از همین کلمه «صمد» توحید
و اسلام و ایمان را استخراج می‌کردم.^۲

پیام‌ها:

- ۱- توجّه تمام موجودات، خواسته یا ناخواسته به سوی اوست. «اللَّهُ الصَّمَدُ»
- ۲- تنها او غنی است و همه به او محتاجند. «اللَّهُ الصَّمَدُ»
- ۳- تنها خداوند است که سزاوار قصد کردن است. «اللَّهُ الصَّمَدُ» (حرف الف و لام در الصمد برای حصر است).
- ۴- موجودات، در همه امورشان محتاج اویند. «اللَّهُ الصَّمَدُ» (کلمه صمد مطلق است و شامل تمام احتیاجات مادی و معنوی مخلوقات می‌شود).

﴿ ۳ ﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

فرزند نیاورده و فرزند کسی نیست.

نکته‌ها:

۱۷۲

رابطه خداوند با موجودات، رابطه آفرینش است نه زایش. او موجودات را

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. تفسیر نورالثقلین.

می‌آفریند، یعنی از نیستی به هستی می‌آورد، نه آنکه خود بزاید. زیرا نوزاد از جنس والدین و در واقع جزئی از آنهاست، در حالی که هیچ چیز از جنس خداوند و یا جزئی از او نیست.

چون بیشتر مشرکان و اهل کتاب برای خداوند فرزند قائل بودند، لذا «لَمْ يَلِدْ» که به معنای نداشتن فرزند است، مقدم بر «لَمْ يُولَدْ» آمده است.^۱

موجودات، نه فقط از او زاده نشوند، بلکه حتی از او خارج نشوند، آن گونه که میوه از گل، درخت از هسته، آب از ابر و چشمه، آتش از چوب، کلام از دهان، نوشته از قلم، بو از گل، مزه از غذا، فکر از عقل، گرما از آتش، سرما از یخ، خواب و خیال از ذهن، اندوه و شادی و بیم و امید از دل، صادر و خارج می‌شوند.^۲

این آیه، هم عقیده مسیحیت که عیسی را فرزند خدا می‌دانند و هم عقیده یهود که عزیر را فرزند خدا می‌دانستند و هم عقیده مشرکان جاهلی که فرشتگان را دختران خدا می‌پنداشتند، رد می‌کند.

پیام‌ها:

۱- صَمَدِیت و بی‌نیازی خداوند از همه چیز، دلیل آن است که او نیاز به فرزند و والدین ندارد. «اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ»

۲- خداوند علّتی ندارد و از چیزی به وجود نیامده است. «وَ لَمْ يُولَدْ»

۳- مولود، معلول است و نمی‌تواند خدا باشد. «وَ لَمْ يُولَدْ» (چگونه مسیحیان عیسی را مولود مریم، ولی باز هم او را خدا می‌دانند؟)

﴿٤﴾ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و هیچ همتایی برای او نباشد.

نکته‌ها:

«کفو» به معنای شبیه و نظیر و مانند است.^۱ چنانکه در بحث ازدواج، توصیه شده همسری انتخاب کنید که «کفو» شما باشد. یعنی در دین و اخلاق شبیه و مانند شما باشد.

خدا صمد است، یعنی او از دیگران بی‌نیاز و همه به او نیازمندند. بنابراین نمی‌تواند همتایی داشته باشد، زیرا همتای او باید بی‌نیاز از او باشد که این با صمد بودن خدا سازگار نیست.

آیه قبل، فرزند بودن و فرزند داشتن را از خدا نفی کرد، این آیه وجود هرگونه همسر را از او نفی می‌کند. چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا»^۲ او نه همسری انتخاب کرده و نه فرزندی دارد.

پیام‌ها:

۱- نه در ذات، نه در صفات و نه در افعال، هیچ کس و هیچ چیز شبیه و مانند

خداوند نیست. «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»

۲- خداوند شبیه ندارد تا بتواند شریک او در امور هستی گردد. «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

أَحَدٌ»

نماز مطلوب از نگاه قرآن

نمازی که قرآن از ما می‌خواهد چنین است:

۱. دائمی باشد: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»؛^۱
۲. نمازی که از آن حفاظت شود: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛^۲
۳. نمازی که در آن خشوع باشد: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛^۳
۴. نمازی که بازدارنده از فحشا و منکر باشد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛^۴
۵. نمازی که به دلیل ذکرالله بودنش، آرامبخش دل‌ها باشد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛^۵
۶. نمازی که در آن نشاط باشد، نه کسالت: «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالًا»؛^۶
۷. نمازی که نسبت به آن، فرزندان و خانواده فراموش نشوند: «وَأُمرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ»؛^۷
۸. نمازی که اولویت آن همیشه بر سایر کارهای دیگر رعایت شود؛ حتی در میدان جنگ.^۸

«والحمد لله رب العالمين»

۵. رعد: ۲۸.

۶. نساء: ۱۴۲.

۷. طه: ۱۳۳.

۸. نساء: ۱۰۲.

۱. معارج: ۲۳.

۲. معارج: ۳۴.

۳. مؤمنون: ۲.

۴. عنکبوت: ۴۵.

سؤالات بخش پایانی

۱. در قرآن همراهی ارتباط با خدا (نماز) و رابطه با محرومان (زکات) چند بار بیان شده است؟
 الف) ۲۵ (ب) ۲۷ (ج) ۲۸ (د) ۳۲
۲. در آیه ۲۹ سوره فاطر کدام عمل مستحب قبل از واجباتی مثل نماز آمده است؟
 الف) انفاق (ب) قرائت قرآن (ج) دعا (د) شب زنده داری
۳. اولین اقدام پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت به مدینه کدام است؟
 الف) برپایی نماز جماعت (ب) برپایی نماز جمعه (ج) تشکیل حکومت (د) برپایی نماز صبح
۴. بر اساس روایت، خداوند به واسطه این گزینه، عذاب را از دیگران برمی دارد؟
 الف) فرزندان شیرخوار (ب) پیران و سال خوردگان (ج) اهل مسجد (د) اهل نماز جمعه
۵. در قرآن کدام گزینه بطور قطع رستگار هستند؟
 الف) اهل تزکیه و نماز (ب) اهل ایمان (ج) اهل ایمان و عل صالح (د) الف و ب
۶. کدام گزینه مصداق کوثر نیست؟
 الف) وحی و نبوت (ب) قرآن و نسل پیامبر (ج) ولایت و شب قدر (د) مقام شفاعت و ذکر کثیر
۷. کدام سهو نمازگزار قابل جبران و بخشش است و کدام قابل بخشش نیست؟
 الف) سهو در رکعات - سهو در ارکان (ب) سهو در رکوع - سهو از تکبیر (ج) سهو از نماز - سهو در نماز (د) سهو در نماز - سهو از نماز
۸. پیامبر اکرم ﷺ در بیان فضایل سوره توحید، آن را به کدام گزینه تشبیه کردند؟
 الف) خورشید (ب) ستون خیمه (ج) قیامت (د) علی بن ابیطالب علیه السلام
۹. کدام آیه سوره توحید، عقاید باطل مسیحیان و یهودیان و مشرکان را درباره خداوند رد کرده است؟
 الف) آیه ۱ (ب) آیه ۲ (ج) آیه ۳ (د) آیه ۴
۱۰. نمازی که اولویت آن همیشه بر سایر کارها رعایت شود، حتی در میدان جهاد؟
 الف) مطلوب قرآن است (ب) مقبول خداوند است (ج) محبوب پیامبر است (د) مطرود شیطان است